

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

خبرنامه، سال چهاردهم، شماره ۵۱ ■ تابستان ۱۳۹۳

دیاچه

ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فناوری توسط مقام معظم رهبری

سخن اول

ناهمزمانی در جهان کنونی، زمینه‌ساز خلط مسائل سیاسی و تاریخی است

خبر

یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی

بیانیه شورای بانی برای دیالوگ بین ادیان

نهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

تعامل و گفتگو میان گروه علوم کشاورزی فرهنگستان و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان با موضوع روغن پالم

دکتر حسن روحانی: عضو خارجی فرهنگستان علوم تاجیکستان

برگزاری همایش بین‌المللی آینده فرهنگ در سال ۱۳۹۴

فصلنامه آموزش مهندسی ایران در میان ۱۰ مجله برتر علمی کشور

گزارش

سینار نقش آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی و ملی فیزیک در توسعه کشور

معرفی

مختصری از زندگینامه علمی دکتر علیرضا کوچکی

انجمن علم آسیا

آکادمی علوم و ادبیات تروژ

کتاب

علاقمندان برای دریافت نسخه الکترونیکی (PDF) خبرنامه، رایانامه (Email) خود را به نشانی‌های: info@ias.ac.ir یا khbarnameh@ias.ac.ir ارسال و یا به شماره ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲ پیامک نمایند.

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، سال چهاردهم، شماره ۵۱ ■ تابستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سرمدبیر: دکتر حسن ظهیر

مدیر داخلی: مهندس سیدعلی پزشکی

مدیر هنری: مجید میرابزاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستان‌های
جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم، دفتر ریاست

کدپستی: ۱۵۳۷۶۳۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۵۳۱۸

تلفن: ۸۸۶۴۵۵۹۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸

تارنما: www.ias.ac.ir - رایانامه: info@ias.ac.ir

شماره سامانه پیامک فرهنگستان: ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»



فهرست

دیباجه

■ سیاست‌های کلی «علم و فناوری»

سخن اول

■ ناهمزمانی در جهان کنونی، زمینه‌ساز خلط مسائل سیاسی و تاریخی

خبر

■ جلسات شورای علمی

■ یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی

■ انتصابات جدید

■ بیانیه شورای پایی برای دیالوگ بین ادیان

■ نهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

■ سخن دکتر یوسف نبوتی در مراسم افطاری رئیس‌جمهوری

■ پیام تبریک مسئولان فرهنگستان علوم به بانوی ریاضیدان ایرانی

■ دیدار سفیر هلند با رئیس گروه علوم اسلامی

■ تعامل و گفتگو میان گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و سازمان

تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی با موضوع روغن پالم

■ درگذشت شادروان دکتر امیرناصر کاتوزیان

■ تجلیل از رئیس گروه علوم اسلامی در نشست اخلاق و محیط‌زیست

■ دکتر حسن روحانی؛ عضو خارجی فرهنگستان علوم تاجیکستان

■ برگزاری همایش بین‌المللی آینده فرهنگ در سال ۱۳۹۴

■ وضع تحقیق و توسعه در ایران و جهان؛ سخنرانی دکتر سیدی

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی

■ فصلنامه آموزش مهندسی ایران در میان ۱۰ مجله برتر علمی کشور

■ دهمین سمینار افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر

گزارش

■ سمینار نقش آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی، و ملی فیزیک در توسعه

کشور؛ دکتر محمد اخوان

معرفی

■ مختصری از زندگینامه علمی دکتر علیرضا کوچکی

■ انجمن علم آسیا

■ آکادمی علوم و ادبیات نروژ

کتاب

■ فرهنگ، فلسفه و علوم انسانی

■ سیاست و فرهنگ

■ خرد گفتگو

■ حقوق بین‌الملل؛ رهیافتی اسلامی

■ علم، دین و فلسفه

■ ریاضیدانان؛ نگرشی برونی از دنیای درونی

■ شیمی و کاربرد پروتئین‌های شیر

■ نامه تاج‌بخش

رهبر معظم انقلاب اسلامی سیاست‌های کلی «علم و فناوری» را ابلاغ فرمودند



۴- تحول و ارتقای علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۵- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ویژه.

بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی با تأکید بر:

۱- مدیریت دانش و پژوهش و انسجام‌بخشی در سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی در حوزه علم و فناوری و ارتقای مستمر شاخص‌ها و روزآمدسازی نقشه جامع علمی کشور با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان.

۲- اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توجه ویژه به استعداد و علاقمندی دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی و افزایش ورود دانشجویان به دوره‌های تحصیلات تکمیلی.

۳- ساماندهی و تقویت نظام‌های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی در حوزه‌های علم و فناوری.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست‌های کلی «علم و فناوری» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، ابلاغ فرمودند. متن سیاست‌های کلی علم و فناوری که از سوی مقام معظم رهبری به رؤسای محترم قوای سه‌گانه و رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری

(نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه‌پردازی.

۲- ارتقای جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.



۴- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.

۵- حمایت از تأسیس و توسعه شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری.

۶- توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور.

۷- شناسایی نخبگان، پرورش استعدادهای درخشان و حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی.

۸- افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴٪ تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر مصرف بهینه منابع و ارتقای بهره‌وری.

حاکمیت مبنایی، ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی با تأکید بر:

- ۱- اهتمام به نظام تعلیم و تربیت اسلامی و اصل پرورش در کنار آموزش و پژوهش و ارتقای سلامت روحی و معنوی دانش‌پژوهان و آگاهی‌ها و نشاط سیاسی آنان.
- ۲- تربیت اساتید و دانشجویان مؤمن به اسلام، برخوردار از مکارم اخلاقی، عامل به احکام اسلامی، متعهد به انقلاب اسلامی و علاقمند به اعتلای کشور.
- ۳- حفظ موازین اسلامی و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری.

تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری:

- ۱- تقویت و گسترش گفتمان تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در کشور.
- ۲- ارتقای روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام‌مند، شجاعت علمی و کار جمعی و وجدان کاری.
- ۳- تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش‌بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی.
- ۴- ارتقای منزلت و بهبود معیشت استادان، محققان و دانش‌پژوهان و اشتغال دانش‌آموختگان.
- ۵- احیای تاریخ علمی و فرهنگی مسلمانان و ایران و الگوسازی از مفاخر و چهره‌های موفق عرصه علم و فناوری.
- ۶- گسترش حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران و فعالیت‌های عرصه علم و فناوری.

ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش‌ها با تأکید بر:

- ۱- افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی، ازدیاد توان ملی و ارتقای کارآمدی.
- ۲- حمایت مادی و معنوی از فرایند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی در تولید ناخالص داخلی با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد.
- ۳- تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه و تقویت همکاری‌های مستمر راهبردی.
- ۴- تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.
- ۵- تعیین اولویت‌ها در آموزش و پژوهش با توجه به مزیت‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای کشور و الزامات نیل به جایگاه اول علمی و فناوری در منطقه.
- ۶- حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت‌ها و قوانین و مقررات مربوط.
- ۷- افزایش نقش و مشارکت بخش‌های غیر دولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقای سهم وقف و امور خیریه در این حوزه.
- ۸- توسعه و تقویت شبکه‌های ارتباطات ملی و فراملی میان دانشگاه‌ها، مراکز علمی، دانشمندان و پژوهشگران و بنگاه‌های توسعه فناوری و نوآوری داخلی و خارجی و گسترش همکاری‌ها در سطوح دولتی و نهادهای مردمی با اولویت کشورهای اسلامی.

گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور، با تأکید بر:

- ۱- توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش‌بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به‌ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.
- ۲- اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.
- ۳- استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز.
- ۴- تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش‌های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها به‌ویژه جهان اسلام.



رضا داوری اردکانی

ناهمزمانی در جهان کنونی، زمینه ساز خلط مسائل سیاسی و تاریخی است

۱- یکی از صفات تجدد جهانی بودن آن است. در جهان قدیم هرگز هیچ قومی نمی خواسته است که اقوام دیگر را در فرهنگ و تفکر خود شریک سازد و به ندرت در صدد برمی آمده است که از آنها رسم و راهی فرا گیرد. حتی یونانیان که اسلاف متجددان شناخته می شوند مرز ضخیم و بلندی میان یونانی و غیر یونانی گذاشته بودند. در نظر آنان یونانی در یکسو (هلن) و بقیه مردم جهان در سوی دیگر (بربر) قرار داشتند. اگر ما ایرانیان فلسفه و طب و نجوم و ریاضی یونانیان را آموختیم به برکت نیروی طلبی بود که در ما به وجود آمده بود. در آن زمان که نیاکان ما به علم یونانی رو کردند دوران علم و تفکر یونانی پایان یافته بود و شاید خود یونانیان دیگر از عهده محافظت آن هم بر نمی آمدند. چنانکه گفته شد نه فقط یونانیان با هنر و دانایی شان خود را مردمی متفاوت و از دیگران برتر می دانستند و به این جهت کاری به فرهنگ و ادب و اندیشه دیگران نداشتند بلکه هیچ فرهنگی به فرهنگ دیگر احساس نیاز نمی کرد. در دوران تجدد انسان و اندیشه دیگری پدید آمد. اندیشه ای که از دین اخذ شده بود اما دین نبود. در دین توحیدی خدا یکی است و

همه مردمان می توانند پیروان آن دین باشند. در رنسانس که مقدمه تجدد بود مفهوم بشر طبیعی و جهانی را از دین فراگرفتند اما شأن دینی اش را از آن جدا کردند. تجدد علاوه بر یهودیت و مسیحیت مرجع دیگری هم داشت و آن هنر و فلسفه و علم و سیاست یونانی بود. سقراط و افلاطون و ارسطو از سیاست عقلی و فلسفه مدنی گفته بودند و با همه تعلقی که به عالم یونانی داشتند عقل را یونانی نخواندند. آنها طرح سیاست و قانونگذاری بشری را در انداختند. در جهان اسلامی هم طرح مدینه فاضله افلاطون مورد توجه فیلسوفان مسلمان قرار گرفت اما مدینه ای که فارابی تصویر کرد در چشم انداز تاریخی سیاست قرار نگرفت و دستور عمل سیاستمداران نشد. در اروپا هم سنت اوگوستین طرح مدینه الهی را به جای مدینه فاضله افلاطونی گذاشت که آن هم هرچند تا حدودی در بنا و تحکیم کلیسا مؤثر شد نتوانست و نمی توانست دستورالعملی برای حکومت باشد. زیرا مدت ها پیش از او در مسیحیت کار ملک را به قیصر سپرده بودند. اروپای جدید سکولاریسم را از مسیحیت آموخت. در رنسانس با رجوع به ادب و فلسفه یونان و

آیین مسیحی، بشر جدیدی به دنیا آمد که خود را مالک زمین و صاحب حق تصرف در کائنات می‌دانست.

کسانی در مقام قیاس شأن اخلاقی بشر جدید با انسان دوران پیش از تجدد گفتماند که آدمی پیش از دوران جدید خود را غایت خلقت می‌دانست و فکر می‌کرد ابر و باد و مه و خورشید همه به عنوان وسیله‌ای در کارند که او یعنی اشرف مخلوقات بتواند نانی به کف آورد و بخورد. اما بشر جدید دیگر نه زمین را مرکز عالم می‌داند و نه خود را غایت خلقت می‌انگارد بلکه خود باید وجه کفاف زندگی خویش را فراهم سازد. این گزارش به یک معنی درست است اما در آن دو نکته اساسی مورد غفلت قرار گرفته است. یکی اینکه ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا آدمی نانی به دست آورد «و به غفلت نخورد». یعنی متذکر باشد که او گرداننده این چرخ و صاحب اختیار آن نیست. دوم اینکه وقتی آدمی در دوره جدید دیگر زمین و آسمان و ابر و باد و مه و خورشید را برای زنده‌ماندن در کار ندید خود را تنها و بیگانه با همه موجودات و مأمور به کار گرفتن و بهره‌برداری از آنها یافت؛ گویی وجودش به اراده و قدرت مبدل شده بود. بشر پیش از تجدد متکبر و مغرور نبود که زمین را مرکز عالم و ابر و باد و مه و خورشید را در خدمت خود می‌دانست و این هم تواضع بشر جدید نبود که این همه را با خود بیگانه پنداشت و قصد استخفافشان کرد. آنجا غرور نبود زیرا احساس قدرت نبود و اینجا چگونه از تواضع بشری بگوییم که سودای تسخیر جهان و تصرف در همه‌چیز و همه‌جا دارد. آنچه در اینجا و در این بحث اهمیت دارد این است که این بار وقتی بشر به خود نظر کرد خود را دیگر یونانی و ایرانی و رومی نیافت. او از این پس بشر جهانی و صاحب حقوق طبیعی بود و با چنین رویکردی به فلسفه و علم و ادب و سیاست جدید رسید که با آنها قدرت آدمی محقق و اثبات شد و رسم تجدد در سراسر زمین انتشار پیدا کرد. درست است که تفکر و علم جدید در اروپا به وجود آمد اما تفکر و علم اختصاص به اروپا نداشت. از آغاز عصر جدید آدمیان در یک تقسیم کلی به دو گروه تقسیم شدند. گروهی که با فرهنگ جدید پیورده شده‌اند و به جهان قدرت تعلق دارند و گروه دیگر که از فرهنگ جدید و توانایی‌هایش بهره ندارند. اینان چون علم و قدرت ندارند سرزمینشان باید توسط قدرتمندان استعمار شود. اصل تسخیر و استیلا که بیانی از نسبت انسان و موجودات و طبیعت بود بر نسبت میان فرهنگ‌ها و مردمان هم اطلاق شد. یعنی گفتند انسان جدید باید بر کسانی که در عالم او وارد نشده‌اند غالب شود و از راه غلبه آنها را در ذیل جهان خود قرار دهد. به این ترتیب بود که جهان متجدد جهان مطلق بشری و متعلق به همه مردم جهان و سراسر روی زمین تلقی و قلمداد

شد. اگر در طی مدت دویست سال از فرهنگ‌ها چیزی گفته نمی‌شد بدان جهت بود که فرهنگ اروپای جدید را مطلق می‌انگاشتند و می‌گفتند فرهنگ‌های دیگر یا مقدمه فرهنگ تجدید یا ضد آنند. شرق‌شناسی همه آثار و گزارش‌های فرهنگ‌های قدیم را گردآوری کرد و به موزه تجدد برد. همه جهان هم به تدریج به اصول تجدد تسلیم شدند و قدم در راه دشوار و ناهموار آن گذاشتند. در اوایل پیمودن این راه لاف‌ها برای پیوندگان آن چندان دشوار نمی‌نمود اما تجربه تاریخ خلاف این پندار بود هر چند که از آن عبرتی حاصل نشد پندار را از سر صاحبانش بیرون نکرد. چنانکه هنوز بعد از دویست سال آرزوی تجدد پروردن و در حسرت تجدد به سر بردن، باز هم می‌پندارند که با تصمیم‌هایی که می‌گیرند و کوشش‌هایی که می‌کنند خیلی زود به مقصد دور خواهند رسید. این پندار را نسل‌های پی‌درپی به ارث گذاشته‌اند و شاید هرگز برای هیچ‌یک از آنها پندار بودن آن به خودآگاهی نرسیده باشد. تاریخ تجدد از همه تاریخ‌های دیگر ممتاز است و فرهنگی دارد که، فرهنگ سراسر روی زمین و همه مردمان شده است. اما همه مردمان و ساکنان مناطق روی زمین بهره یکسان از این فرهنگ ندارند و آنها که بهره کمتر دارند با صفات معنی‌دار عقب‌افتاده و توسعه‌نیافته و ... وصف می‌شوند. عقب‌افتادگی و توسعه‌نیافتگی در قیاس با وضع کنونی اروپای غربی و آمریکای شمالی و ژاپن است. گویی غایت تاریخ وضع اروپای غربی و آمریکای شمالی و ژاپن است و همه باید به راهی بروند که به منزل و مقام کنونی ایالات متحده آمریکا می‌رسد. اینکه با سیاست آمریکا موافق یا مخالف باشیم در این باب اهمیت ندارد زیرا همه طالب توسعه علمی-تکنیکی مشابه با وضع آمریکا هستند. مگر نمی‌بینید حتی ما که بستگان جمهوری اسلامی هستیم بیش از آنکه به اخلاق و معرفت دلبسته باشیم به پیشرفت در علم و تکنولوژی علاقه داریم و نشانه‌های کمال را در آن می‌جوییم. وجه آن هم این است که جهان یک جهان است و آن جهان تکنیک و تکنولوژی است. در تاریخ این جهان بعضی کشورها پیشروند و بیشتر مناطق روی زمین و مردم آن مناطق افتان و خیزان با آرزو و حسرت و کینه در پی پیشروان می‌روند و گاهی راه گم می‌کنند و به این سو و آن سو منحرف می‌شوند و وقتشان بیهوده تلف می‌شود. متأسفانه گمان غالب هم این است که راه توسعه راه طی‌شده و هموار و روشنی است. این گمان بیهوده است. آنها که راه تجدد و توسعه را پیمودند دیگر به پشت سر خود کاری نداشتند و راه را به حال خود گذاشتند که ویران و پر آشوب شود و گاهی دانسته و آگاهانه در ویران کردن آن کوشیدند.

وقتی به این راه یا به فاصله میان توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی در صد



سال اخیر نظر می‌کنیم احساس نمی‌کنیم که راه کوتاه و فاصله کم شده باشد. جهانی شدن دهه‌های اخیر جهانی شدن مصرف اشیاء تکنیک و بخصوص وسایل ارتباطی و آداب مصرف آنهاست و گر نه فاصله میان فهم تکنیک و توانایی جهان توسعه‌یافته و جهان توسعه‌نیافته (با اینکه در فهم و توانایی غرب پیشرفتی صورت نگرفته و شاید ضعف و فتور در آن راه یافته باشد) اگر بیشتر نشده باشد کمتر هم نشده است. این فاصله به درجات فهم و شدت و ضعف آن باز نمی‌گردد. اصلاً این فاصله، فاصله زمان تکنیک با زمان یا بی‌زمانی توسعه‌نیافتگی است. این وضع را می‌توان وجهی از ناهمزمانی تاریخی دانست.

۲- فرهنگ‌ها و تاریخ‌های قدیم زمان‌های قیاس‌ناپذیر داشتند اما وقتی تاریخ یکی و یگانه می‌شود زمانش هم یکی است و چون یکی شدن تاریخ و فرهنگ در همه‌جا یکسان تحقق نیافته است بسیاری از کشورها و مردمان که به غرب و تجدد غربی رو کرده‌اند چنانکه باید به آن نرسیده‌اند اما این رو کردن، بدون اینکه بخواهند، در عمل پشت کردن به فرهنگ و تاریخشان بوده است. آنها نه به درستی در تاریخ و زمان جدید وارد شده‌اند و نه دیگر پای استواری در زمین و زمان گذشته خود دارند. یعنی از اینجا رانده و از آنجا مانده‌اند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که جهان در حال توسعه یا توسعه‌نیافته در جایی بی‌زمان میان دو گذشته قرار گرفته است. گذشته تاریخی خود و گذشته تجدد. همه اقوام و ملل جهان توسعه‌نیافته در اوضاعی شبیه به مراحل گذشته کشورهای توسعه‌یافته به سر می‌برند و می‌خواهند در آینده به وضع کنونی آن جهان برسند. آنها از گذشته تاریخی خودشان دور شده‌اند یا رویکرد به تجدد پیوندشان را با گذشته سست کرده است. در این وضع نیز وجهی از ناهمزمانی پیداست ولی مگر ممکن است که دو یا چند کشور مثلاً در قرن بیستم ناهمزمان باشند. اگر زمان را صرفاً زمان تقویم بدانیم ناهمزمانی مردمی که در یک زمان تقویمی به سر می‌برند بی‌معنی خواهد بود. مثلاً چگونه بگوییم ملاصدرا و دکارت که معاصرند ناهمزمانند. اگر این‌سینا و دکارت را در زمان تاریخ‌نگاری با هم بسنجیم پیداست که آنها ناهمزمانند. در مقابل دکارت و ملاصدرا که هر دو به قرون هفدهم میلادی و یازدهم هجری - که فی‌الجمله تطابقی با هم دارند- متعلقند باید همزمان باشند. ولی وقتی به آثارشان نظر می‌کنیم می‌بینیم ملاصدرا و ابن‌سینا کم و بیش هم‌زمان و هم‌زمانند یا به یک عهد تعلق دارند اما این دو فیلسوف به فاصله یک دوران تاریخی از دکارت دورند. در اینجا باید به دو معنی متفاوت همزمانی توجه کرد. وقتی می‌گوییم ملاصدرا و ابن‌سینا همزمانند مراد این است که آنها به یک دوران تاریخی و به اصول و مبادی خاص آن دوران بستگی دارند و

اینکه دانشمندان ما در مجلات و نشریات علمی آثار و پژوهش‌های خود را عرضه کنند یک فضیلت است اما الزام دانشمندان به نوشتن مقاله در مجلات خارجی را می‌توان تأیید ضمنی و البته نادانسته جواز مهاجرت دانشمندان دانست. زیرا وقتی نتایج کار علمی در کشور به کار نمی‌آید و باید به خارج فرستاده شود معنی‌اش این است که کشور به دانشمند و دانشش نیاز ندارد. اگر دانش را می‌توان صادر کرد چرا مهاجرت دانشمند را منع کنند.

وقتی دکارت و ملاصدرا را همزمان نمی‌دانیم زمان و دورانشان را متفاوت یافته‌ایم. دکارت در آغاز جهان متجدد قرار دارد و فیلسوف بنیانگذار دوران خویش است اما ملاصدرا فیلسوف عالم اسلام و به اعتباری ختم فیلسوفان دوره اسلامی است. پس دکارت و ملاصدرا زبان و زمان مشترک ندارند و دیدیم که حتی از وجود یکدیگر یا خبر نشدند. آنها ناهمزمان بودند و ناهمزمانیشان به بیگانگی میان دو زمان بازمی‌گردد. اکنون نمی‌دانیم آیا در کنار زمان تجدد که دوران تکنیک و زمان پیشرفت است زمان و دوران دیگری وجود دارد و جایی هست که در آن از اصولی جز اصول تاریخ و تجدد غربی پیروی شود. مسلماً آداب و رسوم و آیین‌ها و ادیان در مناطق گوناگون جهان پیروان پایدار در اعتقاد خود دارند اما دوران‌های تاریخی با آداب و رسوم ظاهر تعین پیدا نمی‌کنند بلکه تعینشان به اندیشه هستی و نگاهی است که به جهان و به غایت زندگی می‌شود. اکنون مردم جهان اعم از دیندار و غیر دیندار، سفید و زرد و سیاه (از سرخ‌ها که قربانی قدرت‌طلبی و خودبینی آمریکای شمالی شدند چه می‌توان گفت) خواهان توسعه و پیشرفت علم و رفاه و برخورداری از امکان‌های توسعه تکنولوژی‌اند. آنها مدرسه و دانشگاه می‌خواهند تا به جهان تکنولوژیک راه پیدا کنند. دین هم منافاتی با توسعه ندارد و حتی گاهی چنان تفسیر می‌شود که غایتش رسیدن به مقاصد جهان متجدد بوده‌است. اینجا بحث در درستی و نادرستی این قبیل تفسیرها نیست. مراد این است که همه جهان در طلب رسیدن به مال و مقصدی است که در قرن هیجدهم میلادی فرا روی بشر جدید قرار گرفته است. معنی تعلق به زمان جدید نیز همین است. منتهی این تعلق شدت و ضعف دارد و گاهی اصلاً عهدی یا تعلق در کار نیست بلکه زمان، اکنون ساکن است. آنان که به باطن

تجدد پیوسته‌اند تعلقشان از تعلق کسی که به ظاهر علاقه دارد شدیدتر است و کسی که صرفاً به ظاهر تجدد تعلق دارد و در زمان و تاریخ آن وارد نشده با ساکنان اصلی جهان متجدد همزمان نیست. هرچند که هر دو در طلب غایات جهان متجددند. این دو گرچه به یک زمان و دوران تعلق دارند از آن جهت همزمان نیستند که یکی در مرحله پیشرفته‌تری است و دیگری می‌خواهد (که به دشواری می‌تواند) به آنجا برسد. اگر این فاصله در مدت زمانی معین پیموده می‌شد اختلاف کمی و مادی بود اما فاصله صرفاً کمی نیست و با گذشت زمان تقویمی طی نمی‌شود. به این جهت ناهمزمانی را با روز و ماه و سال نمی‌توان محاسبه کرد. مثلاً نمی‌توان گفت اندونزی پنجاه سال یا هلند فاصله دارد و ترکیه بیست سال دیگر به آلمان می‌رسد. مع‌هذا نظر شایع این است که همه مناطق و اقوام جهان به یکدیگر نزدیک شده و به شیوه متجددان زندگی می‌کنند و دیگر فاصلهای میان پیشرفته‌ترین کشور جهان و آنکه عقب‌مانده‌اش می‌خواندند وجود ندارد زیرا مردم هر کشور می‌توانند از آخرین وسایل ارتباطی و مخابراتی استفاده کنند. کسانی هم می‌گویند جهان توسعه‌یافته از راه پیشرفت بازمانده است و به زودی به سرازیری خواهد رسید و سقوط خواهد کرد. این هر دو رأی نیندیشیده و عامیانه است. زیرا جهان توسعه‌نیافته نشان داده است که در ساختن و پرداختن بسیار ضعیف و ناتوان است و گاهی حتی کارهای بسیار کوچک امروز و فردای تقویمی‌اش را هم نمی‌تواند تدبیر کند. هرچند که او در کار مصرف با تولیدکنندگان و صاحبان تکنولوژی رقابت می‌کند و گاهی از آنها سبقت می‌گیرد اما در این هم که جهان پیشرفته و توسعه‌یافته ممکن است از پا درآید و نابود شود باید بیشتر تأمل کرد و اگر چنین شود نمی‌دانیم بر سر بقیه جهان چه می‌آید و کشورهایی که تکنولوژی و مدیریت و حتی شیوه زندگیشان مجموعه‌ای از سرهم‌بندی‌ها و تقلیدهاست با اینکه مدام سخن از عقل و عقلانیت می‌گویند و از عقل جهان پیش از تجدد دور شده و به عقل تکنیک پیوسته‌اند، چه می‌توانند بکنند. یک لحظه در نظر آوریم که قدرت‌های نظامی - سوداگری جهانی ناگهان از هم بپاشند و قلم محو بر نامشان کشیده شود. در این صورت آیا کار دین و دنیای مردم جهان به صلاح خواهد آمد؟ بسیاری از مخالفت‌هایی که با تجدد و وضع توسعه‌یافته کنونی‌اش می‌شود نه از روی درک و دانایی و عدالت‌طلبی بلکه وجهی از توجیه ضعف‌ها و ناتوانی‌ها و ندانم‌کاری‌ها و پریشانی‌ها و درماندگی‌هاست گویی اگر حتی به فردای خود نمی‌توان اندیشید و امور اداری عادی هر روزی دستخوش نابسامانی است و عمر و وقت صرف کارهای زائد و بیهوده می‌شود مسئولش دیگرانند و گناهش به گردن آنهاست. این وضع، وضع استعفا

از اندیشیدن به مسائل و اعراض از سامان بخشیدن به کارهاست و وقتی مسئله نباشد آینده هم نیست زیرا بی‌مسئله بودن یعنی اکنون تهی یا پر از مشغولیت‌های بیهوده را تکرار کردن. مسئله که نباشد همه کارها عادی و تکراری می‌شود و حتی علم در حد علم آموختنی و رسمی محدود می‌ماند و اقتصاد در هم می‌ریزد و فرهنگ و تربیت به حرف و لفظ و عمل‌های بی‌ثمر میل می‌شود و سیاست با ابتلا به سودای همه‌توان‌بودن، کارهای اصلی خود را رها می‌کند و قدم در وادی‌های محال می‌گذارد.

۳- سیاست در جهان متجدد دستخوش تحولی بزرگ و اساسی شده است. در دوران پیش از تجدد سیاست به اقتصاد و معاش مردم کاری نداشت زیرا اقتصاد، اقتصاد خانه و تدبیر منزل بود حکومت در تعلیم و تربیت هم دخالت نمی‌کرد و اگر دخالت می‌کرد دخالتش نادر و استثنایی بود چنانکه در هنگامه جنگ اعتقادات بود که اسمعیلیان در مصر الازهر را تأسیس کردند تا در آنجا آراء و عقاید خود را بیاموزند و ترویج کنند. نظام‌الملک هم نظامیه‌ها را تأسیس کرد تا در دایره جغرافیایی و سیاسی بسیار وسیع با آنها مقابله کرده باشد و گرچه حکومت در دوران پیش از تجدد کاری به علم و درس و مدرسه نداشته است و این در تاریخ تجدد بود که آموزش و حتی توسعه فرهنگ در دایره کار حکومت و سیاست قرار گرفت. وقتی آموزش امر ضروری باشد و چرخ زندگی بدون آن نگردد حکومت نمی‌تواند به آن بی‌اعتنا باشد و با اجباری‌شدن آموزش حکومت باید شرایط سوادآموزی را برای همه کودکان و بی‌سوادها فراهم سازد و هزینه آن را بپردازد. علم و سیاست دو رکن جامعه جدیدند که به دشواری می‌توان یکی را بر دیگری مقدم دانست. سیاست با نظارتی که بر آموزش و پژوهش دارد گرچه نمی‌تواند در کار علم دخالت کند، بر تندی و کندی سیر آن و در توجهِش به این یا آن حوزه و قلمرو پژوهش اثر می‌گذارد و حتی گاهی می‌تواند چنانکه در شوروی اتفاق افتاد آموزش‌ها و پژوهش‌هایی را محدود یا ممنوع سازد و پژوهش‌هایی را با پشتیبانی‌هایش رونق بخشد. مع‌هذا حکومت نمی‌تواند ماهیت علم و راه و روش آن را تغییر دهد یا معین کند. در مقابل، علم و بخصوص علم تکنولوژیک نه فقط گاهی محدودیت‌هایی برای سیاست ایجاد می‌کند بلکه آن را به دنبال خود می‌کشد. مع‌هذا نسبت میان علم و سیاست چندان روشن نیست و به این جهت است که معمولاً سیاست و علم را مستقل از یکدیگر در نظر می‌آورند. در وضع کنونی اگر سیاست نتواند بدون تکیه بر علم راه خود را بیماید علم لاقال در ظاهر به سیاست نیازی ندارد و اگر نیاز داشته باشد نیاز به تأمین هزینه‌های پژوهش و قرار ندادن مانع سیاسی در برابر بعضی پژوهش‌هاست. در

جامعه جدید علم و فرهنگ و سیاست سه رکن تاریخ جدیدند که در تناسب با یکدیگر و با تحولی که در تفکر و فلسفه پدید آمده است هر یک تعیین خاص پیدا کرده‌اند. اینها حوادث تاریخی‌اند و با تصمیم این و آن به وجود نیامده‌اند که با میل آنها از میان بروند و دگرگون شوند. وقتی گفته می‌شود که علم یا فرهنگ جدید امر تاریخی است تاریخی بودن به این معنی است که حادثه با اراده خاص این و آن به وجود نیامده و حاصل تصمیم سیاسی نیست بلکه پدید آمدنش عین ساختن و پدید آمدن جهان و زمان جدید است. اما در این جهان علاوه بر غفلتی که لازمه هر تاریخی است بیگانگی با زمان جدید مسائل و امور را دگرگون و پرکننده جلوه می‌دهد و غالباً توجه نمی‌شود که مسائل به درستی طرح نشده‌اند و معمولاً در حل آنها نیز نمی‌کوشند و به این پندار که با تدبیر خود آن را حل می‌کنند دلخوشند. گاهی سیاست‌ها بعضی حوادث تاریخی را نمی‌پسندند و با آن موافق یا مخالفند و البته می‌کوشند از آنها بهره‌برداری کنند یا آن را زشت بنمایند ولی این بدان معنی نیست که هر چه بخواهند می‌توانند بکنند. فرهنگ جدید را سیاست پدید نیاورده است که بتواند ذات تاریخی آن را دگرگون کند و فرهنگ دیگری به جای آن بگذارد. در جهان جدید چنانکه اشاره شد علم و سیاست و فرهنگ در یک هماهنگی نسبی بسط یافته‌اند و این هماهنگی یک امر تاریخی است. اما وقتی تجدیدی که از زمین غرب روئیده بود به جاهای دیگر که زمینش کشتزار گیاهان و درختان دیگر بود وارد شد علم و فرهنگ و سیاست به صورت یک مجموعه پیوسته به هم و متناسب با یکدیگر انتقال نیافت. زیرا جهان غیر متجدد زمان و جهان تجدد را اخذ نمی‌کرد بلکه صورت خیالی و آثار آن را فرا می‌گرفت. پیداست که شئون تجدد به یک اندازه و یکسان آموختنی نبودند و نیستند چنانکه آموختن و دانشمندشدن در قیاس با پذیرفتن عقل تجدد بالنسبه آسان است. البته صورت ظاهر فرهنگ و سیاست را هم می‌توان آموخت اما کسی به صرف خواندن آثار شکسپیر و بالزاک و گوته و آشناسدن با نظام‌های سیاسی و آثار فلسفی ضرورتاً واجد عقل تجدد نمی‌شود. تجربه تاریخ صدساله اخیر نیز گواه آن است که جهان متجددمآب علم جدید را آسانتر از سیاست و ادب و فلسفه اخذ کرده است. اکنون جهان توسعه‌یافته دانشمندان بزرگ کم ندارد (گرچه بسیاری از آنان در جهان توسعه‌یافته زندگی نمی‌کنند) اما عدد کسانی که فلسفه و ادب و سیاست جدید را به آزمایش جان دریافته باشند زیاد نیست. این ناهماهنگی و عدم تناسب یک امر تاریخی است. با این ناهماهنگی و عدم تناسب چه باید کرد؟ سیاست نمی‌تواند به این حادثه تاریخی بیندیشد اما شاید بخواهد و بکوشد که از بروز و ظهور آثار آن جلوگیری کند. یعنی

آیا ما اکنون برای همه دانشمندان داوطلب خدمت در کشور شغل مناسب و وسایل رفاه و شرایط آسودگی تن و جان و خاطر آماده داریم یا می‌توانیم در کوتاه‌مدت اینها را فراهم کنیم؟ فرض کنیم که فردا بیست هزار دانشمند ایرانی از خارج بیایند و داوطلب خدمت در کشور شوند. کشور به آنها چه نیازی دارد و دانشگاه‌ها و مراکز علمی-پژوهشی چه پاسخی به آنها می‌توانند بدهند. مسائل واقعی با اگرهای بی‌وجه و بیجا حل نمی‌شود.

بدون اینکه بتواند و بخواهد که میان علم و فرهنگ و سیاست هماهنگی پدید آورد می‌کوشد آثار و نتایج بد و زیان‌بار این ناهماهنگی را به نحوی از میان بردارد. یکی از روشن‌ترین موارد و مثال‌های آن مهاجرت نخبگان یا فرار مغزهاست. مهاجرت نخبگان یک امر تاریخی متعلق به تاریخ توسعه‌یافتگی است. یعنی مهاجرت نخبگان از جمله اقتضاهای بسط و تجدد و پدید آمدن جهان توسعه‌یافته است. پیداست که این حادثه مطلوبی نیست اما از آن جهت که مقتضای وضع تجددمآبی و توسعه‌یافتگی است نه کسی را از بابت آن می‌توان ملامت کرد و نه با تدابیر سیاسی می‌توان از عهده حل یا علاج قطعی و فوری آن برآمد.

۴- مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها امر ظاهراً ساده‌ای است. این مهاجرت همیشه در همه‌جا بوده است. هر وقت در هر جا دارالعلمی برپا بوده دانشمندان و دانایان به آنجا می‌رفته‌اند اما تا زمان جدید قضیه کمتر رنگ سیاسی و فرهنگی می‌گرفته و حکومت‌ها به فکر جلب مهاجران یا جلوگیری از مهاجرت می‌افتاده‌اند. مهاجرت نخبگان از اوایل قرن بیستم آغاز شده و پس از جنگ دوم جهانی به صورت یک مسئله در روابط میان جهان توسعه‌یافته یا جهان توسعه‌یافته و در حال توسعه درآمده است. در این مسئله از جهات گوناگون می‌توان نظر کرد. از یک وجهه نظر اهل دانش در طلب علم به هرجا بروند رفتنشان ستوده و ستودنی است و اگر ترجیح می‌دهند در جایی بمانند که شرایط تحقیق و پژوهش فراهم‌تر است در حقیقت علم را ترجیح داده‌اند. از جهت دیگر دانشمندان و درسخواندگانی که از جهان فقیر توسعه‌یافته به کشورهای توسعه‌یافته می‌روند ثروت انسانی گران و گرانبهایی هستند که با هزینه بالنسبه هنگفت در کشور فقیر خود پرورش یافته و رایگان در خدمت

پیشرفت کشورهای ثروتمند قرار می‌گیرند. به وجهه نظر اول که نگاه می‌کنیم مهاجرت دانشمندان را امری موجه و حتی اخلاقی می‌پاییم اما در وجهه نظر دوم نوعی بی‌تعدالی و حتی بی‌عدالتی و ظلم به چشم می‌خورد. مسائل و قضایایی که وجوه و جلوه‌های متضاد دارند غالباً درست طرح نشده‌اند. در مسئله مهاجرت نخبگان مشکل اخلاقی این است که کشور فقیر چرا باید برای کشورهای ثروتمند نیروی انسانی تربیت کند و اگر این ظلم است باید برای آن چاره‌ای اندیشید اما کیست که این مشکل را چاره کند؟ البته اگر چاره‌ای باشد این دولت و حکومت است که باید چاره‌ساز باشد ولی آیا این درد و دشواری را با تدبیر و به مدد سیاست علاج و چاره می‌توان کرد؟ گفتیم که در دوره جدید کار سامان‌دادن علم و فرهنگ و آموزش و بهداشت و درمان و شغل و کسب و کار و حتی نظارت بر هنرها به تدریج به سیاست سپرده شده است.

فرار مغزها و مهاجرت نخبگان را هم در زمره یکی از مسائل سیاست علم قرار داده‌اند و ظاهراً حکومت‌ها باید برای آن چاره‌ای بیندیشند اما تجربه پنجاه سال اخیر حاکی از آن است که هیچ دولت و کشوری از عهده حل این مسئله بر نیامده است. اگر فرار مغزها یک مسئله سیاسی نباشد نباید توقع داشت سیاست از عهده حلش بر آید؟ مسئله سیاسی را باید بتوان با تصمیم سیاسی حل کرد اما امر عمومی که در مورد آن نمی‌توان تصمیم گرفت، سیاسی نیست بلکه شاید تاریخی باشد. فرار مغزها یک حادثه تاریخی است و سیاست حادثه تاریخی را چگونه تغییر دهد. حادثه تاریخی چنانکه گفتیم امر ملازم با زمان است. ما به دشواری می‌توانیم این معنی را درک کنیم که چرا فرار مغزها سیاسی نیست و چگونه با زمان ما (یعنی زمان توسعه‌نیافتگی) ملازم شده است؟ سیر توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته معمولاً هماهنگ و متناسب نیست و در جایی که شرایط فکری و روحی و مادی توسعه فراهم نباشد علم و تکنولوژی و فرهنگ و سیاست به نحو مناسب توسعه نمی‌یابد. جهان توسعه‌نیافته می‌تواند مدرسه و دانشگاه بسازد و جوانانش در داخل و خارج کشور دانش بیاموزند و دانشمند شوند اما به همان نسبت شاید نتواند تکنولوژی را توسعه دهد و نظم‌اداری کارآمد و توانا برقرار کند و حتی در علوم انسانی به مرتبه‌ای که در مهندسی و پزشکی می‌تواند احراز کند نمی‌رسد. در این صورت پیداست که به پژوهش هم کمتر نیاز دارد و اگر دانشمندانش به پژوهش بپردازند حاصل بیشتر پژوهش‌ها را ناگزیر باید به زبان بین‌المللی گزارش کنند. پذیرفتن این وضع به عنوان یک امر عادی و معمولاً مطلوب گواه و نشانه جهان‌وطن‌بودن علم است. علم جهانی است. هر چند که خود جهانی دارد و آن جهان یکی از وطن‌های دانشمندان است. در جهان توسعه‌نیافته وطن علم قوام ندارد. کشور

توسعه‌نیافته نمی‌داند به چه تعداد دانشمند نیاز دارد و به فرض اینکه بداند نمی‌تواند توسعه آموزش را در حد نیاز نگاه دارد. اکنون بیش از دو برابر دانشمندانی که در کشور به کار علم و پژوهش و طراحی و درمان و راهبری سازمان‌های علمی-تکنیکی اشتغال دارند در خارج از کشور به سر می‌برند و هر سال بر تعداد فارغ‌التحصیل‌های دوره‌های تکمیلی دانشگاه‌ها افزوده می‌شود که تعدادی از آنها به خارج می‌روند و بهترین‌هایشان بر طبق انتخاب اصلح که در مقصد مهاجرتشان صورت می‌گیرد می‌مانند. سیاست این درد را نمی‌تواند درمان کند و در این باب گرفتار تناقض‌ها و تعارض‌هاست. اینکه دانشمندان ما در مجلات و نشریات علمی آثار و پژوهش‌های خود را عرضه کنند یک فضیلت است اما الزام دانشمندان به نوشتن مقاله در مجلات خارجی را می‌توان تأیید ضمنی و البته نادانسته جواز مهاجرت دانشمندان دانست. زیرا وقتی نتایج کار علمی در کشور به کار نمی‌آید و باید به خارج فرستاده شود معنی‌اش این است که کشور به دانشمند و دانشش نیاز ندارد. اگر دانش را می‌توان صادر کرد چرا مهاجرت دانشمند را منع کنند. بخصوص که تشویق دانشمندان به ماندن در کشور از طریق تعارف و تشویق‌های لفظی و بی‌پشتوانه و سپس الزام آنان به نوشتن مقاله به زبان خارجی و ارسال به خارج گرچه در ظاهر نشانه اهتمام به علم و اهمیت‌دادن به آن است تدبیر نیست. اگر بگویند علم جهانی است و بخل و وسعت در آن روا نیست مطلب را درست در نیافتاده‌اند زیرا مقصود این نیست که روابط علمی با جهان قطع شود. این روابط هر چه بیشتر توسعه یابد غنیمت است اما اینکه از علم خود بهره نبریم و یکسره آن را به خارج بفروسیم هر چه باشد نامش رابطه علمی نیست. وقتی می‌گویند اگر اشتغال ایجاد شود و دانشمندان کار مناسب و درآمد کافی و آرامش خاطر و خیال داشته باشند از کشور نمی‌روند، مثل این است که بگویند اگر علم در اینجا مثل آنجا شود دانشمند از کشور نمی‌رود (و پیداست که اگر این شرایط فراهم باشد و باز هم دانشمند بخواهد از کشور برود، بهتر است که برود). اما این جمله کاملاً درست به حل مسئله کمک نمی‌کند زیرا تکرار معلوم است و مفید هیچ معنایی نیست و اگر معنایی داشته باشد این است که باید وضعی کم و بیش نظیر و شبیه وضع جهان مهاجرپذیر پدید آورد. به این ترتیب حل مسئله فرار مغزها به حل صدها مسئله دشوار دیگر موكول می‌شود و این نه حل مسئله بلکه فرار از اندیشیدن و تدبیر است. صرفنظر از آنچه گفته شد آیا ما اکنون برای همه دانشمندان داوطلب خدمت در کشور شغل مناسب و وسایل رفاه و شرایط آسودگی تن و جان و خاطر آماده داریم یا می‌توانیم در کوتاه‌مدت اینها را فراهم کنیم؟ پیداست که پاسخ منفی است فرض کنیم که فردا بیست هزار

دانشمند ایرانی از خارج بیایند و داوطلب خدمت در کشور شوند. کشور به آنها چه نیازی دارد و دانشگاهها و مراکز علمی-پژوهشی چه پاسخی به آنها می‌توانند بدهند. مسائل واقعی با اگرهای بی‌وجه و بیجا حل نمی‌شود. در علم و منطق اگرها ناظر به امکان‌ها هستند و نه موهوم صرف. تنها عیبش این است که حل مسئله مهاجرت دانشمندان در آن موکول به حل همه مسائل می‌شود. در شرایطی که میلیون‌ها جوان تحصیل کرده بیکارند ما چگونه بگوییم که اگر برای همه شغل و امنیت خاطر و تأمین آینده فرزندان ایجاد کنیم مهاجرت متوقف می‌شود. در عمل فرهنگی و اجتماعی هم مثل قلمرو علم اگرها باید ناظر به امکان‌ها باشند. یعنی وقتی حل مسئله مهاجرت نخبگان را به اشتغال و فراهم کردن آسایش خاطر آنان موکول می‌کنند باید شرایط امکان آنها کم و بیش فراهم باشد و اگر این شرایط فراهم نیست، اگر را باید دور انداخت و کاش می‌توانستیم از شر این همه اگر که هر روز در حل مسائل خرج می‌کنیم رها شویم.

۵- مسئله فرار مغزها و مهاجرت نخبگان مسئله‌ای تاریخی است و فرع و نتیجه عدم تعادل در شئون توسعه است. وقتی تعداد تحصیل کرده بیش از میزان نیاز است گروهی از آنان و البته بهترین‌هایشان به جایی که علم در آنجا آسان‌تر و راحت‌تر نفس می‌کشد می‌روند و بعضی از آنان ممکن است در زمره دانشمندان بزرگ جهان قرار گیرند. از این مهاجرت نه اخلاقاً و نه عملاً نمی‌توان جلوگیری کرد. اگر می‌گویند که این مهاجرت خسارتی بزرگ برای کشور است راست می‌گویند ولی با این سخن راست چه می‌توان کرد؟ اولین کاری که می‌توانیم بکنیم این است که به وضع جهان کنونی و در روابط و مناسباتی که اقتضایش محروم شدن جهان توسعه‌نیافته از بهترین داشته‌هایش به سود قدرت‌های جهانی است بیندیشیم. در جهان توسعه‌نیافته نه فقط منابع ثروت مادی به یغما می‌رود یا حیف و میل می‌شود بلکه قدرت غالب استعدادهای انسانی را نیز مصادره می‌کند. این اندیشیدن را با اتخاذ تدابیر بی‌ثمر اشتباه نباید کرد. گفتیم که مسئله مهاجرت نخبگان، مسئله سیاسی نیست. سیاستمداران بهترین تصمیمی که می‌توانند بگیرند این است که در طراحی برنامه‌های توسعه هماهنگ، برای هماهنگ‌سازی شئون توسعه بکوشند. کشور هر چه در راه توسعه پیش رود نیازش به دانشمند بیشتر می‌شود و تحصیلات دانشگاهی نیز صورتی کم و بیش متعادل پیدا می‌کند. ولی این تحول در کوتاه‌مدت صورت نمی‌گیرد و به این جهت به حل معضل مهاجرت نخبگان نمی‌انجامد. پژوهش‌های صورت گرفته هم کمتر راه‌گشاست. بخصوص که این پژوهش‌ها بیشتر آماری است و در آنها با تکیه بر آمار، علل و عوامل مهاجرت معین می‌شود و

مسئله فرار مغزها و مهاجرت نخبگان مسئله‌ای تاریخی است و فرع و نتیجه عدم تعادل در شئون توسعه است. وقتی تعداد تحصیل کرده بیش از میزان نیاز است گروهی از آنان و البته بهترین‌هایشان به جایی که علم در آنجا آسان‌تر و راحت‌تر نفس می‌کشد می‌روند و بعضی از آنان ممکن است در زمره دانشمندان بزرگ جهان قرار گیرند. از این مهاجرت نه اخلاقاً و نه عملاً نمی‌توان جلوگیری کرد. اگر می‌گویند که این مهاجرت خسارتی بزرگ برای کشور است راست می‌گویند ولی با این سخن راست چه می‌توان کرد؟ اولین کاری که می‌توانیم بکنیم این است که به وضع جهان کنونی و در روابط و مناسباتی که اقتضایش محروم شدن جهان توسعه‌نیافته از بهترین داشته‌هایش به سود قدرت‌های جهانی است بیندیشیم.

طبیعی است که پژوهشگر رفیع آن علل و عوامل را پیشنهاد کند. درست می‌گویند که علل و عواملی که برای فرار مغزها ذکر کرده‌اند و در بیشتر گزارش‌ها نیز تکرار شده است کم و بیش در کارند. چنانکه می‌گویند بسیار کسان در سودای سود و جستجوی رفاه و آسایش و امنیت، ترک وطن می‌کنند اما اولاً اگر مردمی در طلب معاش قراختر مهاجرت می‌کنند معلوم نیست که مهاجرت دانشمند حقیقی هم برای رسیدن به معاش بهتر باشد. ثانیاً مگر نمی‌گوییم که آدمی را نباید صرفاً موجودی مادی و بسته نیازهای طبیعی دانست و همه کار مردمان را به سودای معاش بازگرداند. ثالثاً وقتی درباره دانشمند حکم می‌کنیم تعلق به دانش و طلب حقیقت را از یاد نبریم. آدمی به نان نیاز دارد اما وجودش در این نیاز خلاصه نمی‌شود. او می‌تواند از نان و حتی از جان هم بگذرد. مهاجرت دانشمندان در اصل به اختلاف سطح علم و توسعه علمی-تکنیکی و فراهم بودن یا نبودن شرایط پژوهش بازمی‌گردد. پیداست که دانشمند هم به عنوان یک انسان در طلب رفاه و آسایش است اما برای رفاه و آسایش از وطنش مهاجرت نمی‌کند. در مورد نویسندگان و روزنامه‌نویسان و روشنفکران هم که گفته‌اند اگر بروند کمتر برمی‌گردند جهات سیاسی در کار است و سیاست در بازنگشتن مهاجران اثر دارد.

دانشمند اگر دانشمند باشد آرامش و رفاهش را در کار علم و پژوهش می‌جوید و به عبارت دیگر دانشمند فارغ از علم و پژوهش به آسایش و رفاه نمی‌اندیشد. او اگر در جایی باشد که هوا برای پژوهش مناسب و مساعد نیست دو راه بیشتر ندارد یا بماند و در همان مرتبه دانش که هست متوقف شود یا به جایی برود که علم در آنجا بهتر شکفته می‌شود. زیرا علم و توسعه اجتماعی - اقتصادی نه فقط هم‌عنانند بلکه همبستگی و ملازمت دارند. دانشمند به هر کشور و ملتی تعلق داشته باشد دانشش با توسعه گره خورده است. می‌گویند این قبیل مطالب بوی اعتقاد به ضرورت تاریخی (دترمینیسم) و اضطراب اجتماعی می‌دهد و با اختیار منافات دارد. اختیار را با توهم همه‌توانی اشتباه نباید کرد. تاریخ ضرورت‌ها، اضطراب‌ها و امکان‌ها دارد و اختیار موقوف به درک ضرورت‌ها و اضطراب‌ها و کوشش برای یافتن امکان‌هاست. ضرورت‌ها و اضطراب‌ها چه بخواهیم و چه نخواهیم وجود دارد و با انکار آنها مشکل‌ها حل نمی‌شود. ضرورت و اضطراب را باید تصدیق کرد تا راهی به اختیار یافت. این اضطراب‌ها و ضرورت‌ها لازمه امور تاریخی‌اند و تعلق بی‌واسطه به سیاست ندارند. ولی از آنجا که سیاست جدید، مدیریت علم و فرهنگ و آموزش و بهداشت را به قلمرو قدرت خود افزوده و مهاجرت نخبگان در ظاهر مسئله‌ای از مسائل مدیریت علم است سیاست هم نمی‌تواند به آن بی‌اعتنا باشد. ولی چنانکه اشاره شد مهاجرت نخبگان در زمره مسائل سیاست و مدیریت علم نیست بلکه از آثار و عوارض ناهماهنگی و عدم تناسب در سیر توسعه است و باید به تدریج و در طی منازل توسعه چاره و تدبیر شود. اگر از آنچه گفته شد نتیجه بگیرند که پس به رفتن مستعدان از کشور تن باید داد مراد نویسنده را دریافته‌اند. زیرا آنچه گفته شد دعوت به تأمل بیشتر و اندیشیدن به این پرسش است که چاره‌ها و درمان‌ها تاکنون چه اثر داشته است. اگر مؤثر بوده و امید می‌رود که باز هم مؤثر باشد قدرشان را باید دانست و بر صاحبانش درود فرستاد اما تدبیری را که اثر ندارد یا اثرش پوشاندن و پنهان‌ساختن غفلت‌هاست رها باید کرد تا مجال و فرصتی برای اندیشیدن به درد و مسئله پیدا شود.

خلاصه کنیم: فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان یک امر تاریخی - فرهنگی است و به عدم توازن و همسطح نبودن فرهنگ تجدد در کشورهای جهان بازمی‌گردد. بنا بر تمایزی که بعضی از صاحب‌نظران آلمانی قرن نوزدهم میان فرهنگ و تمدن قائل شده‌اند می‌توان گفت که آموزش علم و دانشمند شدن امری تمدنی است اما وجود نظام علم و پژوهش و امکان بهره‌برداری از آن در اداره امور و سامان‌بخشی به نظام زندگی و مناسبات میان مردمان، از سنخ و جنس فرهنگ است. پیداست که

انتقال رسوم و آداب سطحی از یک منطقه به منطقه دیگر کمتر از انتقال امر فرهنگی دشواری دارد. آموختن علم رسمی و تحصیلی برای کسانی که هوش و استعداد آموختن دارند به هر قوم و ملت و فرهنگی که تعلق داشته باشند کاری اگر نه آسان، شدنی است و این آموزش در مدت نسبتاً کوتاهی می‌تواند صورت گیرد. در صورتی که فراهم آوردن شرایط بنای جهان علم و دخالت‌دادن پژوهش در اداره سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی و آموزشی و مالی - اقتصادی اگر بسیار دشوار نباشد در مدت اندک میسر نمی‌شود. یکی از موارد ناهمزمانی، ناهمزمان بودن علم به عنوان امر تمدنی (علم آموختنی) با جهان علم و علم به عنوان فرهنگ است. در امر اول سیاست می‌تواند تصمیم بگیرد چنانکه دولت‌ها می‌توانند آموزش عالی را توسعه دهند و بودجه کافی برای پژوهش در نظر گیرند یا به علم و پژوهش بی‌اعتنا بمانند و البته این توجه و اعتنا در پیشرفت علم مؤثر است اما ایجاد فرهنگ علم و پژوهش کار سیاست نیست (هرچند که سیاست نمی‌تواند به آن اهتمام نکند). زیرا فرهنگ به معنی خاص، با برنامه به وجود نمی‌آید. اگر در سال‌های اخیر تعبیر فرهنگ‌سازی متداول شده است مراد از فرهنگ در این لفظ رسوم و آداب سطحی آموختنی است اما مراتبی از فرهنگ هست که ساختنی نیست و در محاسبه برنامه‌ریزان نمی‌گنجد.

این سخن صرفنظر از اینکه با تلقی رایج از سیاست و قدرت آن، سازگاری ندارد قدری بوی یأس و بدبینی می‌دهد زیرا بر وفق آن تدبیرهای صرفاً سیاسی سود نمی‌دهد و اثر ندارد ولی مگر می‌شود که سیاست به پدیدآمدن فضا و هوای علم و بهره‌برداری از پژوهش‌های علمی بی‌اعتنا باشد و با خیال راحت بگذارد مستعدترین فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه‌های کشور از وطن خود بروند و در جای دیگر وطن بگزینند. قضیه این است که آدمیان در زمان کنونی و در دوران تجدد ممکن است دو و حتی چند وطن داشته باشند. زیرا صرفنظر از وطن به معنی مولد و موطن و زبان مادری، علم و تکنولوژی نیز که ستون این جهان است کانون یا کانون‌هایی دارد که می‌تواند محل تعلق خاطر و وطن اهل دانش و تکنیک باشد. دانشمندان علاوه بر وطنی که در آنجا زاده شده و پرورش یافته‌اند، وطن دیگرشان هم فضا و جهان دانش و پژوهش است. وطن اول و دوم می‌تواند یکی باشد یا بشود و به هر حال اختلافی میان این دو وطن نیست و به نظر نمی‌رسد هیچ دانشمندی باشد که وقتی وطن اولش به دانش او نیاز علمی معین دارد به این نیاز واقعی نگذارد و از خدمت کشور سرباز زند. این مطلب توجه فرار مغزها نیست و منافاتی با اهتمام حکومت و دولت و سازمان‌های کشوری به بهتر کردن وضع دانش و پژوهش و رعایت حرمت و مقام

دانشمند و وارد کردن علم در اداره امور ندارد. یکی از مواردی که دانشمندان و سیاستمداران باید برای طرح درست مسئله و حل آن همکاری کنند همین امر مهاجرت دانشمندان است. آنچه گفته شد معنی‌اش این نیست که حکومت و دولت نباید در مورد مهاجرت نخبگان اقدامی بکند بلکه برعکس این مسئله مهم هرگز نباید از نظر دور بماند زیرا بسیاری دیگر از مسائل مهم کشور هم به آن بستگی دارد اما نه دولت نه دانشمندان و دانشگاهیان نباید گمان کنند که مشکل مهاجرت نخبگان با نصیحت و تعارف حل می‌شود. قرار مغزها را از وجهه نظر سیاسی نباید دید. یکی از نکات مبهم این نوشته که شاید بسیاری از اهل فضل هم کمتر به آن توجه کرده باشند تمییز و تشخیص امر تاریخی از امر سیاسی است. امر سیاسی در حیطه قدرت سیاست و تصمیم‌گیری سیاستمدار است اما امر تاریخی گرچه می‌تواند و گاهی باید از جهاتی مورد اهتمام دولت و حکومت باشد در حیطه اقتدار سیاسی نیست. سیاستمدار در مورد آنچه اکنون و در آینده نزدیک می‌تواند متحقق شود تصمیم می‌گیرد اما امر تاریخی به گذشته‌ای وابسته است که باید امکان‌های گذشت از آن فراهم شود تا بتواند به موضوع تصمیم و تدبیری مبدل شود. متأسفانه حکومت‌های جهان توسعه‌یافته چندان با مشکل تاریخی سر و کار ندارند یا تا این اواخر کمتر با آن مواجه بوده‌اند. حتی شاید کشورهای در حال توسعه که مشکل متعلق به آنهاست این تمییز و تشخیص را دوست نداشته باشند و به آن اعتنا نکنند. ولی همه باید به این امر بیندیشند که هر جامعه و نظامی تناسبی دارد و شئون آن به هم بسته‌اند و از یکدیگر محافظت می‌کنند. بنابراین علم و تکنولوژی و معاش و مدیریت و تولید و مصرف هر یک در هر نظامی جایی و اندازم‌ای دارند و اگر در جای خود قرار گیرند و در اندازه خود باشند مایه قوام نظم و اعتدالند و اگر همزمان و همراه و هماهنگ نباشند بر هیچ‌یک اثری که باید مترتب نمی‌شود. اکنون نه فقط جهان توسعه‌یافته با جهان توسعه‌نیافته همزمان نیست بلکه در این جهان هم اجزاء و شئون ناهمزمانند. این ناهمزمانی را معمولاً عقباتدگی تعبیر می‌کنند. این تعبیر گرچه به یک اعتبار درست است اما نباید پنداشت که مثلاً کشورهای در حال توسعه در زمان‌های قبل از قرن بیست و یکم میلادی به سر می‌بردند. زمان توسعه متعلق به جهان توسعه‌یافته است و کشورهای دیگر معمولاً حتی اگر در پی توسعه باشند نمی‌توان گفت که مثلاً پنجاه یا صدسال عقب‌افتادند و به قرن بیستم یا نوزدهم تعلق دارند. اکنون هیچ کشوری در جهان وجود ندارد که تاریخش تاریخ قرن نوزدهم و بیستم اروپا باشد. آن دو قرن، قرون گذشته تاریخ تجدیدند و اکنون و آینده حقیقی هیچ کشوری

می‌گویند این قبیل مطالب بوی اعتقاد به ضرورت تاریخی (دترمینیسم) و اضطراب اجتماعی می‌دهد و با اختیار منافات دارد. اختیار را با توهم همه‌توانی اشتباه نباید کرد. تاریخ ضرورت‌ها، اضطراب‌ها و امکان‌ها دارد و اختیار موقوف به درک ضرورت‌ها و اضطراب‌ها و کوشش برای یافتن امکان‌هاست. ضرورت‌ها و اضطراب‌ها چه بخواهیم و چه نخواهیم وجود دارد و با انکار آنها مشکل‌ها حل نمی‌شود. ضرورت و اضطراب را باید تصدیق کرد تا راهی به اختیار یافت. این اضطراب‌ها و ضرورت‌ها لازمه امور تاریخی‌اند و تعلق بی‌واسطه به سیاست ندارند.

نیستند. در عصر ما کشورها به اعتبار کوششی که در راه توسعه علمی-تکنیکی می‌کنند زمانشان، زمان اکنون است. منتهی توسعه‌یافته‌ها اکنون‌شان هنوز تاریخی است و دیگران غالباً در اکنون تهی و تکراری و تقلیدی به سر می‌برند. قرن بیست و یکم که قرن علیلی است به دنیای توسعه‌یافته تعلق دارد. دیگران هم در عین بی‌زمانی در پی این قرن علیل تکاپویی می‌کنند. ناهمزمانی تاریخی را با زمان تقویم نمی‌توان اندازه گرفت. زیرا همزمانی در هماهنگی و همبستگی و ناهمزمانی در گسیختگی و پریشانی ظاهر می‌شود. در کشور ما با وجود پیشرفت‌های علمی و فنی دهه‌های اخیر میان توسعه علوم و بخصوص توسعه آموزش با اقتصاد و مدیریت و تکنولوژی ناهمزمانی آشکار پدید آمده است. در این ناهمزمانی مثلاً توسعه آموزش و تربیت دانشمند بر پژوهش و بهره‌گیری از فوائد پژوهش سبقت دارد و این توسعه و تربیت به حکم نیازمندی نیست و نمی‌توان به درستی تعداد دانشمندان مورد نیاز و تخصص‌های لازم را نیز معلوم و معین کرد. کشور هم نمی‌تواند در برنامه توسعه آموزش علوم و پرورش دانشمند و پژوهشگر را با نیازهای هماهنگ سازد. در این ناهمزمانی برنامه‌های آموزشی دستخوش تصنع می‌شود و احراز عناوین علمی و اخذ مدرک تحصیلی اهمیت بیجا و بیش از حد پیدا می‌کند تا جایی که ممکن است این عناوین و مدارک به کالای قابل خرید و فروش مبدل شود و برخی از فارغ‌التحصیل‌های فاضل و مستعد برای کسب یک لقمه نان در زمره عاملان غافل رونق و رواج این بازار فاسد قرار گیرند.



جلسات شورای علمی

■ در چهارصد و بیست و ششمین جلسه شورای علمی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۴/۸، ابتدا آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان حلول ماه مبارک رمضان را به اعضا تبریک گفت. در ادامه با تشکیل کارگروهی جهت بررسی سوابق علمی و انتخاب نامزد منتخب فرهنگستان علوم از میان استادان پیشنهادشده از سوی گروه‌های علوم پایه و علوم مهندسی جهت معرفی به عنوان دانشمند برجسته ایرانی برگزیده فرهنگستان علوم ایران برای عضویت در فرهنگستان و اتیکان موافقت به عمل آمد و آقایان دکتر محمد شاهی، دکتر مهدی بهزاد و دکتر جواد صالحی به عنوان اعضای کارگروه، انتخاب شدند (در نهایت آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم به عنوان نامزد مورد نظر فرهنگستان علوم معرفی شد). نامه دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام به رئیس فرهنگستان علوم مبنی بر پیشنهاد ایجاد گروه توسعه روستایی و عشایری در فرهنگستان علوم از دیگر موضوعات جلسه بود که پس از تبادل نظر، با تشکیل کارگروهی وابسته به شاخه «اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی» گروه علوم کشاورزی و با حضور صاحب‌نظران دیگر گروه‌ها و شاخه‌های فرهنگستان از جمله شاخه اقتصاد و شاخه جامعه‌شناسی، با همکاری مجمع تشخیص مصلحت نظام، موافقت به عمل آمد. در ادامه جلسه با رأی‌گیری علنی استادان پیشنهادشده از سوی گروه علوم مهندسی، آقایان دکتر رضا صفابخش، دکتر کامبیز بدیع و دکتر علی موقر، برای یک دوره دوساله به عنوان همکاران مدعو جدید گروه، شاخه مهندسی برق و کامپیوتر، انتخاب شدند. تأیید عضویت وابسته استاد پیشنهادشده از سوی گروه علوم پایه با رأی‌گیری کتبی و ارسال موضوع به مجمع عمومی فرهنگستان برای تصویب، آخرین تصمیم جلسه شورای علمی چهارصد و بیست و ششم بود.

■ در جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۳/۶/۲، با رأی‌گیری علنی آقایان دکتر سیدمهدی قمصری، دکتر افشین آخوندزاده بستی، دکتر

غلامرضا نیکبخت بروجنی و دکتر صمد لطفاله‌زاده به عنوان همکاران مدعو جدید گروه علوم دامپزشکی برای یک دوره دوساله انتخاب شدند. در این جلسه با همکاری فرهنگستان علوم در همایش بین‌المللی «آینده فرهنگ» موافقت به عمل آمد. همچنین گزارش عضویت جمهوری اسلامی ایران در شورای علوم آسیا مطرح و مقرر شد تصمیم‌گیری درخصوص عضویت در این شورا منوط به بررسی اساسنامه و اهداف و فعالیت‌های آن باشد. نامه آکادمی علوم آمریکا با موضوع دعوت از دانشمندان ایرانی جهت شرکت در کارگاه تغییرات اقلیمی آخرین موضوع مطرح‌شده در جلسه بود که مقرر شد کارگروهی متشکل از نمایندگان گروه‌های علمی زیر نظر دبیر فرهنگستان برای معرفی دانشمندان تشکیل شود.

■ در چهارصد و بیست و هشتمین جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶، علاوه بر تدوین و تصویب دستور جلسه یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان، با پیشنهاد همکاری آقایان دکتر یدالله دادگر، دکتر ابوالقاسم مهدوی مزده و دکتر حسین راغفر به عنوان همکاران مدعو شاخه اقتصاد گروه علوم انسانی، با پیشنهاد همکاری آقایان دکتر حسن دانایی‌فر، دکتر ابوالحسن فقیهی و خاتم دکتر شمس‌السادات زاهدی به عنوان همکاران مدعو شاخه مدیریت گروه علوم انسانی و با پیشنهاد همکاری آقای دکتر پرویز وجگانی به عنوان همکار مدعو گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان، با رأی‌گیری علنی، برای یک دوره دوساله، موافقت به عمل آمد. همچنین با تمدید همکاری آقایان دکتر مهرداد قیومی بیدهندی، دکتر عیسی حجت، دکتر علی غفاری و دکتر حمید ندیمی به عنوان همکاران مدعو شاخه معماری و هنر گروه علوم مهندسی برای یک دوره دوساله دیگر موافقت شد. در پایان جلسه آقای دکتر محمدقلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی گزارشی از جلسه اخیر شورای همگانی گروه و مباحث مطرح‌شده پیرامون روغن پالم و نتایج به‌دست‌آمده ارائه کرد.

یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

توضیحات آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی و با رأی گیری کتبی، با تمدید عضویت وابسته آقایان دکتر عباس افشار، دکتر علی اکبر رمضانیان پور و دکتر سیامک مرادیان برای یک دوره چهارساله دیگر موافقت به عمل آمد.

در بخش دوم جلسه مجمع عمومی، پیرامون موضوع «مهاجرت نخبگان و فرار مغزها» بحث و تبادل نظر شد. در این بخش ابتدا آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم به وجهه نظرهای مختلف در امر فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان اشاره کرد و این مسئله را مشکلی تاریخی قلمداد نمود. در ادامه تعدادی از اعضای حاضر در جلسه آقایان دکتر مهدی گلشنی، دکتر سعید سهراب پور، دکتر یوسف ثبوتی، دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر بهمن یزدی صمدی، دکتر پرویز دوامی، دکتر محمدرضا اسلامی، دکتر لطف الله یارمحمدی، دکتر محمد شاهدی و دکتر حسن ظهور به بیان نظر و دیدگاه خود پیرامون موضوع فرار مغزها پرداختند.



روز پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۳، یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان با حضور اعضای پیوسته به ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم برگزار شد.

در بخش اول جلسه، پس از توضیحات آقای دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه و آقایان دکتر مهدی رجبعلی پور و دکتر مهدی بهزاد اعضای پیوسته شاخه ریاضی گروه علوم پایه، پیشنهاد عضویت وابسته آقای دکتر امیدعلی کرمرزاده استاد ریاضی دانشگاه شهیدچمران اهواز برای یک دوره چهارساله، با رأی گیری کتبی، به تصویب رسید. تمدید عضویت وابسته سه تن از استادان پیشنهادشده از سوی گروه علوم مهندسی، از دیگر موضوعات مطرح شده در این بخش بود که پس از

انتصابات جدید

مهندسی شیمی و پلیمر دانشگاه صنعتی امیرکبیر برای یک دوره چهارساله دیگر به عضویت وابسته فرهنگستان علوم منصوب شدند.

■ بر اساس موافقت چهارصد و بیست و ششمین جلسه شورای علمی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۴/۸، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان علوم آقایان دکتر رضا صفابخش استاد مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دکتر کامبیز بدیع استاد مهندسی برق مرکز تحقیقات مخابرات ایران و دکتر علی موفر رحیم آبادی استاد مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف برای یک دوره دوساله به عنوان همکاران مدعو گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منصوب شدند.

■ بر اساس موافقت چهارصد و بیست و هفتمین جلسه شورای علمی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۶/۲، طی احکام جداگانه از سوی رئیس

■ بر اساس موافقت یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۰، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان علوم آقای دکتر امیدعلی کرمرزاده استاد ریاضیات دانشگاه شهیدچمران اهواز برای یک دوره چهارساله به عضویت وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منصوب شد.

■ بر اساس موافقت یکصد و هشتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۰، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان علوم آقایان دکتر عباس افشار استاد مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت ایران، دکتر علی اکبر رمضانیان پور استاد مهندسی عمران دانشگاه صنعتی امیرکبیر و دکتر سیامک مرادیان استاد

فرهنگستان علوم آقایان دکتر سیدمهدی قمصری، دکتر افشین آخوندزاده پستی، دکتر غلامرضا نیکبخت بروجنی و دکتر صمد لطفالهزاده اعضای هیأت علمی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران برای یک دوره دوساله به عنوان همکاران مدعو گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم منصوب شدند.

■ بر اساس موافقت چهارصد و بیست و هشتمین جلسه شورای علمی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان علوم آقای دکتر پرویز وجگانی استاد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران برای یک دوره دوساله به عنوان همکار مدعو گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم منصوب شد.

■ بر اساس موافقت چهارصد و بیست و هشتمین جلسه شورای علمی

فرهنگستان مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۶، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان علوم آقایان دکتر یدالله دادگر، دکتر ابوالقاسم مهدوی مزده و دکتر حسین راغفر برای یک دوره دوساله به عنوان همکاران مدعو شاخه اقتصاد گروه علوم انسانی، و آقایان دکتر حسن دانایی‌فر، دکتر ابوالحسن فقیهی و خانم دکتر شمس‌السادات زاهدی به عنوان همکاران مدعو شاخه مدیریت گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم منصوب شدند.

■ با عنایت به نظر مشورتی شورای گروه علوم پایه، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان آقای دکتر علی درویش‌زاده عضو پیوسته گروه مزبور برای یک دوره دوساله دیگر به سمت رئیس شاخه زمین‌شناسی فرهنگستان علوم منصوب شد.

به سوی برادری واقعی بین مسیحیان و مسلمانان

بیانیه شورای پاپی برای دیالوگ بین ادیان به مناسبت پایان ماه مبارک رمضان و عید فطر ۱۴۳۵

بیانیه شورای پاپی برای دیالوگ بین ادیان به مناسبت پایان ماه رمضان و عید فطر ۱۴۳۵ هجری قمری - ۲۰۱۴ میلادی: برادران و خواهران گرامی،

با قلبی آکنده از شادی، صادقانه‌ترین تبریکات خود را به مناسبت عید فطر که با آن ماه رمضان، ماه اختصاص داده شده به روزه، دعا و کمک به مستمندان پایان می‌پذیرد، به حضورتان تقدیم می‌کنیم.

سال گذشته، در اولین سال از شروع خدمتش، پاپ فرانسوا با دستان خود نامه سنتی (ماه رمضان) را امضاء کرد. در فرصتی دیگر، وی شما را به عنوان «برادر و خواهرانمان» خطاب نمود (دعای آنجلوس به تاریخ یازدهم آگوست ۲۰۱۳). ما به خوبی معنای چنین واژه‌هایی را می‌دانیم. در واقع، مسیحیان و مسلمانان برادر و خواهر یکدیگر در خانواده بشریت هستند، خانواده‌ای که توسط خدای یکتا آفریده شده است.

به یاد سخنان پاپ ژان پل دوم خطاب به رؤسای دینی - مسلمان در سال ۱۹۸۲ میلادی باشیم: «همه ما، مسیحی و مسلمان، زیر خورشید یک خدای رحیم زندگی می‌کنیم. همه ما به یک خدا ایمان داریم،

به مناسبت پایان ماه مبارک رمضان و فرا رسیدن عید سعید فطر آقای لئو بوکاردی سفیر واتیکان در تهران طی نامه‌ای به آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم، پیام تبریک کرسی رسولی (واتیکان) خطاب به جمیع مسلمین جهان را برای ایشان ارسال نمود. متن نامه سفیر واتیکان در تهران و پیام شورای پاپی واتیکان بدین شرح است:

«حضور محترم جناب آقای سیدمصطفی محقق داماد

ریاست محترم بخش دروس اسلامی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

احتراماً برای اینجانب مایه افتخار است که بدینوسیله پیام تبریک کرسی رسولی (واتیکان) خطاب به جمیع مسلمین جهان به مناسبت پایان ماه مبارک رمضان و فرا رسیدن عید سعید فطر را حضور جنابعالی ارسال نمایم. با اغتنام فرصت، به توبه خود بهترین آرزوها را حضور آن جناب ابراز داشته، توفیق و کامیابی روز افزون شما را از خداوند متعال خواستارم.

لئو بوکاردی سفیر واتیکان در تهران».

آفریننده انسان. ما سروری خدا را اعلام می‌کنیم و از کرامت هر شخص به عنوان خادم خدا دفاع می‌کنیم. ما خدا را ستایش کرده و نسبت به او اطاعت کامل خود را اقرار می‌کنیم. بنابراین، می‌توانیم در معنای واقعی کلمه یکدیگر را برادر و خواهر در ایمان به یک خدا بنامیم.» (کادونا، نیجریا، ۱۴ فوریه ۱۹۸۲)

خدای بلندمرتبه را سپاسگزاریم از جهت اشتراکاتمان با آگاهی داشتن از تفاوت‌هایمان. ما اهمیت ترفیع دیالوگی پرثمر و مبتنی بر احترام دو جانبه و دوستی را می‌دانیم. با الهام گرفتن از ارزش‌های مشترک و تقویت‌شده توسط حس برادری راستین، فراخوانده شده‌ایم تا با یکدیگر جهت عدالت، صلح، احترام به حقوق و کرامت انسانی کار کنیم. ما خود را به طور ویژه‌ای مسئول در برابر آنانی که به کمک نیاز دارند، می‌دانیم: فقرا، بیماران، ایتام، مهاجرین، قربانیان قاچاق انسان و آنانی که به خاطر وابستگی خود به دیگران، از هر نوع که باشد، رنج می‌کشند.

ما می‌دانیم که دنیای معاصر باید با چالش‌های مهمی که تعاون انسان‌های خیرخواه را می‌طلبد، روبرو شود. چالش‌ها خصوصاً در رابطه با محیط‌زیست، بحران اقتصاد جهانی و بالا گرفتن بیکاری، به ویژه نزد جوانان هستند. چنین اوضاع و احوالی حس شکنندگی و ناامیدی به

آینده را به وجود می‌آورند. همچنین، مشکلات خانواده‌های بی‌شماری را که از طلاق رنج می‌برند را فراموش نکنیم، آنانی که مجبورند از نزدیکان و اغلب فرزندان خود بگذرند.

پس بیایید تا با یکدیگر پل‌هایی را جهت صلح و آشتی بنا کنیم به ویژه در مناطقی که مسیحیان و مسلمانان از خوف جنگ رنج می‌برند.

باشد که دوستیمان بتواند همواره عامل همکاری جهت مبارزه با این چالش‌های بی‌شمار گردد. این چنین خواهیم توانست تا تنش‌ها را تقلیل داده و خوی عام‌المنفعه را گسترش دهیم. همچنین ثابت خواهیم کرد که ادیان می‌توانند منشاء سازگاری برای خوبی کل اجتماع باشند.

دعا کنیم تا آشتی، عدالت، صلح و توسعه همواره در بین اولویت‌های ما در جهت خوشبختی و خوبی کل خانواده بشری باشد.

با پاپ فرانسوا، بهترین آرزوهای قلبی خود را برای عیدی شاد و زندگی پرثمر در صلح را برایتان آرزو مندیم.

وا تیکان، ۲۴ ژوئن ۲۰۱۴

کاردینال ژان لوئی توران (رئیس)

کشیش میگل آنخل آیوسو گوئیکسوت (منشی).



نهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور

می‌کند که با رجوع به رتبه‌بندی کشورها مشاهده می‌شود که رتبه ریاضی ایران با توجه به این آزمون در مرتبه پایینی قرار دارد. مقرر شد گزارشی تحلیلی از آزمون تیمز در رشته ریاضی و در سال‌های قبل در مورد ایران تهیه و به کمیسیون ارائه شود.

ب- اجرای طرح «ارتقای دانش حرفه‌ای معلمان ریاضی» (مجری طرح: خانم دکتر غلام‌آزاد و خانم دکتر گویا). صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور با حمایت مالی از طرح موافقت کرده و آقای دکتر حمید پزشکی به عنوان ناظر طرح انتخاب شده است.

ج- پیگیری جهت فعال‌شدن کارگروه «بررسی وضع موجود علم

روز چهارشنبه ۱۳۹۳/۴/۱۸ نهمین جلسه کمیسیون پیشبرد ریاضیات کشور به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف و با حضور آقایان دکتر مهدی بهزاد، دکتر حمید پزشک، دکتر مگردیج تومانیان، دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی، دکتر سعید سهراب‌پور، دکتر محسن محمدزاده و مهندس سیدعلی پزشکی برگزار شد. در این جلسه ۴ موضوع جهت بررسی و پیگیری در سال ۱۳۹۳ به کمیسیون اعلام و درخصوص هرکدام از موضوعات به شرح ذیل تصمیماتی اتخاذ شد: الف- مطالعه و بررسی وضع سازمانی تحت عنوان تیمز و نتایج آن. این سازمان جهانی طی آزمون‌های مختلف، رتبه ریاضی کشورها را تعیین

ریاضی کشور». با معرفی نماینده شاخه ریاضی فرهنگستان در کارگروه مزبور قرار شد جلسات کارگروه تشکیل شود و در جلسه آتی کمیسیون گزارشی از روند پیشرفت طرح ارائه گردد.

د- پیگیری و برنامه‌ریزی جهت برگزاری سمینار «علوم ریاضی و چالش‌ها» در سال ۱۳۹۴. دانشگاه تربیت مدرس با میزبانی این سمینار موافقت کرده است. بر این اساس قرار شد آقای دکتر رجالی با همکاری آقایان دکتر محمدزاده و دکتر دهقان نسبت به برنامه‌ریزی سمینار و تشکیل جلسات کمیته راهبردی در سال جاری اقدام نمایند. همچنین در این جلسه درباره وضع نامناسب ارائه دروس پایه سرویسی در دانشگاه‌های کشور تبادل نظر و مقرر شد به منظور ترویج دروس ریاضی، فیزیک و آمار و ایجاد علاقه و انگیزه در دانشجویان، با

مسئولان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مذاکره شود و ضمن بیان دغدغه کمیسیون، درخواست گردد که وزارت علوم برای به کارگیری استادان برجسته دانشگاه و تشویق استادان برای ارائه دروس پایه، تدابیری اندیشیده و به دانشگاه‌ها اعلام نماید.

ابراز نگرانی از افت کیفیت آموزش و پژوهش در آموزش عالی کشور در سال‌های اخیر، بخصوص در دوره‌های تحصیلات تکمیلی برخی از دانشگاه‌هایی که هنوز حتی یک استاد تمام‌وقت ندارند، از دیگر مباحث مطرح‌شده در جلسه بود که قرار شد کارگروه تخصصی کمیسیون جهت برگزاری یک جلسه هم‌اندیشی با حضور صاحب‌نظران کشور در فرهنگستان علوم برنامه‌ریزی کند و پیشنهادش را به کمیسیون ارائه نماید.

سخن دکتر یوسف ثبوتی در مراسم افطاری رئیس جمهوری



روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۹۳ برابر با ۲۱ رمضان ۱۴۳۵، جمعی از استادان و دانشمندان کشور، در ضیافت افطار میهمان رئیس محترم جمهوری بودند. آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته و رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد فیزیک یکی از سخنرانان این مراسم بود که مشروح سخنان ایشان در ادامه جهت اطلاع آمده است:

«جناب آقای رئیس‌جمهور، سلام علیکم.

نخست ایام مبارک رمضان را تهنیت عرض می‌کنم و روزهای تعزیتی را که سپری می‌کنیم تسلیت می‌گویم. پانزده دقیقه پیش اطلاع پیدا کردم که قرار است چند دقیقه‌ای مزاحم اوقات جنابعالی و بزرگان حاضر در این جمع باشم. اگر از پیش خبر داشتم مطلبی بهتر از آنچه در این چند دقیقه روی کاغذ آورده‌ام به خدمتتان تقدیم می‌کردم. پراکنده‌گویی‌هایم را خواهید بخشید.

پریروز کتابی به دستم رسید تحت عنوان: «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند»، تألیف دارون عجم اوغلو جیمز رابینسون، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور. اولین مطلبی که در این کتاب توجهم را جلب کرد یک تصویر ماهواره‌ای از شب شبه‌جزیره کره، شامل دو کشور کره جنوبی و کره شمالی بود. سراسر کره جنوبی در نور شبانه شهرهایش می‌درخشید و کره شمالی در تاریکی محض ناپیدا بود؛ آینه تمام‌نمایی از توسعه‌یافتگی و نیافتگی از دو حکومت متفاوت، یکی جمعی و دیگری فردی. از تلاش کشورهای جماهیر شوروی بعد از ۷۰ سال حکومت به شدت متمرکز، که از مردمش اطاعت محض و حرف‌شنوی تمام و کمال می‌خواست، سخنی نمی‌گویم.

به خودمان بیردازم. به یاد داریم بسیاری از نهادهای حکومتی و مدنی امروزمان از جمله قانون را در یکصد سال پیش از دیگران گرفته‌ایم. به

نظرم در برداشتمان از قانون نقش تنظیم‌کنندگی و راهنمایی‌بودن آن را بی‌اهمیت شمرده‌ایم و وجه نظارتی، حراستی، حسابرسی، حسابرسی، مجرم‌جویی و تنبیهی آن را وجه غالب قرار داده‌ایم. افرادی که مدام پاییده می‌شوند و همیشه ناظری بالای سر دارند، سلحشور و مبتکر و مبتدع و خلاق یار نمی‌آیند. زبون و نازا و ترسو می‌مانند.

بنده احصا کرده‌ام و این سخن را در حضور مقام معظم رهبری و سلف جنابعالی گفته‌ام و در رسانه‌های جمعی نوشتاری نوشته‌ام که در این کشور عزیزمان دوسوم نهادهای دولتی و غیردولتی که ایجاد کرده‌ایم نقش و وظیفه نظارت و حراست دارند. از هر کسی که بخواهد گامی به پیش گذارد تفتیش می‌کنند. و بالطبع دوسوم توان و وقت و

بودجه‌های مدیریتی هم صرف می‌شود که یک‌سوم باقیمانده نهادها و مردم درست کار کنند و خدای نکرده به خطا نروند. و تازه همین انتظار هم تحقق نمی‌پذیرد.

سخن آخرم. بنده تمام عمرم معلم بوده‌ام. تنها ۵۰ سال در دانشگاه‌ها درس داده‌ام. با دانشگاه و دانشجو زندگی کرده‌ام و درد و درمانشان را می‌شناسم. اگر دست از سر جوانانمان برداریم و سیاستمدارانمان به فرمایش‌های مقام معظم رهبری گوش بدارند و سیاست‌هایشان را به داخل دانشگاه‌ها نکشانند، مطمئن باشیم جوانانمان فرزندان خلفی برای ما، خلفتر از آنچه ما برای پدرانمان بوده‌ایم، خواهند بود. والسلام علیکم ورحمه‌الله.

پیام تبریک رئیس فرهنگستان علوم:

باسمه‌تعالی؛ خانم دکتر مریم میرزاخانی، موفقیت‌های علمی شما و بخصوص توفیق دریافت جایزه فیلدز را تبریک می‌گویم. مایه مباهات و افتخار است که شما و بعضی دیگر از ستارگان درخشان علم جهان به ایران تعلق دارید، و هرچند درخت دانش و ابداع شما در هاروارد و پرینستون و استنفورد ثمر داده، خوشبختانه نهال آن در ایران رشد کرده است. در اینجا دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور باید بکوشند که هر چه زودتر به مرزهای علم و پژوهش برسند و شرایط پژوهش و ابداع چنان فراهم شود که انشاءالله نسل دانشمندانی که بعد از این می‌آیند و امیدواریم نوادری چون شما هم در میان آنان باشند، بتوانند در آن مراکز به موفقیت‌های بزرگ علمی نائل شوند.

رضا داوری اردکانی



پیام تبریک مسئولان فرهنگستان علوم به بانوی ریاضیدان ایرانی

پیام تبریک رئیس گروه علوم مهندسی و رئیس کمیسیون پیشبرد ریاضیات فرهنگستان علوم:

باسمه‌تعالی؛ سرکار خانم دکتر مریم میرزاخانی، تاریخ پر افتخار میهنمان ایران یادآور بزرگمردان و زنانی است که با همت و ایثار و امید به آینده بهتر برای سرزمین و مردم خود، برای خویش، ایران و ایرانیان افتخار کسب کرده‌اند. از شهیدانی که در راه حفظ میهن در طول قرون و اعصار با اهدای جان خویش تا دانشمندان و هنرمندان و ورزشکارانی که با تحمل انواع رنج‌ها و سختی‌ها و حتی بی‌مهری‌ها به وظیفه دینی، ملی و میهنی خود عمل کردند، همه و همه، شایسته

در پی دریافت جایزه جهانی فیلدز توسط خانم دکتر مریم میرزاخانی ریاضیدان برجسته ایرانی، آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی و رئیس کمیسیون پیشبرد ریاضیات فرهنگستان و دکتر مهدی بهزاد عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد ریاضیات، پیام‌هایی درخصوص کسب این موفقیت توسط بانوی ریاضیدان ایرانی مرقوم فرمودند، که جهت اطلاع علاقمندان به شرح ذیل منتشر می‌شود:

احترام و تقدیر ملت ایرانند.

مفتخرم که به عنوان یک معلم کوچک و عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی شریف و نیز فارغ‌التحصیل دانشگاه استنفورد آمریکا، به شما که از زمره همان مردان و زنان نام‌آور و تاریخ‌ساز این مرز و بوم هستید، صمیمانه تقدیر و تشکر قلبی خود را در کسب افتخار ارزشمند جدید برای تمامی ما ایرانیان که بار دیگر نام ایران را پر آوازه کرد ابراز دارم. همچنین این دستاورد بزرگ که بی‌شک مدیون حمایت خانواده شما و جامعه علمی و دانشگاهی ایران سرافراز است را به همه مردم کشور بخصوص زنان گرانقدر ایران‌زمین تبریک عرض می‌کنم. اینجانب به عنوان عضو کوچکی از جامعه پر افتخار ایرانی که سعادت معلمی جوانان این خاک را دارم تمام تلاش خویش را همانند گذشته برای زمینه‌سازی هر چه بیشتر برای بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی تمامی ایرانیان بخصوص ایرانیان عزیز خارج از مرزهای میهن به کار خواهم بست تا شاید بتوانم اندکی از دین خود را نسبت به ملت و میهن ادا نمایم.

محمدرضا عارف

تصویری ماندگار از چهره‌های نامدار:

اهدای جایزه «فیلدز» به سرکار خانم «مریم میرزاخانی» اسباب مسرت جامعه علمی ایران و به‌ویژه جامعه ریاضیدانان ایران است؛ چرا که از یک طرف نشان‌دهنده ظرفیت‌های علمی ایران و از طرف دیگر بیانگر توانایی‌های بانوان کشورمان در حوزه‌های علمی است. البته لازم است یادآوری شود که موفقیت‌های خانم مریم میرزاخانی یک‌باره به دست نیامده و سال‌هاست که مجامع ریاضیات جهان، وی را می‌شناسند. برای مثال وی پیش از این نیز برنده جایزه «کلی» شده و اکنون نیز جایزه‌ای را دریافت کرده که بسیاری آن را از لحاظ اعتبار علمی و اهمیت، همتای نوبل در زمینه ریاضیات می‌دانند، هرچند مبلغ مالی آن از جایزه نوبل کمتر است. جایزه «فیلدز» اولین بار در

سال ۱۹۳۶ (۷۸ سال پیش و سال تولد اینجانب) اهدا شد که طی این مدت هیچ خاتمی در جهان موفق به دریافت این جایزه نشده و همین موضوع نشان‌دهنده جایگاه علمی «مریم میرزاخانی» در دنیای ریاضیات است. اما اعطای این جایزه از لحاظ دیگر هم برای من بسیار هیجان‌انگیز است.

اینجانب به تازگی معرفی کتابی درباره ۹۲ ریاضیدان برجسته و زنده ساکن در ایالات متحده آمریکا را آغاز کردم که هم‌اکنون در مراحل پایانی است. این کتاب تألیف خانم «ماریانا کوک» است که انتشارات دانشگاه پرینستون در سال ۱۹۹۹ منتشر کرده است. گردآورنده این کتاب به هر کدام از ریاضیدانان دو صفحه اختصاص داده است. در یک صفحه تصویری از این ریاضیدانان چاپ شده و در صفحه مقابل آن شرح مختصری از فعالیت‌های علمی آن ریاضیدان ذکر شده که به قلم خود آنان تنظیم شده است. البته روی جلد این کتاب نیز تصویر ۲۵ ریاضیدان قرار دارد که خانم میرزاخانی یکی از آنهاست.

اهدای این جایزه را یک بار دیگر به جامعه علمی ایران تبریک می‌گویم و امیدوارم این رویداد باعث تشویق جوانان و دانشجویان ما شود. ذات و طبیعت بشر این‌گونه است که از تشویق‌ها خشنود و خرسند می‌شود، به‌ویژه جوانان و نوجوانان.

به همین دلیل از قدیم جوایز مختلفی را در حوزه‌های گوناگون علمی پایه‌ریزی کردند تا باعث سرافرازی جوانان شود. از بدو تأسیس انجمن ریاضی ایران در سال ۱۳۵۰، یک مسابقه ریاضی بین دانشجویان دوره‌های کارشناسی ریاضی سراسر کشور برگزار شد که مسئولیت اولین دوره آن با من بود. خوشبختانه این مسابقه تداوم پیدا کرد و هنوز هم ادامه دارد. یکی از نکات جالب آنکه خانم میرزاخانی علاوه بر شرکت در مسابقات المپیاد دانش‌آموزی، در این مسابقات نیز شرکت کرده است.

مهدی بهزاد

عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد ریاضیات

جایزه فیلدز یا نشان فیلدز (به انگلیسی: Fields Medal) جایزه‌ای است که هر چهار سال یک‌بار به ابتکار ریاضیدان کانادایی «جان چارلز فیلدز» در جریان کنگره اتحادیه جهانی ریاضیات به ریاضیدانان جوان (کمتر از چهل سال) که کار ارزنده‌ای در ریاضی انجام داده و کشف مهمی در ریاضیات کرده باشند، اهداء می‌شود. این جایزه را «نوبل ریاضیات» می‌خوانند. جایزه فیلدز در واقع یک مدال (یا سکه) به همراه ۱۵۰۰۰ دلار کانادا است. مدال از طلا ساخته شده که روی آن تصویر نیم‌رخ ارشمیدس حکاکی شده است. این مدال برای اولین بار به دو دانشمند ریاضیدان لارس آلفرس و جسه داگلاسی اعطا شد. خانم دکتر مریم میرزاخانی اولین زن برنده نشان فیلدز در جهان است که در سال ۲۰۱۴ موفق به دریافت آن شد.



دیدار سفیر هلند با رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم



گروه توضیحاتی ارائه کرد. در ادامه جلسه پیرامون آرامش و دوستی میان ادیان ابراهیمی و نیز افراطی‌گری و خشونت میان پیروان ادیان در زمان حاضر بحث و تبادل نظر شد. در پایان نشست آقای یوس داوما سفیر هلند در تهران از مهمان‌نوازی آقای دکتر محقق داماد و جلسه بحث و گفتگو تشکر نمود و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان یک نسخه از کتاب خود با عنوان:

"PROTECTION OF INDIVIDUALS IN TIMES OF ARMED CONFLICT UNDER INTERNATIONAL AND ISLAMIC LAWS"

را به آقای سفیر اهدا نمود.

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۹، آقای یوس داوما سفیر کشور هلند در تهران با آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان دیدار و گفتگو کرد.

در این نشست که آقایان فرخ مستوفی نماینده شرکت شل در ایران، مهندس سیدعلی پزشکی رئیس دفتر ریاست فرهنگستان و خانم شکوفه سینا از مدیریت روابط بین‌الملل فرهنگستان حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر محقق داماد به آقای سفیر و همراه ایشان خیرمقدم گفت و پس از آن درخصوص فعالیت‌های گروه علوم اسلامی فرهنگستان بخصوص روابط علمی و فرهنگی بین‌المللی

تعامل و گفتگو میان گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی

آموزش و ترویج کشاورزی ضمن خیر مقدم و ابراز خشنودی از برگزاری این نشست و حضور استادان عضو فرهنگستان در سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، وضع موجود در بخش کشاورزی و تحقیقات، آموزش و ترویج و لزوم توجه به آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و اظهار داشت: «برای بهبود وضع موجود و خروج از وضعیت فعلی، به همکاری کلیه دانشگاه‌ها، ورود بخش غیردولتی به این بخش، درگیر نمودن سازمان‌های تخصصی خارجی، استفاده از ذخیره‌های فکری کشور مانند اتاق فکر و همچنین فرهنگستان علوم که از متخصصان این بخش می‌باشند، نیاز است و باید از پتانسیل‌های عظیم فرهنگستان علوم با منابع غنی و نیروی انسانی که عصاره تفکر این بخش هستند، بهره برد».

به منظور بحث و تبادل نظر در زمینه‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی، روز چهارشنبه ۵ شهریورماه سال ۱۳۹۳، نشستی مشترک میان اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و رئیس، معاونان و مدیران سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در محل مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور برگزار شد.

در این برنامه، که تعدادی از رؤسای مؤسسه‌های تحقیقاتی ملی وزارت جهاد کشاورزی نیز حضور داشتند، ابتدا از قسمت‌های مختلف باغ گیاه‌شناسی ملی ایران بازدید به عمل آمد و در ادامه، نشستی مشترک جهت تعامل و تبادل نظر درخصوص موضوعات مختلف علوم کشاورزی و منابع طبیعی کشور برگزار شد. در این جلسه آقای دکتر زند معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان تحقیقات،

همچنین آقای دکتر بهمن یزدی‌صمدی عضو پیوسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان و استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران در این مراسم به سیر تکاملی و شکل‌گیری فرهنگستان علوم از سال ۱۳۶۹ تاکنون و گذشته کشاورزی در ایران پرداخت. آقای دکتر محمد شاهدهی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم و استاد مهندسی علوم و صنایع غذایی دانشگاه صنعتی اصفهان دیگر سخنران این مراسم بود که در سخنان خود خواهان نگاه عمیق و کلان به مشکلات بخش کشاورزی شد و با اشاره به مصادیق موجود در این بخش، موانع و مشکلات موجود را برشمرد. ایشان ضمن ارائه راهکارهای مناسب برای حل این مشکلات، بر پافشاری و جدیت در کار و تداوم فعالیت در این زمینه تأکید کرد.

در ادامه حاضران به بحث و تبادل نظر و ارائه دیدگاه خود پرداختند و مقرر شد با جمع‌بندی مطالب از سوی فرهنگستان در قالب پیشنهاد مشخص، نسبت به برگزاری جلسات مشابه پیگیری مناسب صورت گیرد.

در این نشست تعدادی از اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم آقایان: دکتر بهمن یزدی‌صمدی، دکتر نصرالله سفیدبخت، دکتر علیرضا سپاسخواه، دکتر مرتضی خوشخوی، دکتر علیرضا کوچکی، دکتر کرامت‌اله ایزدپناه، دکتر حسن احمدی و دکتر محمد شاهدهی و آقایان دکتر زند معاون وزیر و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و معاونان ایشان آقایان: دکتر مطلبی، دکتر آقایی و دکتر طهماسبی، به همراه آقایان: دکتر شعاعی رئیس پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری، دکتر عصاره رئیس مؤسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال، دکتر پورکاظمی رئیس مؤسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور، دکتر بصام رئیس مؤسسه آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی، دکتر عباسی رئیس مؤسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی، دکتر جلیلی رئیس مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، دکتر بنانج معاون مؤسسه تحقیقات گیاه‌پزشکی کشور و آقایان: مهندس بوجاری و مهندس موحدنژاد معاونان مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور حضور داشتند.

جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی با موضوع روغن پالم

روز یکشنبه مورخ نهم شهریورماه ۱۳۹۳ جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم با حضور اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه و میهمانانی از سازمان نظام دامپزشکی کشور و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در محل گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم برگزار شد.

در ابتدای جلسه آقای دکتر نادعلیان رئیس گروه دامپزشکی فرهنگستان از تشریف‌فرمایی حاضران تشکر و قدردانی کرد و به همکاران مدعو جدید گروه آقایان: دکتر قمصری، دکتر آخوندزاده، دکتر نیکبخت بروجنی و دکتر لطف‌اله‌زاده تبریک و خوشآمد گفت و از همکاری آنها در فرهنگستان علوم ابراز خوشنودی نمود.

موضوع اصلی این نشست که با حضور آقایان دکتر حسن تاجبخش، دکتر محمدقلی نادعلیان، دکتر علی اسلامی، دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دکتر محمدحسن بزرگمهری‌فرد، دکتر سیدشهرام شکر فروش، دکتر اسداله توسلی، دکتر سیدمهدی رضوی روحانی، دکتر سیدمحمد مهدی کیایی، دکتر نوردهر رکنی، دکتر عباسعلی



مطلبی، دکتر محمود بلورچی، دکتر آخوندزاده، دکتر لطف‌اله‌زاده، دکتر قمصری و دکتر نیکبخت بروجنی اعضای گروه علوم دامپزشکی و دکتر هدایت حسینی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و دکتر صفری، دکتر جعفری و دکتر اکبرین از سازمان نظام دامپزشکی تشکیل شد، مسئله روغن پالم و استفاده آن در کارخانجات محصولات لبنی و شیر بود که آقای دکتر نوردهر رکنی عضو وابسته شاخه

بهداشت و مواد غذایی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان ابتدا به بیان توضیحاتی درباره روغن پالم و معرفی آن پرداخت و در ادامه آقای دکتر سیدشهرام شکر فروش عضو وابسته شاخه بهداشت و مواد غذایی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان سخنرانی مبسوطی در قالب پاورپوینت از این روغن گیاهی و فواید و مضرات استفاده از آن ارائه کرد. سپس آقای دکتر هدایت حسینی مدیرکل بهداشت مواد غذایی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز در مورد روغن پالم و

مشتقات آن گزارشی را ارائه داد و در پایان هریک از اعضای حاضر در جلسه نظر و دیدگاه خود را پیرامون این موضوع بیان کردند. آقای دکتر نادعلیان در پایان جلسه ضمن تشکر از مباحث خوب مطرح شده در نشست تأکید نمود گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم آماده هرگونه همکاری با مسئولان ذی ربط پیرامون این موضوع خواهد بود. خلاصه سخنرانی آقای دکتر شکر فروش در شماره آتی خبرنامه منتشر خواهد شد.

درگذشت شادروان دکتر امیر ناصر کاتوزیان



پیام تسلیت رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم:

«انالله و انا الیه راجعون؛

داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو

کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند

گر نادره معدوم شود هیچ عجب نیست

کز کاخ هنر نادره کاران همه رفتند

افسوس که افسانه سرایان همه خفتند

اندوه که اندوه گساران همه رفتند

فریاد که گنجینه طرازان معانی

گنجینه نهادند به ماران همه رفتند

یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران

تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند

خون بار بهار از مزه در فرقت احباب

کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند

استاد فقید دکتر ناصر کاتوزیان شخصیتی بود که آثار علمی اش پشتوانه ادبیات حقوقی ایران است. کمتر مقاله حقوقی می توان دید که از ارجاعات مکرر به آثار ایشان خالی باشد. ایشان دارای ذهنی وقاد، نقاد و تحلیلگر بود. در روش حقوقی مدافع اصول و موازین در حقوق اسلامی بود. دکتر کاتوزیان علیرغم آنکه استاد حقوق مدنی بود دانش

دکتر امیر ناصر کاتوزیان استاد برجسته حقوق دانشگاه تهران در یازدهم شهریور سال جاری در سن ۸۷ سالگی دار فانی را وداع گفت. خبرنامه فرهنگستان علوم این ضایعه را به جامعه علمی و دانشگاهی بخصوص حقوقدانان و قضات کشور، و به خانواده دکتر کاتوزیان تسلیت می گوید و برای استاد فقید علو درجات از درگاه باری تعالی مسئلت دارد. در پی درگذشت شادروان دکتر امیر ناصر کاتوزیان پیام های تسلیت جداگانه ای از سوی رئیس فرهنگستان علوم، رئیس گروه علوم اسلامی و رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان صادر شده که در ادامه آمده است:

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم:

«باسمه تعالی؛ درگذشت استاد نامدار حقوق مدنی دانشگاه تهران آقای دکتر امیر ناصر کاتوزیان را به خانواده محترم ایشان و به دانشمندان و دانشگاهیان و بخصوص حقوقدانان و قضات کشور تسلیت می گویم. دکتر کاتوزیان در طی مدتی قریب به شصت سال درس قانون و قانون دوستی داد و شاگردان بسیار تربیت کرد و آثاری پدید آورد که در زمره مراجع معتبر برای حقوقدانان و قضات و وکلای دادگستری و دانشجویان حقوق است. رحمت خدا بر او باد که چنان زندگی کرد که می اندیشید و اندیشه و عملش هماهنگ بود.

رضا داوری اردکانی».

پیام تسلیت رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم:
«باسمه تعالی؛

خبر درگذشت دکتر امیر ناصر کاتوزیان اندیشمند فرزانه‌ای که دانش و دانش‌پژوهان علم حقوق وامدار ایشان هستند موجب تأثر و تألم اینجانب شد. از خداوند منان می‌خواهم که پاداش خیر و خدمت آن استاد فرزانه که خدمات علمی‌اش در سطح ملی و بین‌المللی زبانزد است را با منتعم‌گرداندن او از رحمت گسترده‌اش عطا فرماید. اینجانب فقدان این چهره برجسته علمی را که بی‌تردید برای جامعه علمی ایران ضایعه جبران‌ناپذیری است به ملت شریف ایران و دانشگاهیان و پژوهشگران بخصوص به خانواده و بستگان فقید استاد کاتوزیان تسلیت عرض کرده و برای ایشان رضوان الهی را طلب می‌کنم.
محمدرضا عارف»

حقوقی وی اختصاص به یک حوزه خاص نداشت و بسیار وسیع بود. ایشان علاوه بر آثار زیادی که در حقوق مدنی به رشته تحریر درآوردند، در حقوق عمومی و ادله اثبات و از همه بالاتر ۳ مجلد در فلسفه حقوق تألیف کرده‌اند که به نظر اینجانب اثر اخیر از آثار مستطاب ایشان است و در تاریخ تألیف این کتاب چنین اثری به زبان فارسی تألیف نشده است. اینجانب برای روح آن بزرگوار که دغدغه اصلی او حقوق ملت ایران بود تعالی و رضوان حق متعال آرزو می‌کنم و این ضایعه اسفناک را به خانواده داغدار و بازماندگان سوگووار و به جامعه حقوق کشورمان، استادان محترم دانشگاه، دانشجویان عزیز، قضات ارجمند و مدافعان حقوق مردم تسلیت عرض می‌کنم. امیدوارم در آینده رهروان راه این دانش روز به روز موفق‌تر و مؤیدتر باشند.
سیدمصطفی محقق‌داماد»



دکتر حسن روحانی؛

عضو خارجی

فرهنگستان علوم تاجیکستان

رودکی شاعر بلندآوازه فارسی نوشته شده بود که:
«هیج شادی نیست اندر این جهان

برتر از دیدار روی دوستان».

همچنین رئیس و اعضای فرهنگستان علوم تاجیکستان، لباس زرین ویژه اعضای رسمی این آکادمی را به آقای دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران اهدا کردند و آن را بر تن ایشان پوشاندند.

آقای دکتر حسن روحانی سومین ایرانی است که به عنوان عضو خارجی آکادمی علوم تاجیکستان انتخاب می‌شود. پیش از این آیت‌الله آقای اکبر هاشمی رفسنجانی و آقای دکتر رضا داوری اردکانی به عنوان عضو خارجی آکادمی علوم تاجیکستان برگزیده شده بودند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در سفر خود به کشور تاجیکستان، عصر روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۳ از آکادمی علوم آن کشور بازدید نمود و در این مرکز بزرگ علمی سخنرانی ایراد کرد.

در این مراسم رئیس آکادمی علوم تاجیکستان و هیأت عالی این آکادمی، آقای دکتر حسن روحانی را به عنوان عضو خارجی آکادمی علوم تاجیکستان معرفی کردند. استادان آکادمی پس از اعلام نام آقای دکتر روحانی به عنوان عضو خارجی این فرهنگستان، یکصدا به تشویق رئیس‌جمهوری اسلامی ایران پرداختند. روی بئر معرفی آقای دکتر روحانی به عنوان عضو آکادمی علوم تاجیکستان، این بیت از

تقدیر از رئیس گروه علوم اسلامی
فرهنگستان علوم

در نشست بین‌المللی اخلاق و محیط‌زیست



بهشتی معرفی شد و خانم دکتر ابتکار از آیت‌الله محقق داماد به پاس خدمات و تحقیقات برجسته و تقریر کتاب‌های مختلف در حوزه محیط‌زیست با ارائه لوح تقدیر و جایزه تشکر کرد.

دکتر معصومه ابتکار در اولین نشست بین‌المللی اخلاق و محیط‌زیست با بیان اینکه پابندی به اصول و وعده‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب است، گفت: «دولت‌ها باید نسبت به برنامه‌ها و وعده‌های خود در حوزه حفاظت از محیط‌زیست پایبند باشند. مهمترین چالش بعد از صلح و امنیت، حفظ محیط‌زیست و پابندی به حقوق محیط‌زیست است. بسیاری از دولت‌ها شعار همراهی با طبیعت می‌دهند و در عمل به گونه دیگری رفتار می‌کنند. در واقع این دوگانگی بین رفتار و عمل یکی از مشکلات مهم بین‌المللی به‌شمار می‌آید. بارزترین نمونه این چالش در جهان تغییرات آب و هوایی است. دولت‌هایی که برای این مسئولیت مشترک، تعهد دارند، موفق نبوده‌اند و امروز روند گرم‌شدن زمین به عنوان چالشی جدی برای آینده بشر محسوب می‌شود». معاون رئیس‌جمهوری بحث چالش اخلاق و محیط‌زیست را تنها به دولت‌ها و حکومت‌ها محدود ندانست و اظهار داشت که این موضوع را باید به همه جوامع و افراد آن تسری داد و با بیان اینکه مناقشات بر سر محیط‌زیست باعث عدم امنیت در افراد می‌شود، یادآور شد که تا زمانی که به خود آموزش درونی ندهیم و نگرش‌های خودخواهانه و منفعت‌طلبانه را کنار نگذاریم، نمی‌توانیم یک جامعه اخلاق‌محور داشته باشیم.

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم در این مراسم با بیان اینکه قرآن هشدار داده که در زمین فساد نکنید، گفت: «مفسد فی الارض یک مفهوم عام است و فقط به افراد ستمگر اطلاق نمی‌شود بلکه کسانی که طبیعت را نیز از بین می‌برند مفسد محسوب می‌شوند و در قرآن آیات زیادی در این زمینه آمده است. بحران امروز، بحرانی اخلاقی است و برای از بین بردن آن ابتدا باید با آن رویه‌رو شد. متأسفانه بسیاری از اندیشمندان بهترین راه‌حل این بحران را رفع مسائل فنی می‌دانند. من چنین فکری نمی‌کنم و معتقدم جامعه انسانی باید بیشتر با خود، ارزش‌های دینی و اخلاق در زمینه محیط‌زیست فکر کند تا بحران بگذرد. در ادیان ابراهیمی برای گذر از این بحران موضوعات بسیاری مطرح شده و انجیل، عهد عتیق و قرآن به اخلاق محیط‌زیست پرداخته‌اند. شرکت‌کنندگان در اجلاس را دعوت می‌کنم این آیات را مطالعه کنند».

نخستین نشست بین‌المللی اخلاق و محیط‌زیست با حضور معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران و جمعی از چهره‌های برجسته علمی و مذهبی جهان عصر روز شنبه ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۳ در تهران برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه این نشست که آقایان منظور سومرو رئیس بنیاد علوم اکو از کشور پاکستان، صلاح زواوی سفیر فلسطین در ایران، رولا فقیه مدیر بخش محیط‌زیست و کشاورزی سازمان توسعه مردم‌نهاد جهاد البنیا از لبنان و الکساندر دیمتریچ رئیس بنیاد انرژی تکت فاندیشن از سوئیس نیز حضور داشتند، خانم دکتر معصومه ابتکار معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران، صلاح زواوی سفیر فلسطین در ایران و آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم به عنوان سخنرانان افتتاحیه، سخنرانی کردند. همچنین در این مراسم دو کتاب «اخلاق محیط‌زیست» و «الهیات محیط‌زیست» اثر آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد حقوق دانشگاه شهید

برگزاری همایش بین‌المللی «آینده فرهنگ»

در اردیبهشت ۱۳۹۴



کنند. از این روی، این‌گونه پژوهش‌ها لزوماً میان‌فرهنگی است و نمایندگان فرهنگ‌های مختلف، باید دریافت خود را در باب مسائل جهانی در معرض نقد و نظر قرار دهند و با بارور ساختن هرچه بیشتر این بحث، امکان هم‌اندیشی و همراهی با یکدیگر را فراهم کنند. گفتگوی نمایندگان فرهنگ‌های مختلف در باب پرسش‌های بنیادین دنیای معاصر می‌تواند نمونه‌ای از گام‌های لازم برای تفاهم و همکاری تلقی شود.

فرهنگ ایرانی نیز در مقام یکی از فرهنگ‌های دیرینه و پربار بشری می‌تواند با بهره‌جستن از میراث غنی خود، در جستجوی پاسخ‌هایی ممکن در برابر چنین پرسش‌هایی، مشارکت فعال داشته باشد. بدین‌منظور، سزاوار است اندیشمندان و پژوهشگران ایرانی نیز ضمن همفکری و مشارکت در چنین گفتگویی به تعامل با متفکران دیگر فرهنگ‌ها بپردازند و زمینه غنی‌تر شدن این پژوهش‌ها را فراهم کنند. برگزاری همایش بین‌المللی «آینده فرهنگ» با چنین رویکردی طراحی شده است. این همایش با همکاری و مشارکت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران، دانشگاه اصفهان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه علامه طباطبائی برگزار می‌شود. ریاست کنفرانس برعهده آقای دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم است.

تا چند دهه قبل تحولات گسترده در علوم و فناوری‌ها و برخی از فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تصویری مثبت و امیدوارانه از آینده ترسیم می‌کرد؛ اما در زمان حاضر با وجود شدت یافتن تغییرات و تداوم پیشرفت‌های فناوریانه و علمی، تصور از آینده انسان و فرهنگ، توأم با خوش‌بینی نیست. افزایش تنش‌ها و جنگ مداوم در نقاط مختلف جهان در سال‌های اخیر، باعث پیدایش پرسش‌هایی اساسی درباره آینده فرهنگ جهانی و فرهنگ‌های بومی منطقه‌ای شده است. برهم خوردن توازن طبیعت، بروز مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، عواملی بودند که به تدریج نحوه نگاه و تلقی انسان معاصر نسبت به آینده را تغییر دادند. انسان معاصر بیش از هر زمان دیگر، خود و لوازم حیاتش را در حال دگرگونی می‌بیند و به آینده با بیم و امید می‌نگرد. در چنین وضعی، موضوع آینده فرهنگ به صورت پرسشی بنیادی، پیش روی بسیاری از متفکران و پژوهشگران قرار گرفته است. آینده انسان و جهان چگونه خواهد بود؟ پرسشی است که اینک بیش از پیش ما را به اندیشیدن و پاسخ‌گفتن فرا می‌خواند. تحقیق درباره آینده تکنولوژی، علوم تجربی و علوم انسانی و آینده هنر، اقتصاد، سیاست و دین، از اساسی‌ترین حوزه‌های پژوهش جدید است. امروز به نظر می‌رسد هیچ برنامه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و تربیتی نمی‌تواند بدون داشتن تصویری درست از آینده طراحی شود، به‌طوری‌که داشتن تصویر یا تصویرهای ممکن از آینده فرهنگ، برای شروع پژوهش‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

به لحاظ روش‌شناسی، پژوهش در این حوزه‌ها از نوع میان‌رشته‌ای- میان‌فرهنگی است. بنابراین، شایسته است صاحب‌نظران رشته‌های مختلف با کاوش در پرسش‌های مشترک و سیر در مراتب بحث، به بررسی جوانب گوناگون موضوعات بپردازند. از سوی دیگر، آینده فرهنگ / فرهنگ‌ها مسئله همه انسان‌هایی است که در این کره زندگی می‌کنند. این واقعیت اقتضای آن دارد که اندیشمندان فرهنگ‌ها و ملت‌های مختلف دریافت‌های خود را در این موضوع به بحث گذارند و از این طریق زمینه پژوهش‌های بیشتری را فراهم

از اصحاب فرهنگ و پژوهشگران رشته‌های گوناگون درخواست هم‌اندیشی داریم. عناوین ذیل به مهمترین دامنه‌های این بحث اشاره دارد. گرچه وجوه دیگر این بحث نیز می‌تواند به پیشنهاد پژوهشگران مورد توجه قرار گیرد.

عناوین اصلی و عرصه‌های بحث

الف. فلسفه و روش‌شناسی

- روش‌ها و رویکردهای مختلف برای پژوهش درباره فرهنگ و آینده آن
- فلسفه فرهنگ و الگوهای مختلف تحلیل فرهنگ و مقومات آن
- اندیشه‌های فلسفی معاصر و توجه آنها به فرهنگ و آینده آن
- نظریه‌های فرهنگ و نگاه آنها به آینده
- فلسفه میان‌فرهنگی و آینده فرهنگ

ب. زبان، ادبیات و هنر

- تصور آینده در حوزه ادبیات و هنر
- تصویر انسان آینده در ادبیات و هنر
- زبان و آینده فرهنگ‌ها
- کارکرد ادبیات و هنر در عرضه الگوهایی برای آینده فرهنگ
- آینده نگر زبان‌ها

■ ترجمه به مثابه مسئله‌ای میان‌فرهنگی

ج. مباحث عمومی درباره فرهنگ‌ها

- شرایط پایایی یا زوال فرهنگ‌ها در آینده
- امکان یا امتناع مدیریت و مهندسی فرهنگ‌ها
- مهمترین صورت‌های تحولات فرهنگی در آینده
- شیوه‌ها و رویکردهای مختلف برای آسیب‌شناسی فرهنگی
- مسیر تحولات در علوم و تکنولوژی و تأثیر آن در فرهنگ
- آینده مناسبات فرهنگ جهانی و فرهنگ‌های ملی - منطقه‌ای
- رفتار فرهنگ‌های مختلف در مقابل فرآیندهای جهانی شدن
- امکان و میزان تأثیر اندیشه‌های میان‌فرهنگی در آینده مناسبات فرهنگی

■ جامعه، سیاست و اقتصاد

- آینده‌پژوهی در مطالعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- آینده مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- آینده نهادهای بین‌المللی
- نسبت قدرت و فرهنگ و نابرابری
- جهانی‌شدن اقتصاد و سیاست و تأثیر آن در فرهنگ
- توسعه و آینده فرهنگ‌ها
- نسبت توسعه و فرهنگ در آینده

- آینده تجاری‌شدن فرهنگ
- نقش فرهنگ در عقب‌ماندگی یا پیشرفت جوامع
- توسعه‌نیافتگی به‌عنوان وضعیتی فرهنگی

ه. ارتباطات و رسانه

- تحولات در روش‌های ارتباطی و رسانه‌ها
- آینده تکنیک‌های ارتباطی و نقش آن در مناسبات فرهنگی
- فرهنگ و اجتماعی‌شدن در عرصه مجازی

و. «اخلاق» و «تعلیم و تربیت»

- دگرگونی ارزش‌ها و آینده فرهنگ
- نظام‌های اخلاقی و آینده اخلاق فردی و جمعی
- اصول، روش‌ها و غایات تعلیم و تربیت در آینده
- سناریوهای محتمل برای اخلاق در فرهنگ آینده

ز. آینده فرهنگ ایرانی

- تصویر آینده در فرهنگ ایرانی
- آینده عناصر و مقومات فرهنگ ایرانی
- امکان‌های پیش‌روی فرهنگ ایرانی
- آینده نسبت فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی

شرایط ارسال مقاله و نحوه پذیرش

علاقه‌مندان شرکت در این همایش باید سابقه تألیف کتاب یا مقاله در مجلات معتبر، در موضوعات مرتبط با همایش (آن هم با نام تنها یک مؤلف) را داشته باشند. مقالات ارسالی در صورت پذیرش در سه گروه تقسیم می‌شود: ۱. چاپ خلاصه مقاله، ۲. چاپ خلاصه و اصل مقاله، ۳. چاپ خلاصه و اصل مقاله و قرائت در همایش. مقالات همایش به سه زبان فارسی، انگلیسی و آلمانی خواهد بود.

زمان و نحوه ارسال مقالات

- مهلت ارسال چکیده مقالات: ۳۰ آذرماه ۱۳۹۳
- مهلت ارسال اصل مقالات: ۳۰ دی ماه ۱۳۹۳
- تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴
- علاقه‌مندان می‌توانند خلاصه مقاله (حداکثر ۴۰۰ کلمه) خود را همراه با شرح حال علمی، به یکی از راه‌های زیر به دبیرخانه همایش ارسال کنند:
- بارگذاری مقاله در وب‌گاه: www.interculturalstudies.ir
- ارسال به رایانامه: culturefuture2015@gmail.com
- نشانی دبیرخانه همایش: تهران، بزرگراه چمران، پل مدیریت، خیابان علامه طباطبائی جنوبی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبائی.

وضع تحقیق و توسعه در ایران و جهان

سخنرانی دکتر سیدمهدی سیدی در گروه علوم پایه

کشورهایی که به دنبال دستیابی به اقتدار ملی هستند، تبدیل شده است. از نشانه‌های بارز این امر، برنامه‌ریزی کشورهای در حال رشد در طراحی یک نظام ملی نوآوری است تا به واسطه آن اقتصاد خود را به سوی اقتصاد دانش‌بنیان و خلاق سوق دهند. از اصلی‌ترین تغییرات این کشورها، افزایش بودجه تحقیق و توسعه به همراه افزایش تعداد محققان فعال در این حوزه است.

اگر چه کشورهای پیشرفته صنعتی بیش از دو تا سه درصد GDP خود را به تحقیق و توسعه اختصاص داده و نیروی انسانی دخیل در این امر را به بیش از پنج هزار نفر در هر میلیون نفر جمعیت بالغ خود کرده‌اند، کشورهای در حال رشد در رقابتی تنگاتنگ، به دنبال تأمین بودجه و نیروی انسانی لازم برای به حرکت در آوردن قطار تحقیق و توسعه‌ای هستند که برای حرکت به این دو عنصر نیاز اساسی دارد. در این مقاله مقایسه‌ای تطبیقی از برنامه‌های کشورهای مطرح و فعال در مقایسه با جمهوری اسلامی ایران ارائه و در پایان پیشنهادهای راهبردی و اجرایی برای حرکت جدی کشورمان در این مسیر به بحث گذاشته شده است.

روز پنجشنبه ۱۳۹۳/۶/۲۰ آقای دکتر سیدمهدی سیدی عضو هیأت علمی پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست‌فناوری و رئیس کارگروه نخبگان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در گروه علوم پایه فرهنگستان علوم در سخنانی به موضوع «وضع تحقیق و توسعه در ایران و جهان» پرداخت. در این نشست اعضای پیوسته گروه علوم پایه و اعضای شاخه زیست‌شناسی فرهنگستان حضور داشتند. چکیده مقاله ارائه‌شده توسط آقای دکتر سیدی جهت آگاهی علاقمندان در ذیل آمده است:

«امروزه توجه به امر تحقیق و توسعه در جهان به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های نه تنها کشورهای پیشرفته صنعتی، بلکه بسیاری از



جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی

در بخش دوم جلسه آقای دکتر محسن پورسیدآقایی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل راه آهن جمهوری اسلامی ایران سخنرانی کرد. موضوع سخنرانی ایشان «چالش‌های توسعه حمل و نقل ریلی» بود. در پایان هر سخنرانی استادان حاضر در جلسه به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح‌شده پرداختند و سخنرانان به پرسش‌ها پاسخ دادند.

در انتهای جلسه نیز توسط آقایان دکتر عارف و دکتر صالحی، لوح تقدیری به سخنرانان اهدا گردید.

روز چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۳، سومین جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم در سال جاری، با حضور اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه مزبور، رئیس و اعضای شورای اتاق فکر مهندسان برجسته کشور، به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، برگزار شد. در بخش اول این نشست آقای دکتر عادل آذر رئیس مرکز آمار ایران در سخنانی به موضوع «تحولات جمعیتی ایران در افق ۱۴۳۰ از نگاه مرکز آمار ایران» پرداخت.



فصلنامه آموزش مهندسی ایران در میان ۱۰ مجله برتر علمی کشور

دانش مهندسان و صنعتگران منتشر می‌شود. زمینه‌های انتشاراتی مجله عبارتند از: روش‌های نوین آموزش مهندسی، تاریخ علوم مهندسی، کاربرد فناوری اطلاعات در مهندسی، ارزیابی کیفیت در آموزش مهندسی، نقش و ارزش خلاقیت و طراحی در تربیت مهندسان، اخلاق مهندسی، جایگاه آموزش مدیریت در مهندسی، آموزش‌های پیوسته ضمن کار، آموزش‌های علوم انسانی در مهندسی، نقش انجمن‌های علمی در آموزش مهندسی، ارتباط آموزش مهندسی با صنعت، ارتباط آموزش مهندسی با اقتصاد، آموزش مهندسی در سایر کشورها، پژوهش و توسعه در آموزش مهندسی، آینده آموزش مهندسی، آموزش مهندسی و توسعه پایدار، توسعه علوم مهندسی، برنامه‌ها و دروس جدید در آموزش مهندسی، شایستگی حرفه‌ای در آموزش مهندسی و آموزش مهندسی در ایران. فصلنامه مزبور از سال ۱۳۷۸ آغاز به کار کرده و تاکنون ۶۲ شماره از آن به چاپ رسیده است. تارنمای این مجله به نشانی <http://ijee.ias.ac.ir> در دسترس علاقمندان است.

به گزارش پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) «فصلنامه آموزش مهندسی ایران» که به همت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منتشر می‌شود، از میان ۶۹۳ مجله برتر علمی کشور، فهرست‌شده در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، در رتبه نهم و با ضریب تأثیر ۰/۶۳۹ قرار دارد.

فصلنامه آموزش مهندسی ایران با مدیر مسئولی آقای دکتر محمود یعقوبی و سردبیری آقای دکتر پرویز دوامی منتشر می‌شود. اعضای پیوسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم آقایان دکتر محمدرضا عارف، دکتر محمدرضا اسلامی، دکتر مهدی بهادری‌نژاد، دکتر پرویز جبهدار مارالائی، دکتر پرویز دوامی، دکتر سعید سهراب‌پور، دکتر مرتضی سهرابی، دکتر علی کاوه، دکتر حسن ظهور، دکتر محمود یعقوبی، دکتر هادی ندیمی و دکتر محمدحسین حلیمی اعضای هیأت تحریریه آن را تشکیل می‌دهند.

این فصلنامه به منظور بررسی، تحلیل و ارتقای حرفه مهندسی در ایران و ایجاد بستر مناسب برای اشاعه اطلاعات و دانسته‌های علمی، ارائه تجربیات و دستاوردهای پژوهشگران آموزش مهندسی و تقویت

دهمین سمینار افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر

فرهنگستان علوم
■ مبدل‌های AC/DC/AC با قطع طبیعی یا اجباری در کاربردهای مختلف صنعتی (آقای دکتر عباس شولایی، استاد دانشگاه علم و صنعت ایران)
■ فناوری‌های ایتوفلوییدیک و افق‌های تراشه‌های فوتونی قابل بازیگرایی (آقای دکتر مجید ابن علی حیدری، عضو هیأت علمی دانشگاه شهرکرد)

از سلسله سمینارهای ادواری شاخه مهندسی برق گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، دهمین سمینار «افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر» روز پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۳۹۳ در سالن کنفرانس فرهنگستان علوم برگزار شد. در این سمینار نیم‌روزه سه سخنرانی ایراد شد که عناوین سخنرانی‌ها عبارتند از:
■ پردازش سیگنال‌های تنک (آقای دکتر فرخ مروستی؛ استاد دانشگاه صنعتی شریف و همکار مدعو گروه علوم مهندسی

سمینار «نقش آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی، و ملی فیزیک در توسعه کشور»

دکتر محمد اخوان^۱



سپس، جلسه میزگردی با موضوع سمینار به مدت دو ساعت برگزار گردید. این گزارش بر اساس نکات برجسته سخنرانی‌ها و بحث‌های مربوط و میزگرد سمینار تنظیم شده است.

مقدمه

امروزه یکی از مهمترین و اصلی‌ترین صنایع دنیا که نقش تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌پذیری و سرنوشت کشورها دارد، صنعت آموزش عالی است. به همین منظور و با درک اهمیت این مسئله، بسیاری از کشورها به‌خصوص کشورهای توسعه‌یافته، سیاست‌های کلان خود را در راستای تقویت این صنعت، تدوین و تنظیم کرده‌اند. به عنوان مثال کشورهایی نظیر آمریکا، کانادا، انگلستان و استرالیا که توانسته‌اند در طی چندین سال به طور هوشمندانه استعدادها را برتر را از سراسر دنیا جذب کنند، نشانگر آینده‌پژوهی دقیق و رصد کردن درست این فرصت و به دنبال آن سیاستگذاری این کشورها در سال‌های گذشته است. در چند دهه گذشته ایران بالعکس دارای رتبه نخست در فرار مغزها بوده است. بنابراین، روشن است که اگر کشوری بخواهد در آینده جایگاه درخوری در سطح جهانی داشته باشد، بی‌شک یکی از مهمترین و اثرگذارترین حوزه‌ها، که باید بر روی آن سرمایه‌گذاری کند، آموزش عالی است. اما برای این که بتوان سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مناسبی در این زمینه انجام داد، ابتدا لازم است به شناخت و درک درستی از فضای آینده آموزش عالی دست پیدا کرد و سپس بدینوسیله بتوان فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی پیش روی آن را به درستی رصد کرد. بنابراین، تردیدی نیست که در

مجموعه مقالات و مذاکرات سمینار نقش آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی و ملی فیزیک در توسعه کشور در بهار سال جاری به همت شاخه فیزیک فرهنگستان علوم منتشر شد. در این کتاب چکیده‌ای از کلیه مباحث مطرح‌شده در سمینار با عنوان گزارش دبیر سمینار به قلم آقای دکتر محمد اخوان منتشر شده است که فرازهایی از آن جهت اطلاع و بهره‌برداری علاقمندان منتشر می‌شود:

سمینار بر محور نقش آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی، و ملی فیزیک در توسعه کشور استوار بود. در ابتدا، گزارشی از فعالیت‌های شاخه فیزیک و تاریخچه سمینارهای گذشته ارائه شد و پس از سخنرانی افتتاحیه توسط آقای دکتر یوسف ثبوتی رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، هشت سخنرانی نیم‌ساعته با موضوع‌های دانشگاه‌های آینده، و تأثیر آن بر آموزش و پژوهش فیزیک، توسط دکتر رضا مکنون؛ آیا پژوهشگران ما از کیفیت و کمیت نتایج به دست آمده در آزمایشگاه‌ها راضی هستند؟ توسط دکتر حمیدرضا خالصی‌فرد؛ چشم‌اندازها و چالش‌های فیزیک تجربی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، توسط دکتر عبدالناصر ذاکری؛ تأثیر آزمایشگاه‌های پژوهشی علمی ملی در پیشرفت کشور، توسط دکتر جواد صالحی؛ لزوم تجدیدنظر در نظام اداری آزمایشگاه‌های آموزشی و پژوهشی، توسط دکتر محمدتقی توسلی؛ آموزش آزمایشگاهی و آزمایشگاه آموزشی، توسط دکتر محمدمهدی طهرانچی؛ چگونگی توزیع آزمایشگاه‌ها در کشور و نقش آن در توسعه صنعت، توسط مهندس مجید رضازاده؛ و نقش آزمایشگاه‌های فیزیک و علوم مدارس در توسعه کشور، توسط آقای محمدمهدی صدیقی ایراد شد.

۱- عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، استاد فیزیک دانشگاه صنعتی شریف و دبیر سمینار

جهان رقابتی امروز، شناسایی جهت‌گیری آینده آموزش عالی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

در بین رشته‌های علوم، فیزیک علم شناخت بیان چیستی و چگونگی جهان پیرامون است. در این بیان مشاهده و اندازه‌گیری از اهمیت خاصی برخوردار است. اثبات‌پذیری نظریه‌ها و مدل‌های ریاضی مبتنی بر مشاهدات تجربی است. امروزه، دیگر فیزیک تنها به عنوان یک موضوع درسی برای انتقال مفاهیم و تعاریف و دارای اهداف محدود، مطرح نیست، بلکه بنا به ماهیت و نقش ارزنده‌ای که در آموزش عمومی افراد جامعه ایفا می‌کند، مسئول توسعه و تعمیق مفاهیم فیزیک، ایجاد انگیزه، پرورش تفکر انتقادی، توان استدلال و خلاقیت، تقویت زیبایی‌شناسی و نظم فکری و افزایش توان به کارگیری آموخته‌ها و ایجاد ارتباط بین آنها در دانش‌آموزان است. یکی از محتواها و فعالیت‌های گنجانده‌شده در برنامه درسی فیزیک، فعالیت‌های آزمایشگاهی و عملی است که در صورت کاربرد صحیح، می‌تواند بر یادگیری و خلاقیت فراگیران تأثیر مثبت بسیار بگذارد.

امروزه در میان همه متخصصان آموزش علوم، اعتقادی راسخ بر آن است که تدریس علوم هنگامی مؤثر و کارآمد خواهد بود که خود فراگیران، از طریق تجربیات دست اول، و آزمایش‌های مستقیم و درگیر شدن در تحقیق و حل مسئله به علم‌آموزی بپردازند. در آموزش اثربخش علوم تجربی، انجام آزمایش و فعالیت‌های عملی مناسب، یکی از ضروری‌ترین بخش‌های برنامه درسی است که علاوه بر کمک به درک عمیق مفاهیم و افزایش انگیزه فراگیران در یادگیری علوم، سبب پرورش مهارت‌های کار با ابزار، مواد و وسایل آزمایشگاهی و نیز دستیابی به سطوح بالاتر حیطه‌های شناختی و مهارت‌های کاوشگری و حل مسئله می‌شود. یکی از مسائل عمده در فیزیک کشور اینست که پس از گذشت هشتاد سال در نخستین دانشگاه کشور هنوز آزمایشگاه در آموزش یک مسئله جدی نیست.

مهمترین دغدغه ما اینست که بزرگان و دانشمندان ما مرکز قدرت ندارند که برای علم کشور تصمیم بگیرند. کانون قدرت دست سیاستمداران مثل دولت یا مجلس است. مراکز قدرت تصمیم‌گیری کشور ما در وزارتخانه‌ها تحت تأثیر این سیاست و باندبازی‌ها انجام می‌گیرد. وزیر وقت با وزیر بعدی کاملاً فرق دارد و هم دانشگاه و هم بستر عوض می‌شود، این کشنده است. در رابطه با نوآوری و ابداع یعنی وقتی که به خاطر سلاقی شخصی سیاستمداران پایداری در فرایند علم و کشور وجود نداشته باشد و حرکت علمی کشور تحت

تأثیر زیگزگی قرار بگیرد، این است که به دست‌انداز می‌افتیم. به یک کانون قوی در سطح وزارتخانه، مستقل از دیگران، برای تصمیم‌گیری نیاز است.

آزمایشگاه‌های مدارس

یکی از مهمترین عوامل مؤثر در توسعه کشور، نیروی انسانی آموزش‌دیده و متخصص و پژوهشگر در علم و فناوری است. آموزش و تربیت این افراد بر عهده مدارس و دانشگاه‌هاست. بخشی از این آموزش که نقش عمده‌ای در توسعه بر عهده دارد آموزش علوم تجربی، به‌ویژه فیزیک است که از راه عمل در آزمایشگاه آموخته می‌شود و پایه بسیاری از علوم و فناوری‌های موجود است. از راه آموزش فیزیک در آزمایشگاه است که فراگیران می‌توانند با فرایند علم‌آموزی تا سطح بالای یادگیری دست یابند و مهارت‌های مشاهده‌گری، اندازه‌گیری، طراحی، نوآوری، خلاقیت و بالاتر از همه نگرش‌های عالی انسانی چون همکاری، احساس مسئولیت، شوق کاوشگری و صرفه‌جویی را فراگیرند و برای رساندن جامعه به توسعه پایدار، تربیت و برانگیخته شوند.

تجربه‌گری و آشنایی با اندازه‌گیری از اولین مراحل آموزش باید به دانش‌آموز منتقل شود. آزمایشگاه‌های دبستانی و دبیرستانی پر خرج نیستند. تمام مدارس باید به حداقلی از امکانات آزمایشگاهی مجهز باشند و معلمان باید به صورت دوره‌ای برای ارائه قسمت‌های تجربی دروس آموزش ببینند. انجمن‌های علمی در برگزاری این دوره‌ها می‌توانند نقش بسیار مؤثری داشته باشند. وجود موزه‌های علم در آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان نیز بسیار مؤثر است. اگر بپذیریم که آموزش آزمایشگاهی، به‌خصوص در کشور ما که فرهنگ علمی در آن توسعه لازم نیافته است، توجه خاص می‌طلبد، باید برای رفع نقایص آن قدم‌های جدی برداریم. قبل از هر چیز لازم است دانش‌آموزان را در دبستان و دبیرستان با اندازه‌گیری، انجام آزمایش‌های ساده و ملموس که با امکانات موجود در اطراف دانش‌آموز انجام‌پذیر است، آشنا کنیم.

هم‌اکنون سیستم آموزشی دبیرستان‌های ما کلاً مبتنی بر محفوظات است و دانش‌آموزان هیچ‌گونه بینش عملی و مهارتی ندارند، زیرا دانش‌آموزان فقط تست می‌زنند که از سد کنکور عبور کرده تا وارد دانشگاه‌های برتر کشور شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که معلمان کمبود وقت را مهمترین دلیل برای عدم استفاده از آزمایشگاه اعلام

کرده‌اند در حالی که درصد بالایی از معلمان انجام آزمایش‌های علوم را در یادگیری خیلی زیاد مؤثر دانسته‌اند.

عدم تطبیق حجم محتوای دروس با میزان ساعات تدریس هفتگی از عوامل بازدارنده استفاده از آزمایشگاه است. همچنین، عدم ارزشیابی مؤثر از فعالیت‌های آزمایشگاهی دانش‌آموزان و عدم سیستم ارزشیابی مناسب از فعالیت‌های علمی معلمان عامل مهم بازدارنده برای استفاده از آزمایشگاه می‌باشد.

آزمایشگاه‌های آموزشی دانشگاه‌ها

اهداف اصلی آزمایشگاه‌های آموزشی فیزیک تعمیق درک بیشتر مفاهیم نظری، آشناسازی با روش‌های مطالعه تجربی و روش‌های درست اندازه‌گیری، ترغیب کار گروهی، نوشتن گزارش کار کارآمد، و آماده‌سازی دانشجویان برای انجام آزمایش‌های پیچیده‌تر است. آموزش فیزیک می‌بایست مبتنی بر مشاهدات تجربی صورت پذیرد و صرفاً پرداختن به مدل‌های نظری و ریاضی نمی‌تواند فیزیکدانانی تربیت نماید که در عرصه تولید علم در آینده موفق باشند. در این نوع از آموزش جایگاه آزمایشگاه‌های آموزشی بسیار با اهمیت و ویژه است. در دوره کارشناسی باید تأکید آموزشی بر تهیج پژوهش و قابلیت آن در ایجاد درک بهتر از خود و دنیای پیرامون باشد. این تمرکز نباید بر گردآوری دانش داده‌ای، که از طریق منابع دیجیتال به طریق فزاینده و بهتری تأمین می‌شود، قرار گیرد. بلکه باید بر آموزش ایده‌های بزرگ و چگونگی توسعه آنها قرار گیرد.

از نظر تاریخی، بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دانشگاه‌ها در تب و تاب انقلاب بودند. تغییری در آزمایشگاه‌ها از نظر اداره آنها رخ نداده بود. بعد از جنگ تحمیلی که توجه به دانشگاه جدی‌تر شد، به سبب متمرکز شدن توجهات به توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی، از توجه به اهمیت دوره کارشناسی، که زیربنای تحقیقات هدفمند و پایدار است، به شدت کاسته شد. در مورد آموزش‌های آزمایشگاهی این بی‌توجهی بیشتر بود. مریبان آزمایشگاه‌ها به تدریج بازنشسته شدند؛ تصمیم گرفته شد جایگزین نشوند. در حال حاضر اغلب اعضای هیأت علمی علاقه‌ای به کار در آزمایشگاه ندارند. زیرا در مقایسه با تدریس نظری بسیار وقت‌گیرتر است، در دسر بیشتری دارد، و اهمیت کمتری هم به آن داده می‌شود. برای رفع تکلیف، از دانش‌آموختگان کارشناسی و کارشناسی ارشدی که آموزش لازم ندیده در آزمایشگاه‌های آموزشی و پژوهشی استفاده می‌شود. اغلب

آنها در فکر ادامه تحصیلند و حجم کار آنها بسیار سنگین است. عملاً کسی مسئول جدی تأمین اعتبار برای آزمایشگاه‌های آموزشی نیست. بدتر از این، بسیاری از استادانی که آزمایشگاه‌های آموزشی را اداره می‌کنند خود آموزش دیده همین سیستم بیمار هستند.

یکی از چالش‌های اساسی ما به عنوان معلم فیزیک که قرار است نیروی انسانی تربیت کنیم که بتواند در فیزیک و هم در توسعه کشور نقش داشته باشد، مسئله آموزش است. ما در سطح دانشگاه آموزش درستی به دانشجویانمان نمی‌دهیم. دانشجو محفوظات خوبی دارد ولی از مفاهیم درکی ندارد. ما از بنیان این مشکل را داریم که فکر می‌کنیم آموزش آن چیزهایی است که در کلاس درس و بر روی تخته سیاه نوشته می‌شود. در دانشگاه صنعتی شریف، که بهترین دانشگاه در مهندسی و علوم پایه در کشور است، متأسفانه، آزمایشگاه‌ها در دانشکده فیزیک به‌صورت مدیریتی اداره می‌شود. بدین معنی که یک آسیستان آزمایشگاه را اداره می‌کند، استاد به ندرت در آزمایشگاه حضور پیدا می‌کند، اول ترم می‌آید و آخر ترم هم ممکن است آن آسیستان چند سؤال امتحانی برای آزمایشگاه تهیه کند، و بعد استاد نمره می‌دهد. این یک فاجعه است. این نحوه آموزش در آزمایشگاه‌های فیزیک کشور صدمه جبران‌ناپذیری به آموزش فیزیک و فیزیک کشور وارد نموده و اصلاح آن ضرورت دارد.

آزمایشگاه‌های پژوهشی

در آزمایشگاه‌های ما عمدتاً پروژه‌ها برای فارغ‌التحصیل کردن یک دانشجو تعریف می‌شوند. این امر نه تنها دانشجو را از کار گروهی دور می‌کند بلکه تشکیل یک گروه پژوهشی را نیز با مشکل روبرو می‌کند؛ عملاً با فارغ‌التحصیل شدن دانشجو پروژه ختم می‌شود. برای مستمر بودن فعالیت‌های یک آزمایشگاه نیاز است پروژه‌های بلندمدت در آنها جریان داشته باشد و گروه‌های پژوهشی شامل استاد، محقق پسا دکتري و دانشجو در گروه فعال باشند. طرح‌های پژوهشی باید یک روند بلندمدت داشته باشند و برای یک گروه پژوهشی تعریف شوند. در مورد حمایت صنایع از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتري تعریف یک پروژه فقط برای فارغ‌التحصیل کردن یک دانشجو همان جایی هست که به ما ضربه می‌زند و نمی‌گذارد گروه شکل بگیرد. خوب است کارها به‌صورت گروهی انجام شود که تجربیات منتقل شوند و آزمایشگاه‌ها استمرار پیدا کنند. این انتقال تجربیات به نسل بعدی یکی از الزامات اساسی است و متأسفانه فقدان آن در

ارتباط با آزمایشگاه‌هایمان محسوس است.

تحقیقات ما از نداشتن متولی پژوهش رنج می‌برد. تشکیل این ارگان و مشخص شدن وظایف روشن آن می‌تواند به صورت زیربنایی تحولی در تحقیق و توسعه کشور ایجاد نماید و از چندباره کاری‌های بی‌نتیجه که منجر به تلف شدن منابع محدود تحقیقاتی کشور می‌شود جلوگیری نماید. همچنین، ما در داوری و ارزشیابی فعالیت‌های پژوهشگران تجربی‌مان ضعف داریم. پنل‌های داوری ماهر و با تجربه نداریم و بنابراین بخش قابل توجهی از فعالیت‌های انجام شده یک پژوهشگر نادیده گرفته می‌شود.

نیروی انسانی ماهر، تجهیزات و فضای فیزیکی مناسب، منابع مالی کافی، وجود خدمات پشتیبانی کارآمد نظیر کارگاه‌های ساخت قطعات و سیستم خرید سریع از خارج و داخل کشور از عوامل عمده مؤثر بر کیفیت و کمیت نتایج به دست آمده از یک پژوهش تجربی هستند. ضعف در آموزش دانشجویان ما در آزمایشگاه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی مهارت لازم در مستندسازی یک اندازه‌گیری علمی را به آنها نمی‌دهد. این دانشجویان غالباً با مفهوم اندازه‌گیری و ثبت دقیق مراحل مختلف یک آزمایش بیگانه هستند. یکی دیگر از مشکلات اساسی آزمایشگاه‌های ما، عدم وجود یک پایگاه اطلاع‌رسانی کامل و نحوه ارائه سرویس‌دهی دستگاه‌های آزمایشگاهی در کشور است. و یکی از مشکلات دانشجویان دکتری تجربی عدم اطلاع از وجود دستگاه‌های فعال در سطح کشور است.

یک مشکل اساسی اینست که برای نمونه ۱۰۰ دستگاه XRD خریداری شده در کشور با هم تفاوت چندانی ندارند و متمم و مکمل هم نیستند، بلکه ۹۰ درصد مشابه همدیگرند. علت اصلی پراکندگی آزمایشگاهی و نیروهای تخصصی است که به ما اجازه نمی‌دهد این مسائل رفع شود. در عین حال، ما حاضریم برای خرید یک وسیله مبلغ زیادی را هزینه بکنیم - هزینه هر دستگاه XRD مبلغ یک میلیارد تومان است - ولی متأسفانه در بودجه‌ها ردیفی برای سرویس و نگهداری پیش‌بینی نشده است. این وظیفه وزارت علوم است که زمانی که بودجه‌ها را تنظیم می‌کند مسئله سرویس و نگهداری را نیز در نظر بگیرد. در آزمایشگاه‌ها همواره یک بخش، وجود خود دستگاه است و یک بخش، نیروی انسانی کارآمد است که از آن دستگاه به نحو مؤثر و مفید بهره‌برداری می‌نماید. نیروی انسانی در تکنولوژی‌های پیشرفته حرف اول را می‌زند.

مضافاً، پیشنهاد می‌شود برای دستگاه‌های پیچیده و گران‌قیمت،

مانند میکروسکوپ‌های الکترونی و نظایر آن، کمیته‌های کشوری ایجاد شود که ضمن فراهم آوردن تسهیلات ضروری برای کار مستمر این نوع دستگاه‌ها، از جمله تعمیر و تعویض قطعات اساسی، امکان خدمات‌رسانی برای پژوهشگران در سایر مؤسسات را فراهم آورند. این کمیته‌ها می‌توانند در خرید این نوع دستگاه‌ها و توزیع آنها با توجه به تراکم نیازها مفید باشند. چنین دستگاه‌هایی نباید در انحصار فردی خاص باشد.

در کنار روش‌های سنتی پژوهش نظری و تجربی، آزمایشگاه محاسباتی نیاز به توجه خاص دارد. این خیلی مهم است که ما در سطوح مختلف سیستم آموزشی، حتی در دبیرستان‌ها، موضوع جدید علم محاسباتی و آزمایشگاه‌های محاسباتی را دامن زده و اشاعه دهیم. این حوزه می‌تواند پدیده‌ها را در ابعاد فضایی و زمانی خاصی مورد مخاطب قرار دهد، که حتی برای آزمایشگر هم امکان‌پذیر نیست. البته، شبیه‌سازی را نمی‌توان رد کرد به خصوص در مسائلی که پیچیده هستند و بررسی تجربی آن مشکل یا غیرممکن است. ولی متأسفانه الان شاهد یک شبیه‌سازی‌های بسیار بدیهی هستیم. شبیه‌سازی را وقتی می‌توان پذیرفت که مربوط به یک مسئله واقعی تجربی یا نظری باشد که مطرح شده و پیچیدگی مسئله آن را توجیه کند. الان ما با اتبوهی از شبیه‌سازی‌های بدیهی یا بی‌فایده روبرو هستیم. جا دارد جامعه فیزیک کشور این معضل را آسیب‌شناسی کند. باید تأکید ما این باشد که کار نظری، تجربی و محاسباتی در یک سطح کار شود تا بتوانند با همدیگر و به هم کمک کنند.

آزمایشگاه‌های ملی

اگر یک دانشمند در یک محیط منفرد و بدون اینکه زیرساختی برای ارائه خدمات به او وجود داشته باشد قرار گیرد حتی اگر این فرد نابغه هم باشد نمی‌تواند کاری انجام بدهد. نوابغ در بستر جوامع آماده و پیشرو به وجود می‌آیند. جامعه باید زیرساخت لازم را داشته باشد یعنی باید زیرساخت لازم برای فراهم آوردن خدمات، تشویق محقق، تأمین مشتری برای آنچه محقق عرضه می‌کند، و همچنین سفارش نیازهای جامعه به محقق وجود داشته باشد. گذاشتن محققان زیر یک سقف در یک حد نصاب مطلوب، باعث ایجاد چشم‌های می‌شود که از آن چشمه علم و دانش فوران می‌کند. آزمایشگاه‌های پژوهشی ملی یک کشور منابع ملی برای ابداع و نوآوری و رشد اقتصادی آن کشور هستند.

ارتباط با صنعت

ارتباط صنعت و دانشگاه و یا به عبارت دیگر توسعه صنعت با کمک توسعه فناوری از طریق دانشگاه در کشور با مشکلات متعددی روبروست. کمبود تجهیزات مناسب در دانشگاه، طولانی بودن زمان انجام پروژه‌ها، وابستگی و علاقمندی صنعت کشور به انتقال فناوری از کشورهای صاحب فناوری، از جمله این مشکلات هستند. ضعف در تفکیک فعالیت‌های دانشگاهی یک پروژه از دیگر فعالیت‌ها و تعریف آن به صورت قابل اجرا در دانشگاه‌ها نیز یکی از مهمترین مشکلات پنهان ارتباط صنعت و دانشگاه‌هاست. اما مهمترین عاملی که موجب عدم شکل‌گیری نهادهای حرفه‌ای جهت اقدام مذکور می‌شود، پراکندگی امکانات و عناصر متخصص در سطح کشور و عدم قطب‌بندی و آمایش سرزمینی در این زمینه است.

از طرفی، صنعت ما دانش‌محور نیست. صنعت ما درگیر مهندسی کردن معکوس است. برای صنعت ما مقوله تکنولوژی مطرح نیست. صنعت ما اصولاً آن دید را ندارد که بخواهد R&D را در دانشگاه‌ها دامن بزند. مثلاً، یک پروژه ده‌ساله را حمایت کند که ممکن است در این پروژه ده‌ساله یک محصول محسوس صنعتی هم بلافاصله بیرون نیاید. تصادفی نیست که در کنار این تفکر ضد علوم پایه و ضد پژوهش‌گرایی، بلافاصله موضوع اهمیت مهندسی و پرستش بی‌محتوای صنعت و تقابل آن با علوم پایه مطرح می‌شود. این امر به خاطر حضور متغیر جدیدی در صحنه کشور است و آن هم حضور پررنگ صنایع دفاعی در نهادهای دانشگاهی است. در مورد نیروی انسانی مورد نیاز صنعت باید توجه نمود که دانشگاه وظیفه دارد متفکر تربیت کند. یعنی کسی که می‌تواند با یک روند فکری معقول مسئله‌ای را حل کند. صنایع بسیار متنوع هستند و دانشگاه نمی‌تواند دقیقاً متخصص‌های مورد نیاز هریک از این صنایع را تربیت کند. ولی در عین حال باز همین تربیت‌شده‌های دانشگاه هستند که این صنایع را می‌گردانند. نتیجه این گزارش را با این نظر همگانی شرکت‌کنندگان در سمینار به پایان می‌رساند که آزمایشگاه‌های آموزشی، پژوهشی، و ملی فیزیک نقش بسیار استراتژیک در توسعه کشور دارند. بنابراین، لازم است در این ارتباط سرمایه‌گذاری شایسته بشود و برنامه‌ریزی مدون جهت ارتقای نقش آزمایش و آزمایشگاه در آموزش در تمام سطوح و تربیت نیروی انسانی ماهر صورت گیرد. مضافاً، برای رشد پژوهش‌های به‌روز و کارآمد در توسعه علم و ارتباط با صنعت، سرمایه‌گذاری در تأسیس آزمایشگاه‌های ملی مرتبط با فیزیک قویاً توصیه می‌شود.

آزمایشگاه‌های ملی یکی از فرصت‌هایی است که امکان انجام پروژه‌های کلان مملکتی را فراهم می‌سازند. همچنین به علت در دسترس نبودن امکانات تجربی بسیار گران‌قیمت برای همه محققان، این آزمایشگاه‌ها می‌توانند زمینه دسترسی پژوهشگران را به این امکانات فراهم نمایند.

ایجاد چند آزمایشگاه ملی در نقاط مختلف کشور می‌تواند به مشکلات عدم دسترسی پژوهشگران به وسائل تجربی گران‌قیمت پایان دهد.

در پایان، شایسته است به نمونه‌های موفق جهانی در ارتباط با توسعه ملی نظری بیفکنیم. به‌طور مسلم، می‌توان از این الگوها درس گرفت. در سال ۱۹۶۰ کره جنوبی یکی از فقیرترین کشورهای دنیا به حساب می‌آمد. در حال حاضر این کشور از لحاظ GDP مرتبه چهارم را در آسیا و پانزدهم را در جهان دارا می‌باشد. این کشور همچنین نهمین صادرکننده در جهان محسوب می‌شود. تکنولوژی پیشرفته در علوم کاربردی مانند اطلاعات و مخابرات در کره جنوبی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این کشور روابط چندگانه و پروژه‌های مشترک با کشورهای مختلف را برقرار نموده است به‌طوری‌که برای مثال از سال ۱۹۹۶ تاکنون ۵۰۰۰ دانشجو در آلمان داشته است. کمیته مشترکی برای تعریف پروژه‌ها ایجاد شده و منشأ آنها مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها می‌باشند.

موفقیت‌های مشابهی را در ترکیه، تایوان، هند نیز شاهد هستیم. یا فرهنگستان علوم چین راهنمای اصلی علم و فناوری در کشور چین می‌باشد. اول با یک آرمان مهم فرهنگستان چین شکل می‌گیرد. این آرمان یا شعار شاید به ما هم بخورد، زیرا از نظر فرهنگی ما هم اشکالات زیادی داریم. روش واقع‌بینانه یکی از شعارهایشان است. یعنی خرافات، حرفه‌ای بی‌پهلو، ذهن‌های بی‌پهلو، و فکرهای بی‌پهلو باید کنار بروند. کار گروهی، یکی دیگر از شعارهای اصلیشان می‌باشد، و مهم‌تر از همه اینها ایجاد روحیه ابداعی است. برای همین است که فناوری‌شان در سطح جهان به کشورهای پیشرفته می‌رسد، چون روحیه جوانانشان روحیه ابداعی است. در سال ۱۹۴۹ درست یک ماه بعد از انقلاب چین، فرهنگستان علوم چین مسئولیت تشویق و کمک در برگرداندن دانشمندان چینی خارج از کشور را به عهده گرفت. متأسفانه در کشور ما هنوز دستور عملی نداریم که چطور دانشمندان ایرانی را به ایران برگردانیم. ما در ایران چه کار باید بکنیم که اینها به ایران برگردند.



مختصری از زندگینامه علمی دکتر علیرضا کوچکی

عضو پیوسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم

نام و نام خانوادگی: علیرضا کوچکی

تولد: ۱۳۲۶، قسا

تحصیلات

■ کارشناسی: دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۴۹

■ کارشناسی ارشد: دانشگاه ویلز بریتانیا، ۱۳۵۱

■ دکتری تخصصی: اکولوژی گیاهان زراعی، دانشگاه ویلز بریتانیا، ۱۳۵۴

مرتبه علمی

■ استاد پایه ۳۷ دانشگاه فردوسی مشهد

همکاری در امور علمی - اجرایی

■ سرپرست موقت دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۸

■ مدیر گروه علوم زراعی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد،

۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱

■ مدیر امور آموزشی دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد،

۱۳۶۲ تا ۱۳۶۳

■ مدیر گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی

مشهد، ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶

خدمات علمی - فرهنگی

دکتر علیرضا کوچکی به عنوان عضو شوراها و کمیته‌های زیر در سنوات مختلف فعالیت داشته است:

■ عضو شورای آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

■ عضو کمیته تخصصی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی

■ عضو شورای پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد

■ عضو هیأت تحریریه مجله علوم و صنایع کشاورزی

■ مدیر مسئول نشریه بوم‌شناسی کشاورزی

■ عضو کمیته زراعت و اصلاح نباتات شورای عالی برنامه‌ریزی وزرات

فرهنگ و آموزش عالی

■ عضو هیأت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد

■ عضو هیأت ممیزه مرکزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

■ عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

افتخارات و جوایز

■ کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷

■ پژوهشگر نمونه دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۶۸

■ استاد نمونه در سطح کشور، ۱۳۷۱

■ کتاب برگزیده دانشگاه‌های کشور، ۱۳۷۳

■ پژوهشگر برگزیده ملی توسط خانه کشاورزی، ۱۳۷۸

■ پژوهشگر برگزیده استان خراسان، ۱۳۸۶

■ کتاب برگزیده ششمین دوره جایزه کتاب فصل کشور، ۱۳۸۷

■ پژوهشگر ممتاز گروه کشاورزی کشور، ۱۳۸۸

■ پیشکسوت علمی برگزیده استان خراسان رضوی، ۱۳۸۸

■ کتاب برگزیده سال استان خراسان رضوی، ۱۳۸۹

■ کتاب برتر سال استان خراسان رضوی، ۱۳۹۱

■ پژوهشگر پراستناد پایگاه استنادی جهان اسلام، ۱۳۹۲

آثار و تألیفات

■ استاد علیرضا کوچکی تاکنون ۱۶ عنوان کتاب تألیف و تدوین کرده و ترجمه ۶۵ عنوان کتاب دیگر را به عهده داشته‌اند که در بین این کتاب‌ها مشارکت در تألیف چهار کتاب بین‌المللی نیز به چشم می‌خورد.

■ از دکتر کوچکی تاکنون ۲۶۸ مقاله در مجلات داخلی و ۵۰ مقاله در مجلات بین‌المللی و تعداد قابل ملاحظه‌ای مقاله به صورت سخنرانی در سمینارهای داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

■ ایشان ۱۰ طرح نیز در سطح ملی و منطقه‌ای به اجرا درآورده است.

■ استاد دکتر علیرضا کوچکی تاکنون راهنمایی ۴۱ پایان‌نامه دکتری و ۱۰۷ پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد را به عهده داشته‌اند.

انجمن علم آسیا^۱

ماده ۱: تأسیس

انجمن علم آسیا، که از این به بعد انجمن نامیده می‌شود، یک سازمان غیر انتفاعی است که با همکاری داوطلبانه کشورهای آسیایی مشروحه ذیل تأسیس شد: چین، هندوستان، اندونزی، ژاپن، جمهوری کره، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، و ویتنام.

ماده ۲: اهداف

اهداف انجمن عبارتند از:

- ایجاد جایگاه همکاری برای دانشمندان در تمام زمینه‌ها از جمله زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، علوم طبیعی، و فناوری جهت ارتقای مبادله و همکاری علمی در آسیا برای بهبود جامعه انسانی،
- ایجاد و ارتقای دیدگاه کل گرایانه برای تلفیق پیشرفت‌های نوظهور در علم و فناوری با خرد، ارزش‌ها و میراث آسیایی‌ها و تمرکز بر توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی.

ماده ۳: فعالیت‌ها

جهت نیل به اهداف فوق و تأمین منافع سازمان‌های ذیربط، انجمن امور ذیل را انجام می‌دهد:

- مسائل مورد علاقه طرفین در آسیا را شناسایی کرده و به سازمان‌های مربوط و ارگان‌های بین‌المللی، پیشنهادهای عملی ارائه می‌کند،
- اطلاعات مورد نیاز برای تمام فعالیت‌های خود را تهیه کرده و به‌صورت گسترده منتشر می‌کند،
- با مجامع علمی آسیا و سازمان‌های علمی و فناوری بین‌المللی که در جهت تعالی علم فعالیت دارند همکاری می‌کند،
- نظرات تخصصی در مسائل علمی ارائه می‌کند،
- کنفرانس سالانه، مجمع عمومی دوسالانه، اجلاس هیأت مدیره، و سایر کنفرانس‌ها و همایش‌ها را برگزار می‌کند.

ماده ۴: عضویت

عضویت در این انجمن برای سازمان‌های واجد شرایط در آسیا به شرح ذیل می‌باشد:

- سازمان واجد شرایط به نهادی اطلاق می‌شود که در زمینه‌های

انجمن علم ژاپن^۲ میزبان «کنفرانس آسیایی همکاری‌های علمی» در توکیو در خلال سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰ میلادی (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۹ شمسی) بود. هدف از برگزاری این همایش‌های سالانه، ارتقای همکاری پژوهش‌های علمی در میان کشورهای آسیایی بود. در این کنفرانس‌ها دانشمندان برجسته‌ای از کشورهای ژاپن، چین، هندوستان، اندونزی، جمهوری کره، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام شرکت داشتند. با ایجاد اعتماد میان دانشمندان این ده کشور از طریق شرکت در این همایش‌ها، لزوم تبدیل این کنفرانس‌های سالانه به مجمع دائمی و مستقل احساس شد تا بتوانند با تشریک مساعی، دانشمندان این منطقه یافته‌های پژوهشی خود را در اختیار سایر مناطق جهان بگذارند. چنین چهارچوبی می‌تواند به‌صورت پویاتری مشکلات مشترک گوناگون علم‌محور در کشورهای آسیایی نظیر مسائل جمعیتی، خدمات درمانی، غذا، آب، و انرژی را برآورده سازد.

کنفرانس‌های مورد اشاره در سال ۲۰۰۰ به کار خود خاتمه داد. در همان سال، نمایندگان ده کشور مذکور، سازمان علمی جدیدی با نام «انجمن علم آسیا» تأسیس نمودند. اولین کنفرانس این انجمن در سال ۲۰۰۱ در بانکوک برگزار شد. این کنفرانس به‌صورت چرخشی در یکی از کشورهای عضو انجمن برگزار می‌شود تا بدین ترتیب همه اعضا در امور انجمن مشارکت فعالانه داشته باشند. کنفرانس سالانه شامل جلسه مجمع عمومی، جلسه هیأت مدیره و یک سمپوزیم است که در آن دانشمندان، مهندسان، سیاستمداران و دانش‌پژوهان آسیایی به بحث و تبادل نظر می‌پردازند.

مغولستان در سال ۲۰۰۴، بنگلادش در سال ۲۰۱۱، در پی آن کامبوج، میانمار، نپال و سریلانکا در سال ۲۰۱۲، و چین تایپه در سال ۲۰۱۴ به عضویت انجمن درآمدند. تا سال ۲۰۱۴ تعداد سازمان‌های علمی عضو انجمن به ۲۹ مورد از ۱۷ کشور و منطقه رسید.

اساسنامه انجمن علم آسیا^۳

(مصوب ۱۴ مه ۲۰۰۰) - (تجدید نظر در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴)

1-Science Council of Asia
2-Science Council of Japan
3-Science Council of Asia

فرهنگی، اجتماعی، علوم طبیعی و فناوری فعالیت دارد و همین‌طور در سایر زمینه‌هایی که مرتبط با اهداف انجمن می‌باشند.

■ از میان سازمان‌های عضو از هر کشور، یک عضو ملی به عنوان سازمان نماینده تعیین می‌شود. سازمانی که به شکل مؤثری فعالیت‌های علمی در منطقه خاصی انجام می‌دهد، به عنوان عضو ملی در نظر گرفته می‌شود.

■ حداقل یک سازمان از هر کشور یا منطقه ترجیحاً باید سازمانی دولتی باشد.

■ سازمان‌های ملی و بین‌المللی دست‌اندرکار امور فرهنگی، اجتماعی، علوم طبیعی و فناوری می‌توانند در صورت تمایل به عنوان عضو ناظر در فعالیت‌های انجمن مشارکت داشته باشند.

■ عضو ملی در صورت غیبت در جلسات مجمع در دو جلسه متوالی و عدم مشارکت در فعالیت‌های انجمن در خلال چهار سال، از عضویت محروم می‌شود.

■ عضو ملی می‌تواند با سازمان دیگری از همان کشور یا منطقه جایگزین شود.

■ در صورتی که تعداد اعضای ملی انجمن به پنج نفر یا کمتر برسد، انجمن منحل خواهد شد.

ماده ۵: کنفرانس سالانه

■ این کنفرانس هر سال برگزار خواهد شد و میزبانی آن را یک یا چند سازمان عضو این انجمن در یک کشور یا منطقه بر عهده خواهند داشت.

■ جلسه مجمع انجمن در زمان برگزاری کنفرانس، تشکیل می‌شود و اعضای هیأت مدیره در آن شرکت می‌کنند.

ماده ۶: مجمع عمومی

■ مجمع بالاترین رکن تصمیم‌گیری انجمن می‌باشد و جلسات آن هر دو سال یکبار در زمان برگزاری کنفرانس تشکیل می‌شود.

■ مجمع مرکب از نمایندگان سازمان‌های عضو می‌باشد.

■ انجمن امور ذیل را در مجمع انجام می‌دهد:

■ از میان اعضای مجمع یک رئیس، یک معاون، یک رئیس منتخب، یک دبیر کل / خزانه‌دار را انتخاب می‌کند،

■ متمم‌ها و دستورالعمل‌های داخلی انجمن را تصویب می‌کند،

■ گزارش سالانه و صورت‌حساب را از هیأت مدیره دریافت می‌کند،

■ میزبان کنفرانس را تعیین می‌کند،

■ با حضور اعضای حاضر در جلسه، با اجماع تصمیم‌گیری می‌کند.

ماده ۷: جلسات هیأت مدیره

■ هیأت مدیره حداقل یکبار در سال جلسه دارد.

■ هیأت مدیره متشکل از یک نماینده از هر عضو ملی و دبیر کل / خزانه‌دار است.

■ هیأت مدیره به امور ذیل می‌پردازد:

■ بر حسب نیاز کمیته‌هایی برای انجام فعالیت خود ایجاد می‌کند،

■ مقررات و دستورالعمل‌ها را تدوین می‌کند،

■ برنامه کاری و بودجه انجمن را تنظیم می‌کند که شامل کمک‌ها و هزینه‌های گسترش فعالیت‌های انجمن (مانند سمپوزیوم‌ها، سمینارها و غیره) می‌شود که توسط اعضا به اجرا درمی‌آید،

■ فعالیت‌های قبلی را بررسی کرده، گزارش سالانه را تهیه نموده و صورت‌حساب‌های مالی را از دبیر کل / خزانه‌دار، مطابق بند ۵-۶ دستورالعمل داخلی، برای ارائه به مجمع عمومی دریافت می‌کند،

■ در مورد هر یک از درخواست‌های عضویت تصمیم‌گیری می‌کند،

■ تمام پیشنهادها یا بیانیه‌ها را قبل از انتشار تصویب می‌کند،

■ با حضور اعضای حاضر در جلسه با اجماع تصمیم‌گیری می‌کند،

■ اعضای هیأت مدیره، به استثنای مدیران، در یک دوره دو ساله خدمت می‌کنند که این دوره در پایان جلسه مجمع شروع شده و تا تشکیل مجمع بعدی ادامه دارد.

ماده ۸: مدیران

■ مدیران شامل چهار مورد ذیل می‌شوند: رئیس، معاون، دبیر کل / خزانه‌دار، و رئیس اسبق یا رئیس منتخب.

■ اصولاً مدیران در یک دوره دوساله خدمت خواهند کرد که در پایان مجمعی که در آن انتخاب شده‌اند، شروع شده و در مجمع بعدی به اتمام می‌رسد.

ماده ۹: دبیرخانه

■ دبیرخانه در محل انجمن علم ژاپن ۵ تأسیس خواهد شد. وظیفه دبیرخانه کمک به انجام امور انجمن و هیأت مدیره می‌باشد. دبیر کل / خزانه‌دار، مسئولیت اداره دبیرخانه را بر عهده دارد.

ماده ۱۰: امور مالی

■ هزینه‌های ضروری انجمن را انجمن علم ژاپن، میزبان، و اعضا مشترکاً به‌صورتی که در دستورالعمل داخلی مشخص شده است، تأمین خواهند کرد.

۴- مفهوم «ملی» در این اساسنامه و دستورالعمل‌های داخلی انجمن صرفاً به مفهوم عضو پذیرفته‌شده با توجه به متدرجات ماده ۲-۴ اساسنامه می‌باشد.



آکادمی علوم و ادبیات نروژ^۱

مؤسسات خود نیز تأمین می شود که برای مقاصد خاصی اختصاص داده می شوند.

فعالیت های کلی

آکادمی به عنوان رکن ارتباطی ملی، هم در رشته های علمی به صورت جداگانه و هم مابین آنها عمل می کند و نماینده علم نروژ در ارتباط با آکادمی های کشورهای دیگر و سایر سازمان های علمی بین المللی می باشد. وظایف آکادمی به شرح ذیل می باشند: اجرا و حمایت از پژوهش، برگزاری گردهمایی ها و کنفرانس های بین المللی، انتشار آثار علمی و تعیین نماینده برای نهادهای ملی و بین المللی. آکادمی هر سال به طور منظم دوازده همایش برگزار می کند که عناوین آنها مرتبط با رشته های مختلف علمی است. شرکت عموم مردم در این همایش ها آزاد است. از سال ۱۹۸۵ م، آکادمی با کمپانی نفتی استات اویل در برنامه ویستا^۲ که پژوهش های بنیادی مرتبط با نفت خام را پوشش می دهد، همکاری دارد.

اعضای آکادمی

آکادمی علوم و ادبیات نروژ ۲۵۰ کرسی برای اعضای نروژی و ۱۶۰ کرسی برای اعضای خارجی دارد. کرسی عضویت در صورت فوت عضو یا رسیدن سن او به هفتاد سالگی خالی می شود. اعضای که به سن هفتاد سالگی می رسند، تمام حقوقشان محفوظ است و همچنان عضو کامل باقی می مانند.

آکادمی علوم و ادبیات نروژ در سال ۱۸۵۷ میلادی تأسیس شد. این آکادمی ارگانی غیر دولتی و ملی است که تمام رشته های علمی را در بر دارد و هدف اصلی آن حمایت از پیشرفت علم و دانش در کشور نروژ می باشد. آکادمی دارای اعضای نروژی، خارجی و افتخاری است. کرسی عضویت در صورت فوت عضو یا رسیدن سن او به هفتاد سالگی خالی می شود. فقط اعضای آکادمی مجاز به معرفی کاندیدها برای عضویت هستند. عضویت مبتنی بر دستاوردهای علمی کاندیدها می باشد. حوزه فعالیت اعضا به دو بخش تقسیم می شود: «ریاضیات و علوم طبیعی» و «علوم انسانی و اجتماعی». هر یک از این دو بخش نیز به هشت گروه تقسیم می شوند.

ارکان مدیریتی

مجمع عمومی بالاترین رکن آکادمی می باشد. هیأت رئیسه آکادمی متشکل از رئیس آکادمی، دبیرکل آکادمی، معاون آکادمی، و نیز رؤسا، معاونان و دبیران دو بخش آکادمی می باشد. مسائل مهم کاری برای تصمیم گیری در اختیار هیأت رئیسه قرار می گیرند.

امور مالی

مجلس نروژ، بودجه سالانه اصلی آکادمی علوم و ادبیات نروژ را تخصیص می دهد. علاوه بر این، آکادمی از صندوق یادواره نیلز هنری ابل^۳، کمپانی نفتی استات اویل^۴، بنیاد نانسن^۵ و وزارت آموزش و پژوهش^۶ نیز کمک مالی دریافت می کند. همچنین بودجه آکادمی از

1-The Norwegian Academy of Science and Letters
2-Niels Henrik Abel Memorial Fund
3-Statol
4-Nansen Foundation
5-Ministry of Education and Research
6-VISTA program

آکادمی به دو بخش تقسیم می‌شود

■ **بخش ریاضیات و علوم طبیعی شامل** «مطالعات ریاضی»، «اخترشناسی، فیزیک و ژئوفیزیک»، «مطالعات ژئوفیزیکی»، «شیمی»، «زیست‌شناسی»، «زیست‌شناسی سلولی و مولکولی»، «علوم پزشکی» و «مطالعات فناوری».

■ **بخش علوم انسانی و اجتماعی شامل** «تاریخ»، «فرهنگ و مطالعات هنر شناختی»، «تاریخ ایده‌ها»^۷، «ادبیات تطبیقی»، «لغت‌شناسی و زبان‌شناسی»، «حقوق»، «مطالعات اجتماعی (شامل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و اقتصاد)» و «تاریخ دین و الهیات».

انتشارات

سالنامه

■ سرگذشت اعضای متوفی

■ مجموعه مراسم بزرگداشت فریدجف نانسن^۸

■ نشریه جانورشناسی^۹ توسط انتشارات وایلی-ایلکول^{۱۰} به نمایندگی از طرف آکادمی علوم و ادبیات نروژ و آکادمی علوم سلطنتی سوئد^{۱۱} چاپ می‌شود.

■ نشریه فیزیک^{۱۲} مشترکاً و با همکاری نهادهای مورد اشاره ذیل به طبع می‌رسد: آکادمی علوم و ادبیات نروژ-انجمن فیزیک نروژ^{۱۳}، آکادمی علوم و ادبیات سلطنتی دانمارک^{۱۴}، انجمن فیزیک دانمارک^{۱۵}، هیأت آکادمی‌های علوم و ادبیات فنلاند^{۱۶}، انجمن‌های فیزیک فنلاند^{۱۷}، انجمن علمی ایسلند^{۱۸}، انجمن فیزیک ایسلند^{۱۹}، آکادمی سلطنتی علوم سوئد، انجمن فیزیک سوئد^{۲۰}.

■ آثار مهم ریاضیات، علوم طبیعی، علوم پزشکی و کاربردی

■ رساله‌های ریاضیات، علوم طبیعی، علوم پزشکی و کاربردی

■ آثار مهم علوم انسانی و اجتماعی

■ رساله‌های علوم انسانی و اجتماعی

جوایز علمی

جایزه آبل

جایزه آبل مبلغ شش میلیون کرون نروژ (در حدود ۸۰۰,۰۰۰ یورو) می‌باشد و هر سال توسط آکادمی علوم و ادبیات نروژ اهدا می‌شود. این جایزه، جایزه‌ای بین‌المللی است که به آثار علمی برجسته در زمینه ریاضیات، شامل ابعاد ریاضی علم کامپیوتر، فیزیک ریاضی، احتمالات، آنالیز اعداد و محاسبات علمی، آمار و همچنین کاربرد ریاضیات در علوم تعلق می‌گیرد. جایزه مذکور از دستاوردهایی

که تأثیری عمیق در علوم ریاضی دارند، تقدیر می‌کند. چنین دستاوردهایی باید مسائل بنیادی را حل کرده، تکنیک‌های قوی جدیدی را ایجاد و اصول وحدت‌بخشی را معرفی نموده و یا زمینه‌های مهم و جدید پژوهشی را به وجود آورده باشند. انتظار می‌رود که به مرور زمان این جوایز به طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مرتبط با علوم ریاضیات اعطا شود. جایزه آبل علاوه بر ارج نهادن به ریاضیدانان برجسته، به بالابردن سطح ریاضیات در جامعه کمک می‌کند و علاقه به ریاضیات را در کودکان و جوانان برمی‌انگیزد.

جایزه کاولی^{۲۱}

جایزه کاولی مشترکاً توسط آکادمی علوم و ادبیات نروژ، بنیاد کاولی (در ایالات متحده آمریکا)^{۲۲} و وزارت آموزش و پژوهش نروژ اهدا می‌شود. این جایزه از دانشمندان برای پیشرفت‌های تأثیرگذارشان در سه زمینه پژوهشی اخترفیزیک، علوم نانو و علوم اعصاب^{۲۳} تقدیر می‌کند. جایزه کاولی مبلغ یک میلیون دلار آمریکا برای هر یک از رشته‌های علمی فوق می‌باشد. برندگان جایزه علاوه بر مبلغ مذکور، یک لوح تقدیر و یک مدال طلا نیز دریافت می‌کنند. آکادمی علوم و ادبیات نروژ هر دو سال یک بار، طی مراسمی در شهر اسلو، این جایزه را اعطا می‌کند. جایزه کاولی با اهداف ذیل بنا شده است: تقدیر از پژوهش علمی برجسته، تجلیل از دانشمندان بسیار خلاق، ارتقای درک عمومی نسبت به دانشمندان و آثارشان و تقویت همکاری بین‌المللی میان دانشمندان. در سال ۲۰۰۵ م، توافقنامه ایجاد جایزه کاولی توسط فرد کاولی^{۲۴}، بنیانگذار بنیاد کاولی، کریستین کلمت^{۲۵}، وزیر آموزش و پژوهش نروژ و ژان فریدجف برنت^{۲۶}، رئیس آکادمی علوم و ادبیات نروژ، منعقد شد. این جایزه اولین بار در سال ۲۰۰۸ م. اهدا شد.

حوزه‌های علمی جایزه

جایزه کاولی بر علم بزرگترین ابعاد فیزیکی مکان و زمان، علم کوچکترین ابعاد سیستم‌های اتم‌ها و مولکول‌ها و علم پیچیده‌ترین سیستم‌ها خصوصاً ارگانیسم‌های زنده، تأکید می‌ورزد. جایزه کاولی در اخترفیزیک به دستاورد برجسته‌ای که به ارتقای دانش و درک ما از مبدأ، تکامل و خواص جهان کمک کند، اعطا می‌شود. این جایزه به رشته‌های ذیل تعلق می‌گیرد: کیهان‌شناسی، اخترفیزیک، اخترشناسی، علم سیارهای، فیزیک خورشیدی، علم مکان، اختر زیست‌شناسی، ابزارشناسی نجومی و

7-History of ideas

8-Fridtjof Nansen

9-Zoologica Scripta

10-Wiley-Blackwell

11-The Royal Swedish Academy of Sciences

12-Physica Scripta

13-Norwegian Physical Society

14-The Royal Danish Academy of Sciences and Letters

15-Danish Physical Society

16-Finnish Academies of Science and Letters

17-Finnish Physical Societies

18-Icelandic Scientific Society

19-Icelandic Physical Society

20-Swedish Physical Sciences

21-Kavli Prize

22-Kavli Foundation (US)

23-neuroscience

24-Fred Kavli

25-Kristin Clemet

26-Jan Fridthjof Bernt

اختر فیزیکی، و اختر فیزیک ذره.

جایزه کاولی در علم نانو به دستاورد برجسته در زمینه‌های ذیل اعطا می‌شود:

علم و کاربرد خواص فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی منحصر به فرد ساختارها و سیستم‌های اتمی، مولکولی، درشت مولکولی و سلولی در مقیاس نانومتر شامل خودگردمایی مولکولی، مواد نانو، ابزارهای مقیاس نانو، نانوبیوتکنولوژی، سنتز درشت مولکولی، مکانیک‌های مولکولی و موضوعات وابسته.

جایزه کاولی در علوم اعصاب به دستاورد برجسته‌ای که به ارتقای دانش و درک ما از مغز و سیستم عصبی کمک کند، اعطا می‌شود. این جایزه به رشته‌های ذیل تعلق می‌گیرد:

علوم اعصاب مولکولی، علوم اعصاب سلولی، سیستم‌های علوم اعصاب، ژنتیک مغز و اعصاب، علوم اعصاب تکاملی، علوم اعصاب شناختی، علوم اعصاب محاسبه‌ای و دیگر ابعاد مربوط به مغز و سیستم عصبی.

■ انتخاب برندگان جایزه کاولی

آکادمی علوم و ادبیات نروژ سه کمیته جایزه را پس از دریافت توصیه‌های آکادمی‌ها و سازمان‌های علمی بین‌المللی ذیل، تعیین می‌کند: «آکادمی علوم چین»، «آکادمی علوم فرانسه»، «انجمن ماکس پلانک»^{۲۷} (آلمان)، «آکادمی ملی علوم آمریکا»، «آکادمی علوم و ادبیات نروژ» و «انجمن سلطنتی لندن». کمیته‌های جایزه، کاندیداهای پیشنهادی را بررسی می‌کنند و پیشنهادهای خود را به هیأت رئیسه آکادمی علوم و ادبیات نروژ ارائه می‌دهند. رئیس آکادمی، برندگان جایزه را اعلام می‌کند.

برنامه ویستا- مشارکتی استثنایی

ویستا برنامه پژوهشی بنیادی است که بودجه آن توسط کمیته نفتی استات اوایل تأمین می‌شود و با همکاری نزدیک آکادمی علوم و ادبیات نروژ اجرا می‌شود. برنامه ویستا در سال ۱۹۸۵ م. پایه‌گذاری شد تا همکاری میان کمیته نفتی استات اوایل و محافل دانشگاهی نروژ را ارتقا بخشد و ظرفیت و کیفیت علم در زمینه‌های مورد علاقه خاص در صنعت نفت و گاز را تقویت کند. زمینه‌های اولویت عبارتند از: «اکتشاف»، «بهبود استخراج نفت»، «پالایش نفت و گاز»، «محیط‌زیست» و «فناوری زیستی». اهداف این برنامه عبارتند از: «یجاد ارتباط چندرشته‌ای و کارآمد میان کمیته نفتی استات اوایل و نهادهای پژوهشی بنیادی نروژ از طریق آکادمی علوم و ادبیات نروژ».

«ترغیب و تشویق دانشمندان نروژی و نهادهای پژوهشی بنیادی در حوزه‌های اولویت‌دار» و «حصول اطمینان از سازماندهی کارآمد و وجود منابع انسانی با کفایت در پروژه‌های پژوهشی بنیادی». هیأت مدیره ویستا به اتفاق نمایندگانی از آکادمی علوم و ادبیات نروژ و کمیته نفتی استات اوایل، رهبری برنامه ویستا را بر عهده دارند. ویستا توسط مدیر برنامه کمیته نفتی استات اوایل و یک هماهنگ‌کننده از آکادمی علوم و ادبیات نروژ اداره می‌شود. هیأت مدیره ویستا در خصوص پژوهشگران و یا گروه‌های پژوهشی که کمک مالی دریافت می‌کنند و نیز پروژه‌هایی که باید به اجرا درآیند، تصمیم‌گیری می‌کند و مستقیماً برای آنها دعوتنامه همکاری ارسال می‌نماید. هر حوزه پژوهشی توسط یک کمیته علمی مرکب از یک رئیس شاخه از کمیته نفتی استات اوایل و یک عضو هیأت رئیسه از آکادمی علوم و ادبیات نروژ، رهبری می‌شود.

مرکز مطالعات پیشرفته^{۲۸} در آکادمی علوم و ادبیات نروژ

مرکز مطالعات پیشرفته واقع در آکادمی علوم و ادبیات نروژ مؤسسه پژوهشی بنیادی می‌باشد که وظیفه تأمین منابع مورد نیاز برای پیشرفت علمی پژوهشگران خلاق برجسته را بر عهده دارد. هر سال، مرکز فوق میزبان سه گروه پژوهشی مشابه در زمینه‌های ذیل می‌باشد: علوم طبیعی نظری، علوم اجتماعی / حقوق، و علوم انسانی. هر گروه متشکل است از پژوهشگران سرشناس نروژی و یا خارجی که برای گذراندن یک دوره مطالعاتی یک ساله به این مرکز دعوت شده‌اند.

کمیته پزشکی جغرافیایی^{۲۹}

پزشکی جغرافیایی، علم تأثیر محیط‌زیست بر سلامت انسان‌ها و حیوانات می‌باشد. عبارت «جغرافیای پزشکی^{۳۰}» نیز گاهی برای این علم به کار می‌رود. کمیته اطلاعات و پژوهش در پزشکی جغرافیایی^{۳۱} در سال ۱۹۸۴ م. توسط پروفیسور یول لاگ^{۳۲}، استاد دانشکده کشاورزی نروژ^{۳۳}، تأسیس شد. وی در آن زمان، رئیس آکادمی علوم و ادبیات نروژ بود. کمیته مذکور، چند رشته‌ای است و دارای نمایندگانی از رشته‌های تخصصی مانند پزشکی، دامپزشکی، شیمی، زمین‌شناسی و علم خاک می‌باشد. همچنین این کمیته، شورای بودجه پزشکی جغرافیایی را زیر نظر آکادمی علوم و ادبیات نروژ تشکیل می‌دهد.

مترجم: مرجان شجاعی

منبع: <http://english.dnva.no/>

27-The Max Planck Society
28-Centre for Advanced Study
29-Geomedicine
30-Medical Geology
31-The Committee for Information and Research in Geomedicine
32-Jul Lag
33-Norwegian College of Agriculture



فرهنگ، فلسفه و علوم انسانی

اثر دکتر رضا داوری اردکانی

انتشارات سخن: چاپ اول: شهریور ۱۳۹۳

کتاب «فرهنگ، فلسفه و علوم انسانی» مجموعه گفتگوهای آقای دکتر رضا داوری اردکانی در سه سال اخیر با بعضی دوستان و روزنامه‌نگاران و اهالی فرهنگ و رسانه است. پیش از این نیز دو کتاب دیگر حاصل مجموعه گفتگوهای ایشان با عناوین «عقل و زمانه» و «نگاهی نو به سیاست و فرهنگ» توسط انتشارات سخن به چاپ رسیده است. این مجموعه نیز متضمن پاسخ به پرسش‌های گوناگون جمعی از فضلا و نویسندگان در باب مسائل زمان و زندگی در این کشور است چنانکه نویسنده در مقدمه کتاب تأکید می‌کند: «من و همسخنانم به آنچه امروز می‌آید و فردا کهنه می‌شود و می‌رود نپرداخته‌ایم».

کتاب «فرهنگ، فلسفه و علوم انسانی» مشتمل بر ۲۰ مصاحبه است که ۶ مصاحبه پیشتر در دفتری به نام «فلسفه در روزگار فروبستگی» به چاپ رسیده است. دیگر مصاحبه‌ها در مجلات، روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف کشور چاپ و منتشر شده است. عناوین گفتگوها عبارتند از: «یاد گذشته در محضر دوستان»، «زندگی، شعر و فلسفه»، «علم و اخلاق»، «آزادی قبل از قانون و آزادی بعد از قانون»، «داوری در ترازوی داوری»، «فلسفه دینی و فلسفه اسلامی»، «سیاستمداری و روشنفکری»، «مسائل زمان در نامه فرهنگ».

«بحثی در باب پایان تاریخ روشنفکری دینی»، «وضع فلسفه، علوم انسانی و فرهنگ در ایران»، «فلسفه در یک نگاه»، «فلسفه ایرانی»، «فلسفه معاصر ایران»، «علوم انسانی جدید در ایران»، «آسیب‌شناسی علوم انسانی»، «افق‌های پیش‌رو»، «فلسفه ورزش»، «فوتبال در جهان و ایران»، «مسئله‌ای به نام کی‌رایت و انتخاب سوم» و «یاد دوست (یاد مرحوم آقای دکتر حسن حبیبی)».

استاد داوری اردکانی در بخشی از مقدمه کتاب می‌نویسد: «من سعی کرده‌ام اگر از سیاست و روشنفکری و علوم انسانی و ورزش و تعلیم و تربیت و ... می‌گویم، بی‌تکلف باشم و مسائل را چنانکه هست و در چشمان می‌آید و نه به صورتی که در اوهام نقش بسته است ببینم و آنها را از حجاب‌های ضخیم توهم که در آنها پیچیده شده است تا حدی که می‌توانم بیرون آورم. ما در مورد فلسفه و عقل و پیشرفت و علم و پژوهش و بخصوص علوم انسانی گرفتار تصدیق‌های بالاتر هستیم و خطر بزرگ آن است که می‌خواهیم این مسائل و به‌طور کلی مسئله حقیقت را در کوچه و خیابان و با تصدیق و تأیید همگانی حل کنیم. درک کوچه و خیابان اهمیت دارد اما ملاک و میزان همه چیز نیست؛ کوچه و خیابان باید سالم باشد و بکوشیم پاکیزگی‌اش حفظ شود. ولی مسائل عقل و علم و تاریخ را باید در زاویه‌های تفکر و دانایی تحقیق و حل کرد».

رئیس فرهنگستان علوم در بخش دیگری از مقدمه آورده است: «مطالبی که در این دفتر آمده است، دشوار نیست، اگر کسانی آن را دشوار می‌یابند این دشواریایی به عادات فکری ما بازمی‌گردد. ما دوست نمی‌داریم ساده باشیم و به سادگی با امور و قضایا مواجه شویم، بلکه از هر چیزی تصویری می‌سازیم و با تصورات خود مشغول می‌شویم. مثلاً اگر از ما در باب علم یا روشنفکری می‌پرسند چشمان را باز نمی‌کنیم که ببینیم علم چیست و کجاست و چه می‌کند و روشنفکر کیست، بلکه با تصویری که از علم و روشنفکری داریم در باب علم موجود و گذشته حکم می‌کنیم».

فلسفه سخن خلاف‌آمد عادت است. این سخن اگر دشواری دارد، دشواریش را به ذات سخن نسبت نباید داد بلکه چون عادت آن را بر نمی‌تابد دشوار می‌نماید. من در این گفتگوها بر وفق روش و رویه خود سعی کرده‌ام که چشم باز کنم و مستقیماً به سوی اشیاء و قضایا بروم و آنچه را می‌بینم و می‌یابم گزارش کنم. به این جهت است که فکر می‌کنم سخنم ساده است. امیدوارم پر اشتباه نکرده باشم».



سیاست و فرهنگ

زیر نظر: دکتر رضا داوری اردکانی

جلد سوم و آخرین جلد از مجموعه میزگردهای مجله نامه فرهنگ با عنوان «سیاست و فرهنگ» زیر نظر دکتر رضا داوری اردکانی به چاپ رسید. پیشتر مشروح مباحث ۳۴ جلسه میزگرد مجله نامه فرهنگ در دو کتاب با عناوین «نگاهی نو به فلسفه و فرهنگ» و «فرهنگ و کارآمدی» توسط انتشارات سخن به چاپ رسیده و جلد سوم که به تازگی توسط این انتشارات روانه بازار شده است، «سیاست و فرهنگ» نام دارد که مشتمل بر مشروح مباحث و مذاکرات صورت گرفته در ۱۶ جلسه میزگرد دیگر مجله نامه فرهنگ است که با حضور استادان و صاحب نظران کشور طی مدت ۱۵ سال سردبیری استاد داوری اردکانی در مجله نامه فرهنگ برگزار شده است.

این سه جلد کتاب را می توان «دایرةالمعارف کوچک فرهنگ زمان» قلمداد کرد و حاصل تضارب آراء صاحب نظرانی است که در مورد مسائل مختلف فلسفی، تاریخی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران و جهان به بحث و گفتگو پرداخته اند.

عناوین جلسات گفتگو و اسامی صاحب نظران حاضر در جلسات میزگردی که در جلد جدید منتشر شده است عبارتند از:

■ فرهنگ و تمدن اسلامی (بهار ۱۳۷۲، آقایان دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر فتح الله مجتبیایی، دکتر جلال الدین مجتبیوی، دکتر مهدی محقق، دکتر سیدمصطفی محقق داماد و رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و روابط بین الملل (تابستان و پاییز ۱۳۷۳، آقایان سید مجتبی رویین تن، دکتر محمود سریع القلم، محمدعلی شعاعی، دکتر یحیی کمالی پور، دکتر محمدجواد لاریجانی، دکتر مهدی محسنیان زاده، دکتر علینقی مشایخی، دکتر احمد نقیبزاده و رضا داوری اردکانی)

■ دین و دنیا (زمستان ۱۳۷۳، آقایان آیت الله صادق لاریجانی، دکتر سیدجلال الدین مجتبیوی، سیدمحمد آوینی، محمدعلی شعاعی، مسعود ترقی جاه و رضا داوری اردکانی)

■ اسلام و غرب (بهار ۱۳۷۴، آقایان دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر حسین توکلی، دکتر هرمان لندوت، دکتر رضا شعبانی و رضا داوری اردکانی)

■ فلسفه و فرهنگ (تابستان ۱۳۷۴، آقایان آیت الله سید محمد خامنه ای، حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر غلامرضا اعوانی و رضا داوری اردکانی)

■ سیاست و فرهنگ (زمستان ۱۳۷۴، آقایان دکتر محمدجواد لاریجانی، دکتر فرهنگ رجایی، دکتر غلامعلی خوشرو، محمدعلی شعاعی و رضا داوری اردکانی)

■ سکولاریسم و فرهنگ (بهار ۱۳۷۵، آقایان سیدمحمد آوینی، حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد احمدی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعلی حداد عادل، رضا داوری اردکانی و خانم دکتر ماهرزاده)

■ خلاقیت و فرهنگ (تابستان ۱۳۷۵، آقایان سیدمحمد آوینی، بهروز افخمی، دکتر غلامعلی افروز، دکتر محمود سریع القلم، دکتر علی شریعتمداری، محمدعلی شعاعی، مهندس هاشمی و رضا داوری اردکانی)

■ پلورالیسم و فرهنگ (زمستان ۱۳۷۵، آقایان دکتر غلامعلی حدادعادل، دکتر محسن خلیجی، دکتر غلامعلی خوشرو، دکتر احمد نقیبزاده، حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد و رضا داوری اردکانی)

■ خرد و سیاست (تابستان و پاییز ۱۳۷۸، آقایان دکتر علیرضا بهشتی، دکتر محسن کدیور، دکتر ولی رضا نصر، دکتر احمد نقیبزاده، محمد علی شعاعی و رضا داوری اردکانی)

■ زبان و فرهنگ (زمستان ۱۳۸۰، آقایان دکتر کوروش صفوی، دکتر

محمد دبیرمقدم، دکتر لطف‌الله یارمحمدی، دکتر رضا نیلی‌پور، دکتر سیدعلی میردامادی و رضا داوری اردکانی)

■ تاریخ و فرهنگ (بهار ۱۳۷۹، آقایان دکتر صادق آینه‌نوند، دکتر احسان اشراقی، دکتر رضا شعبانی، دکتر عبدالحسین نوایی، دکتر شهرام یازوکی و رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و تکنولوژی (زمستان ۱۳۸۱، آقایان دکتر محمدحسین سلیمی، دکتر فتح‌الله مضطرزاده، دکتر رضا مکنون، دکتر مسعود شفیعی، دکتر شهرام یازوکی، دکتر شاپور اعتماد و رضا داوری اردکانی)

■ قانون و فرهنگ (تابستان ۱۳۸۲، آقایان دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد، دکتر یوسف مولایی، دکتر کامبیز نوروزی و رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ و هنر (زمستان ۱۳۸۲، آقایان دکتر مهدی حجت، دکتر سیدمحمدرضا بهشتی، دکتر پرویز ضیاءشهبانی، دکتر محمد ریخته‌گران و رضا داوری اردکانی)

■ فرهنگ، فلسفه و تفکر (بهار ۱۳۸۳، آقایان دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر پرویز ضیاءشهبانی و رضا داوری اردکانی)

کتاب «سیاست و فرهنگ» در شهریور سال ۱۳۹۳ در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و در ۷۸۴ صفحه به چاپ رسیده است.

در مجموع ۵۰ میزگرد مجله نامه فرهنگ در سه جلد کتاب با عناوین «گاهی نو به فلسفه و فرهنگ»، «فرهنگ و کارآمدی» و «سیاست و فرهنگ» زیر نظر دکتر رضا داوری اردکانی، در ۲۴۰۰ صفحه در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ توسط انتشارات سخن منتشر شده است.



خرد گفتگو

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی^۱

کتاب «خرد گفتگو» مجموع درس‌گفتارهای آقای دکتر ابراهیمی دینانی در دانشگاه‌های مختلف و در موضوعات هستی‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و عرفان است. علاوه بر موضوعات فوق، بخش هفتم این کتاب با عنوان دین‌شناسی به مباحثی چون «در باب دین و اخلاق» و «احکام شرعی، لطفی است در واجبات عقلی» می‌پردازد. در بخش‌های پیش‌گفته موضوعات مختلف فلسفی از مباحث وجود و ماهیت گرفته تا نور و وحدت و کثرت، ذات و اجباب‌الوجود، حدوث و قدم، تشخیص عالم، کیفیت علم و کلام خداوند، زمان، خیال، زبان، رابطه نفس و بدن، خودشناسی، خواب و شهود ... پرداخته شده است. آنچه این کتاب را از دیگر آثار مؤلف متمایز می‌کند، ساختار کاملاً دیالوگی کتاب است به این نحو که سراسر کتاب به صورت دیالوگ‌های استاد و دانشجویان تنظیم شده است. این کتاب

توسط آقایان «سجاد نورعلیان» و «پویان پروین» تنظیم و همراه با مقدمه‌ای از دکتر دینانی، توسط نشر هرمس روانه بازار نشر شده است. استاد دینانی در بخشی از مقدمه کتاب می‌نویسد:

«برخی از بزرگان، تقوای زبان را در طرح پرسش دیده‌اند و چنین می‌اندیشند که برای پی‌بردن به هویت و شخصیت یک فرد، باید نوع سؤال‌ها و چگونگی پرسش‌های او را مورد بررسی قرار داد. انسان به همان اندازه که مسئول است و مورد پرسش قرار می‌گیرد، پرسش‌کننده نیز به شمار می‌آید. مسئولیت و مورد پرسش واقع شدن، از ویژگی‌های انسان است و البته به همین دلیل که انسان تنها موجود مسئول در این جهان شناخته می‌شود، تنها موجود پرسش‌کننده نیز به شمار می‌آید. انسانی که پرسش ندارد، پاسخ نیز نخواهد داشت. پاسخ از جایی می‌آید که پرسش از آنجا سرچشمه می‌گیرد».

ایشان ادامه می‌دهد: «صاحب این قلم از این توفیق برخوردار بوده که کار تدریس را به عهده داشته باشد و سال‌های بسیار به کار آموزش بپردازد. در این سال‌ها که به کار تدریس اشتغال داشته‌ام، همواره کوشیده‌ام که از روش گفتگو و پرسش و پاسخ استفاده کنم و این شیوه پسندیده را زنده نگاه دارم. تردیدی وجود ندارد که این سبک و اسلوب در ذهن دانشجویان جای گرفته و آنها نیز با اعمال همین روش، این طریقه را زنده نگاه می‌دارند. فقط در سال گذشته بود که دو تن از دانشجویان علاقه‌مند به نام آقایان پویان پروین و سجاد نورعلیان در این اندیشه شدند که برخی از کلاس‌ها را ضبط کنند و پس از

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد فلسفه دانشگاه تهران

پیاپاده شدن و انجام ویرایش، آنها را به طبع رسانند. آنچه در این دفتر آمده، حاصل تلاش و کوشش این دانشجویان است و اگر کوشش آنها نبود، این کار صورت نمی پذیرفت».



حقوق بین الملل؛ رهیافتی اسلامی

آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد

کتاب «حقوق بین الملل؛ رهیافتی اسلامی» تألیف آقای دکتر سید مصطفی محقق داماد عضو پیوسته و رئیس گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۳ از سوی مرکز نشر علوم اسلامی منتشر شده است. از نویسنده کتاب درخواست شد یادداشتی در معرفی کتاب مرقوم فرمایند. متن ذیل در پاسخ به درخواست خبرنامه فرهنگستان علوم از سوی استاد محقق داماد نگاشته شده است که از نظراتان می گذرد:

«ممکن است برای خوانندگان محترم این سؤال مطرح شود که نویسنده در تألیف کتاب «حقوق بین الملل؛ رهیافتی اسلامی» و تدریس چنین درسی چه هدفی را دنبال می کند؟ و انصافاً این سؤال کاملاً بجای و منطقی است و ظاهراً همین سؤال ۴۰ سال پیش هم برای افرادی نظیر دکتر صبحی محمضانی^۱ که همین عنوان را در آکادمی لاهه تدریس کرده، مطرح بوده است. وی در مقدمه درس های مزبور آورده است که سلسله درس ها را به درخواست آکادمی حقوق بین الملل لاهه تهیه نموده و هدف آنان از انجام این درخواست آن است که نشان دهنده اصول حقوق بین الملل با اصول تعالیم و یا فلسفه اسلام

سازگاری دارد و شاید بتوان گفت که بخشی از آن است. وی در ادامه تأکید می کند که درس ها را به این منظور تهیه نکرده است که نشان دهد اسلام با حقوق بین الملل موافقت و سازگاری دارد، و یا آنکه اصول حقوق بین الملل به طور تفصیلی و جزء جزء بر فقه اسلامی عرضه گردد. چرا که چنین مقصودی مجلدات عدیده ای را می طلبد به خصوص اگر تحقیق و پژوهش بخواهد نظریات تمامی مکاتب فقهی و روش عملی روابط بین المللی را در اعصار مختلف تاریخ اسلام مورد پوشش قرار دهد.^۲ محمضانی در آن سلسله درس ها بر این هدف تکیه دارد که اصول اساسی حقوق بین الملل جدید با تعالیم اسلامی و قواعد عمومی آن موافقت دارد ولی در اثر عربی خود، به خصوص در مقدمه کتاب، چنین تأکیدی از ایشان استنباط می شود که مغرب زمین در این زمینه از آثار عربی سخت متأثر است. وی در جایی چنین می نویسد: «و من الثابت بما لا یقبل الشک لدى الباحثین فی هذه الامور، لاسیما من المستشرقین المطلاعین، ان الغرب تأثر کثیراً بما خلفه العرب فی هذا المضمار»^۳. «چیزی که مسلم است و اهل تحقیق در این امور به خصوص مستشرقین مطلع هیچ گونه شک و تردید ندارند این است که مغرب زمین در این زمینه تا حد بسیاری از میراث عرب بهره مند است».

البته آنچه از شخص عالمی مثل ایشان انتظار نداریم تعصب بیجای عربی و نادیده گرفتن حقوق سایر ملیت ها به خصوص ملیت ایرانی است. ناگفته پیداست که محمد بن حسن شیبانی که محور اصلی این سخن است، ایرانی و از خراسان بزرگ است. اوزاعی با دیدن کتاب مختصر ایشان در این باره تحت عنوان «السیر الصغیر» از روی حسادت می گوید اهل عراق را چه به نوشتن این گونه کتاب ها؟!.

بزرگواری و سیادت و اصالت ایرانی موجب آن است که پیشنهاد کنیم به جای به کار بردن میراث عربی - ایرانی - هندی و... بگوییم میراث اسلامی، که به حق مقتضای خردورزی است.

به هر حال از اینها گذشته، اصل مطلب نکته ای است که بسیاری از غربیان در این زمینه اعتراف کرده اند و بهتر از همه، آقای «بارون میشل دو توبه» در سلسله درس های خود در آکادمی لاهه تحت عنوان:

“The Principles of International Law In the Light of Islamic Doctrine”

فصلی دارد تحت عنوان «تأثیر اسلام بر حقوق بین الملل» و در آن بحثی مستوفی در این زمینه صحبت کرده و مدارک و شواهدی ارائه

۱- استاد صبحی محمضانی اهل بیروت مرکز کشور لبنان و دارای درجات علمی دکتری حقوق از دانشگاه لیون فرانسه (۱۹۳۲) و لیسانس از دانشگاه لندن (۱۹۳۵) است و سمت های وی عبارتند از: عضو پارلمان از سال ۱۹۶۲، قاضی عالی و رئیس دادگاه استیناف ۱۹۲۹-۴۶، وکیل پایه یک از ۱۹۴۷، مدرس حقوق در دانشکده حقوق فرانسوی از سال ۱۹۵۱، دانشگاه لبنانی از ۱۹۵۹، دانشگاه عربی از ۱۹۶۳، دانشگاه آمریکایی از ۱۹۳۸-۶۴، عضو هیأت لبنانی در دیوان داور بین المللی، عضو فرهنگستان های عربی قاهره، دمشق، و بغداد؛ رئیس افتخاری دادگاه های لبنانی استیناف مشاور حقوقی هیأت لبنانی در کنفرانس های سفر لیسبون و کمیسیون های عربی در سال ۱۹۲۵، عضو هیأت های لبنانی اعزامی به کنفرانس های مختلف بین المللی، وزیر اقتصاد ملی از ۹ آوریل ۱۹۶۶.

۲- مقدمه درس لاهه تحت عنوان The Principles of International Law In the Light of Islamic Doctrine تابستان سال ۱۹۶۶ میلادی.

۳- همان ۴- کتاب فوق، ص ۴۲.

داده است.

دکتر محمصانی حقوقدان مسلمان فقید لبنانی در یکی از آثار خود نکته‌ای به نقل از مقاله دکتر کامل عیاض، تحت عنوان «صفحات من تاریخ الاستشراق»، مطبوع در مجله مجمع اللغة العربیه دمشق ۱۹۶۸ آورده است که ذکر آن خالی از فایده نیست. وی می‌گوید: «ثابت شده است که «گروسیوس» دولت‌مرد هلندی، و پرچمدار حقوق بین‌الملل در غرب در سال ۱۶۴۰ میلادی در شهر آستانه [نام اصلی اسلامبول] دوران تبعید را می‌گذرانده و در آن ایام به مطالعه آثار اسلامی و روش حاکمان اسلامی در حکومت پرداخته است و می‌تواند یکی از همزه‌های وصل و یا حلقه‌های مفقوده میان غرب و شرق در این زمینه باشد و همچنین ثابت شده است که گروسیوس از امثال فرانسیسکو سوارز اسپانیایی سخت متأثر است که آنان از آثار اسلامی متأثر بوده‌اند»^۵.

به هر حال هدف نگارنده این سطور از تألیف کتاب حاضر را می‌توان اولاً «یافتن مشابهت و توافقی با اصول جدید» و ثانیاً «برای اینکه معلوم شود چنین اصول جهانی که بر پایه وحدت بشری استوار می‌باشد، جزئی از اسلام بلکه محور اصلی سنت اسلامی است» دانست. در این راستا، نکته مهم و قابل ملاحظه این است که گاه شکاف عمیقی میان نظر و عمل مشاهده می‌گردد و بایستی میان قواعدی که توسط حقوق اسلامی وضع شده با آنچه که در عمل، بعضی حکام و فرمانروایان اسلامی مرتکب شده‌اند و احیاناً سیره عملی مزبور خروج از آن قواعد است، تفاوت نهاد. کوتاهی در جداسازی دو وادی فوق، بسیاری از خاورشناسان غربی و حتی برخی نویسندگان شرقی را که در مورد اسلام نگاشته‌اند، سخت به خطا افکنده است چرا که آنان به جای آنکه به آنچه باید اجماع می‌شد - یعنی تعالیم اصلی اسلامی - مراجعه و استناد نمایند، نظریات خود را مبتنی بر رفتار عمل‌شده در بعضی از مقاطع تاریخ اسلام، ارائه نموده‌اند. یکی از بارزترین نمونه این گونه اشتباهات، همان است که بعضی گمان کرده‌اند ماهیت حقوق بین‌الملل اسلامی «حقوق جنگ» است. حال آنکه چنین گمانی کاملاً باطل است. زیرا همان‌طور که در متن کتاب حاضر با استناد به منابع اصلی اثبات شده است، در حقوق بین‌الملل اسلامی برعکس، اصل اولیه، «حقوق صلح» است نه حقوق جنگ. اقدامات مسلحانه کاملاً امری استثنایی و خلاف است.

البته این نظریه‌ای است که نویسندگان مدافع آن است و هرگز نمی‌خواهد

نظریات مقابل را نادیده بگیرد. هر فکر و اندیشه‌ای محترم است ولی باید باب گفتگو را مسدود نساخت زیرا به یقین اندیشه در بستر تضارب تکامل می‌یابد. پیشوای متقیان (ع) فرموده است: «ضربوا بعض الراى ببعض يتولد منه الصواب»^۶، «رایزنی کنید تا اندیشه صحیح متولد شود». به نظر نگارنده یک‌جانبه سخن گفتن و خود را بر حق انگاشتن فاقد وجهت در آیین خردمندی است. به قول ناصر خسرو: «با خصم گوی علم که بی‌خصمی / علمی نه صاف شد نه شکوفا شد / زیرا که سرخ روی برون آمد / هر کو به سوی قاضی تنها شد».

برای مطالعه در هر یک از شاخه‌های حقوق، خواه حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی، حقوق خصوصی و یا عمومی، لازم است که محتوای اصلی آن رشته حقوقی مورد ملاحظه قرار گیرد و موارد استثنائات عملی که احیاناً موجب خروج و نقض قواعد است، اغماض گردد.

برای اجتناب از این گونه اشتباهات و استنتاجات کاذب، در این کتاب نویسنده بر آن است تا بحث خود را به تعالیم اصلی که اسلام راستین نشان می‌دهد اختصاص دهد و بنابراین هر گونه تفسیر و استنباطی را که مبتنی بر حوادث و رخدادهای گذشته و حال است و با تعالیم اصل مزبور منطبق نمی‌باشد، به عمد نادیده گرفته است.

نویسنده در فراهم‌سازی این اثر برخلاف آثار متفکران عرب‌زبان، نظریات فقهی شیعی و احیاناً تحلیل‌های اجتهادی شخصی خود را ارائه نموده است.

در فصل مقدماتی بعضی اطلاعات کلی آمده است. در این فصل، معنای اسلام، ابعاد مختلف آن، رشد تاریخی حقوق اسلام، مکاتب فقهی گوناگون و منابع آنها و نقطه‌نظرهای اسلام در زمینه حقوق ملل، مورد بحث قرار گرفته است. پس از فصل مقدماتی در دو فصل دیگر به ترتیب حقوق صلح و حقوق جنگ بحث شده است. در هر یک از فصول نظریات مختلف مورد بحث و نقد قرار گرفته است. فصل آخر هم نتیجه‌گیری از مطالب و مباحث مطرح‌شده در کتاب است.

لازم است ذکر شود که در پایان کتاب «حقوق بین‌الملل: رهیافتی اسلامی»، «فهرست اعلامیه‌ها و قراردادهای کنوانسیون‌های نیمه دوم قرن نوزدهم درباره حقوق جنگ»، «منابع قراردادی حقوق بین‌الملل جنگ»، «منابع و مأخذ»، «فهرست اصطلاحات و اسامی اعلام»، «فهرست آیات»، «فهرست احادیث» و «فهرست تفصیلی» آمده است. این کتاب در شهریور سال ۱۳۹۳ در ۲۸۲ صفحه و به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط مرکز نشر علوم اسلامی به چاپ رسیده است.

۵- محمصانی، القانون و العلاقات الدولية فی الاسلام، ص ۲۳.

۶- غرر الحکم، ۲۵۶۷.



علم، دین و فلسفه

دکتر مهدی گلشنی^۱

چاپ اول: ۱۳۹۳، کانون اندیشه جوان

کتاب «علم، دین و فلسفه» اثر آقای دکتر مهدی گلشنی توسط آقای دکتر احمد کتابی استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معرفی شده است که خلاصه‌ای از این معرفی برای آگاهی علاقمندان به شرح ذیل ملاحظه می‌شود:

«دکتر مهدی گلشنی، بی‌گمان، یکی از چهره‌های علمی درخشان و از مفاخر مسلم ایران معاصر است. وی نه تنها در علوم پایه و رشته تخصصی خود فیزیک سرآمد اقران و از شخصیت‌های مطرح در سطح بین‌المللی است که با توجه به سوابق ممتدش در تحصیلات حوزوی، در فلسفه و معارف اسلامی و ادبیات عربی و فارسی نیز از تبحر کافی برخوردار است. در تأیید این مدعا کافی است نظری بر آثار منتشر شده وی - که فقط بخشی از تألیفات و ترجمه‌ها و رساله‌های متعدد او را شامل می‌شود - بیفکنیم: ترجمه فیزیک هالیدی، (۱۳۶۴)، نشر دانشگاهی، برنده جایزه کتاب سال، قرآن و علوم طبیعت (۱۳۶۴)، امیرکبیر، تحلیلی از دیدگاه‌های فیزیکدانان معاصر (۱۳۶۹)، امیرکبیر، برنده کتاب سال، از علم سکولار تا علم دینی (۱۳۷۷)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم (۱۳۷۹)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی).

کتاب «علم، دین و فلسفه»، آخرین اثر منتشر شده از دکتر مهدی گلشنی است که همانند دیگر آثار وی با دیدگاهی جامع‌نگر و با رویکرد بین‌رشته‌ای Inter-disciplinary و فارغ از برخی پیش‌داوری‌ها و تعصبات رایج نگارش یافته است.

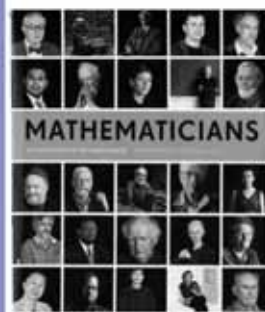
نویسنده، در مقدمه کتاب، درباره انگیزه و چگونگی تألیف آن چنین می‌گوید: «در بهار سال ۱۳۸۲، تعدادی از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف پیشنهاد کردند گفتگوهای در مورد بعضی مسائل مربوط به توسعه علم و فناوری در ایران معاصر داشته باشیم. این گفتگوها طی چندین جلسه بحث در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، حول و حوش علم و فلسفه، فلسفه علم، علم و دین، تکنولوژی، جهانی‌شدن و وضعیت کنونی علم در کشور صورت گرفت که اکنون به صورت این مجموعه به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود».

کتاب مورد بررسی، صرفنظر از پیشگفتار و مقدمه شامل هفت فصل به شرح ذیل است: علم و فلسفه، فلسفه علم، علم و دین، علم دینی، فلسفه و تکنولوژی، وضعیت کنونی علم در کشور و جهانی‌شدن. هر فصل دارای کتابنامه ویژه است و در پایان کتاب فهرست آیات مورد استناد و نیز نمایه‌ها ذکر شده است. چنانکه اشاره شد، کتاب تماماً حالت گفتگو و پرسش و پاسخ دارد به این ترتیب که در ابتدای هر فصلی، یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد سؤالی را در زمینه یکی از هفت موضوع یادشده مطرح می‌کند. سپس دکتر گلشنی، غالباً به طور مشروح، به پاسخگویی آن می‌پردازد.

در جریان گفتگو، دیگر حاضران در جلسه هم، به نوبه خود، وارد بحث می‌شوند و به ارائه سؤالات و نظرات و یا نقدهای خود می‌پردازند و در پایان هر فصل، جمع‌بندی مباحث توسط دکتر گلشنی ارائه می‌شود. این گفتگوها حاوی مباحث اساسی و دیالوگ‌های بسیار عمیق آموزنده‌ای در زمینه رابطه علم و فلسفه، دین و فلسفه و علم و دین و دیگر مسائل مرتبط با این حوزه‌هاست که خوشبختانه با زبانی ساده و بیانی شیوا و رسا تنظیم و نگارش یافته به‌طوری‌که برای افراد غیر متخصص هم به راحتی قابل فهم است.

مطالعه این کتاب بسیار جامع و پر محتوا را به همه علاقه‌مندان حوزه‌های فلسفه، دین و علم مؤکداً توصیه می‌کنیم».

۱- عضو هیئت‌مدیره فرهنگستان علوم، استاد فیزیک و مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف



ریاضیدانان

نگرشی برونی از دنیای درونی

انتخاب، ترجمه و تنظیم مطالب: دکتر مهدی بهزاد^۱

«ریاضیدانان» نام کتاب ارزشمندی است که در سال ۲۰۰۹ میلادی توسط نشر دانشگاه پرینستون در قطع وزیری (تقریباً 30×25 سانتی متر) در دویست صفحه به صورتی نفیس در ایتالیا چاپ و منتشر شده است.

صاحب امتیاز این اثر خانم ماریانا کوک^۲، عکاس زبردستی است که از نود و دو ریاضیدان معاصر و برجسته ساکن در ایالات متحده آمریکا عکس گرفته و آنها را از صفحه دهم به بعد در صفحات زوج کتاب قرار داده و در صفحه فرد مقابل هر عکس، طبق الگویی خاص، زندگینامه خودنویسته و مختصر ریاضیدان صاحب عکس را آورده است. روی پوش کتاب در پنج ردیف و در هر ردیف عکس کوچک پنج تن از نود و دو ریاضیدان منتخب چاپ شده است. عکس خانم دکتر مریم میرزاخانی برنده جایزه فیلدز سال ۲۰۱۴ را می توان در میان عکسها مشاهده کرد. به نظم ترتیب ذکر شرح حال ریاضیدانان کاملاً تصادفی است: نخستین فرد ادوارد نلسون^۳ و آخرین آنها دیوید هارولد بلاکول^۴ است. زیر نام هر ریاضیدان غالباً در دو یا در سه سطر شاخه های مورد علاقه، جوایز مهم دریافتی و مقام های علمی و سمت ها و محل های خدمت قید شده اند. سی و هفت نفر به هندسه یا زیر شاخه هایی از آن ابراز علاقه کرده اند و بیست تن هم به نظریه اعداد و یا زیرشاخه هایی

نظیر هندسه حسابی و نظریه جبری اعداد، تقریباً همه ریاضیدانان منتخب یک دانشگاه یا مؤسسه علمی را به عنوان محل خدمت خود ذکر کرده اند. اما، برخی هم دو یا سه محل را، دانشگاه پرینستون یا انستیتو مطالعات عالی پرینستون در ذیل نام بیست و نه، و هر یک از دانشگاه های برکلی و هاروارد در ذیل نام هفت ریاضیدان دیده می شوند. شاید یکی از دلایل این اختلاف غیر منتظره همجواری انستیتو مطالعات عالی پرینستون با دانشگاه پرینستون باشد؛ ناشر هم می تواند نقش داشته باشد.

از نود و دو ریاضیدان منتخب سیزده نفر زن و هفتاد و نه نفر مرد هستند. جالب اینکه بیست و دو نفر جایزه فیلدز را برده و شش نفر جایزه آبل را کسب کرده اند. تنها جان نش^۵ ریاضیدان و پژوهشگر ارشد دانشگاه پرینستون جایزه نوبل اقتصاد را به خود اختصاص داده است. امیدوارم خوانندگان عزیز فیلم جذاب «ذهن زیبا» مربوط به زندگی «جان نش» را تماشا کرده و لذت برده باشند. هیچ یک از این ریاضیدانان هر سه جایزه نوبل، آبل و فیلدز را نبرده اند ولی سه ریاضیدان به نام های آتیا^۶، کارلسون^۷ و سر^۸ هم جایزه فیلدز را برده اند و هم آبل را. نکته قابل تأمل اینکه پیش از سال ۲۰۱۴ در بین خانمها هیچ کس موفق به کسب هیچ یک از این سه جایزه نشده بود.

برخی بر این باورند نظیر ماری کوری که در اوایل قرن بیستم میلادی جایزه نوبل را از آن خود کرده و راه تعالی را به خانمها نشان داده، مریم میرزاخانی هم با کسب جایزه فیلدز در اوایل قرن بیست و یکم چشم انداز باشکوه دیگری را به روی باتوان جهان گشوده است. پیشگفتار یک صفحه ای کتاب را ماریانا کوک و مقدمه دو صفحه ای آن را رابرت کلیفورد گونینگ^۹ نوشته است. هم پیشگفتار پر محتوا و خواندنی است و هم مقدمه.

این کتاب زیبایی و لذت ریاضیات را به همه خوانندگان انتقال می دهد. عکس ها و متن ها الهام بخش اند و هدیه ارزنده ای هم برای کسانی محسوب می شوند که ریاضیات را دوست می دارند و هم برای افرادی که تصور می کنند از آموختن آن عاجزند.

خانم کوک یک پاراگراف کامل، تقریباً یک چهارم از پیشگفتار کتاب را به متن مصاحبه با خانم دکتر مریم میرزاخانی اختصاص داده و نوشته است:

«یکی از آخرین ریاضیدانانی که عکسش را برای اجرای پروژه گرفتم یکی از جواترین ها هم است: مریم میرزاخانی. من با او مصاحبه کردم.

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد ریاضیات

2-Mariana Cook

3-Edward Nelson

4-David Harold Blackwell

5-John Forbes Nash

6-Michael Francis Atiyah

7-Lennart Axel Edvard Carleson

8-Jeam - Pierre Serre

9-Robert Clifford Gunning

پس از گفتگو درباره علاقه اولیامش از کار تخصصی او جويا شدم. کنجکاوانه به من نگاه کرد و خواست بداند از پاسخش چقدر خواهم فهمید. تحت تأثیر ملاحظه‌کاریش قرار گرفتم. فنجانی را که روی میزش بود برداشت و درباره شکل دسته فنجان به سخن پرداخت و اینکه این شکل چگونه می‌تواند تغییر کند و در فرایند تغییر چه پرسش‌ها و پاسخ‌های ریاضی‌گونه‌ای را می‌توان مطرح کرد. ضمن خوشحالی از اینکه توانستم اندکی از پاسخش را درک کنم به او گفتم عکس ریاضیدان دیگری به نام دنیس سالیوان^{۱۰} را نیز گرفته‌ام و او هم فنجانش را برداشته و دقیقاً به همین‌گونه توپولوژی را به من معرفی کرده است. مریم بانک برداشت «دنیس پدر بزرگ ریاضی من است. کورت ماک مولن^{۱۱} رابط بین ما است». بین ریاضیدانان همبستگی چشمگیری وجود دارد. دانشجویان به وقت و زحمات استادان خود ارج می‌نهند و خود به پرورش نسل بعدی می‌پردازند.

ریاضیدانان مطرح در این کتاب عموماً اعلام می‌کنند که چگونه به ریاضیات علاقه‌مند شده‌اند، چرا به این موضوع عشق می‌ورزند، چگونه در مواجهه با مسائل چالش‌برانگیز ریاضی انگیزه خود را از دست نمی‌دهند و چگونه با دست‌آوردهای شگرفشان راه‌های تازه‌ای به روی آیندگان می‌گشایند. به عنوان نمونه ترجمه زندگینامه خودنوشته خانم دکتر مریم میرزاخانی را ارائه می‌کنم:

«مریم میرزاخانی» (نظریه ارگودیک^{۱۲}، نظریه تیخ مولر^{۱۳}، استاد ریاضیات، دانشگاه پرینستون)

من در ایران بزرگ شده و دوران کودکی شادی داشته‌ام. در خانواده‌ای که هیچ‌کس دانشمند محسوب نمی‌شد؛ اما، من از برادر بزرگترم که همواره به ریاضیات و علوم علاقه داشت مطالب زیادی آموختم. در آن روزها به خانم‌ها توصیه می‌شد مستقل باشند و علایق خودشان را دنبال کنند. به خاطر دارم که تلویزیون درباره بانوان متشخص و توانایی چون ماری کوری^{۱۴} و هلن کلر^{۱۵} برنامه پخش می‌کرد. کسانی را تمجید می‌کردم که کارشان را با جدیت انجام می‌دادند. تحت تأثیر کتاب‌هایی چون «شور زندگی» زندگینامه ون‌گوک^{۱۶} قرار می‌گرفتم. به عنوان یک کودک رویای نویسندگی در سر داشتم و با خواندن داستان‌های گوناگون اوقات فراغتم را پر می‌کردم. بعداً درگیر رقابت‌های ریاضی شدم و بیشتر و بیشتر به ریاضیات علاقه پیدا کردم. دوستانی صمیمی داشتم که آنها نیز به ریاضیات عشق می‌ورزیدند و سال‌های تحصیل در دوره کارشناسی‌ام را مهیج و الهام‌بخش می‌ساختند. رشته ریاضی را

برگزیدم و برای ادامه تحصیل به دانشگاه هاروارد رفتم. در آنجا در اثر کار با کورت ماک مولن با شاخه‌های مختلفی از ریاضیات آشنا شدم که با دینامیک و هندسه رویه‌های ریمانی در ارتباط بودند. تعدد رشته‌های مورد علاقه و بینش ژرف استادم بر من تأثیری عمیق گذاشتند. بخش‌های ریاضی دانشگاه‌ها به مردسالاری گرایش داشتند و گاهی هم لطفی به خانم‌ها نشان می‌دادند. با این وجود شخصاً هیچ‌گاه به خاطر زن‌بودنم با مشکل روبرو نشده و همواره از حمایت همکاران برخوردار بوده‌ام. ولی هنوز هم تا وضع مطلوب فاصله زیاد است. من اعتقاد دارم که خانم‌ها قادرند همان کارهایی را انجام دهند که آقایان؛ اما، طول زمان ممکن است متفاوت باشد. ممکن است برای مردان ساده‌تر باشد که مدتی طولانی روی مطلبی تمرکز کنند و وقت زیادتری به کارشان اختصاص دهند. فراموش نکنید انتظارات جامعه از زنان متنوع‌تر هست و گاه با ملزومات پژوهشی همخوانی ندارد. خیلی اهمیت دارد که شخص اعتماد به نفس داشته باشد و انگیزه‌اش را از دست ندهد. من عمدتاً روی مسائل مربوط به هندسه رویه‌ها کار کرده و سری هم به زمینه‌های مربوط زده‌ام. همواره شیفته آنالیز مختلط و نظریه ارگودیک بوده‌ام. از آموختن شاخه‌های مختلف ریاضی و درک ارتباط بین آنها لذت می‌برم. شگفت‌انگیز ارتباطی است که مسائل رویه‌های ریمانی با شاخه‌های گوناگون ریاضی از جمله نظریه ارگودیک، هندسه جبری و هندسه هذلولوی دارند. من در انجام کار پژوهش خیلی کندم. شخصاً بین رشته‌های مختلف ریاضی مرز قائل نیستم. دوست دارم روی مسائل چالش‌انگیز مهیج کار کنم و راهی را بیازمایم که به آن می‌رسم. این طرز تفکر سبب می‌شود ضمن اندرکنش با دیگران از همکاران زیرک مطلب بیاموزم.

ریاضی‌ورزیدن به گونه‌ای شبیه نوشتن داستان است. مسأله در نقش موجود زنده ظاهر می‌شود. با این وجود باید در نوشتن بسیار دقیق بود: همه چیز باید مثل چرخ‌های ساعت با هم جفت و جور باشند.

در پشت پوش کتاب به نقل از زندگینامه خودنوشته خانم سان یونگ آلیس چانگ^{۱۷} آمده است: «همواره احساس می‌کردم ریاضیات زبانی شبیه موسیقی است. برای آموختن اسلوب‌مند آن لازم است ابتدا قطعات کوچک را خوب بیاموزیم و به تدریج قطعات بعدی و بعدی را. به معنایی ریاضیات شبیه زبان کلاسیک چینی است: بسیار بی‌عیب و نقص و بسی دلپسند. شنیدن یک سخنرانی جذاب ریاضی همانند تماشای یک اپرای زیبا است. همه چیز هماهنگ است و موزون».

10-Dennis Parnell Sullivan
11-Curtis Mc Mullen
12-Ergodic Theory
13-Teichmuller Theory
14-Marie Curie

15-Helen Keller
16-Vincent Van Gogh
17-Sun - Yung Alice Chang



شیمی و

کاربرد پروتئین‌های شیر

دکتر علی‌اکبر موسوی‌موحدی^۱، مریم سلامی،

مریم مصلحی‌شاد، مرضیه دهقان شاسلطنه

مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول: ۱۳۹۲

رژیم غذایی خوب و سالم نقش مهمی در سلامت افراد در سنین مختلف از نوزاد تا سالمند دارد به‌طوری‌که به افراد کمک می‌کند که برای مدت طولانی زندگی سالم و فعالی داشته باشند و از نفوذ بسیاری از بیماری‌ها در امان بمانند. از میان انواع غذاهایی که روزانه به مصرف انسان می‌رسد، شیر و فرآورده‌های آن به دلیل تنوعی که دارند در میان گروه‌های سنی مختلف جایگاه ویژه‌ای دارند. شیر یکی از مناسب‌ترین مواد غذایی است که علاوه بر انواع پروتئین‌ها، چربی‌ها، املاح مورد نیاز بدن بخصوص فسفر و کلسیم، انواع ویتامین‌ها و نیز اسیدهای آمینه ضروری را داراست. شیر دارای ترکیبات تأمین‌کننده عناصر مغذی حیاتی، ترکیبات ایمنی و فعال زیستی برای نوزاد و انسان بالغ است. بخش پروتئینی شیر دارای ترکیبات ارزشمند و فعال زیستی گوناگون است. در دو دهه اخیر توجه خاصی به شیر به عنوان منبع بکری به منظور تولید غذاهای فراسودمند با خاصیت درمانی ویژه شده است که در این میان پروتئین‌های شیر نقش بالقوای را ایفا می‌کنند.

کتاب حاضر تحت عنوان «شیمی و کاربرد پروتئین‌های شیر» به عنوان اولین مجموعه تدوین‌شده به زبان فارسی در زمینه پروتئین‌های شیر و استفاده از آنها در فرآورده‌های شیری می‌تواند در پیشبرد اهداف علمی، صنعتی، گسترش علم و نوآوری در صنعت شیر و دستیابی به رویکردهای جدید به فرآورده‌های شیری راهگشا باشد.

در این کتاب ساختار پروتئین‌های شیر و اهمیت آنها از دیدگاه فرآوری و صنعتی مورد بررسی قرار گرفته است. امید است این کتاب پاسخگوی بخشی از نیازهای علمی پژوهشگران، دانشجویان، صنعتگران در حوزه علوم و صنایع غذایی و کلیه دست‌اندرکاران صنعت شیر باشد.



نامه تاج‌بخش

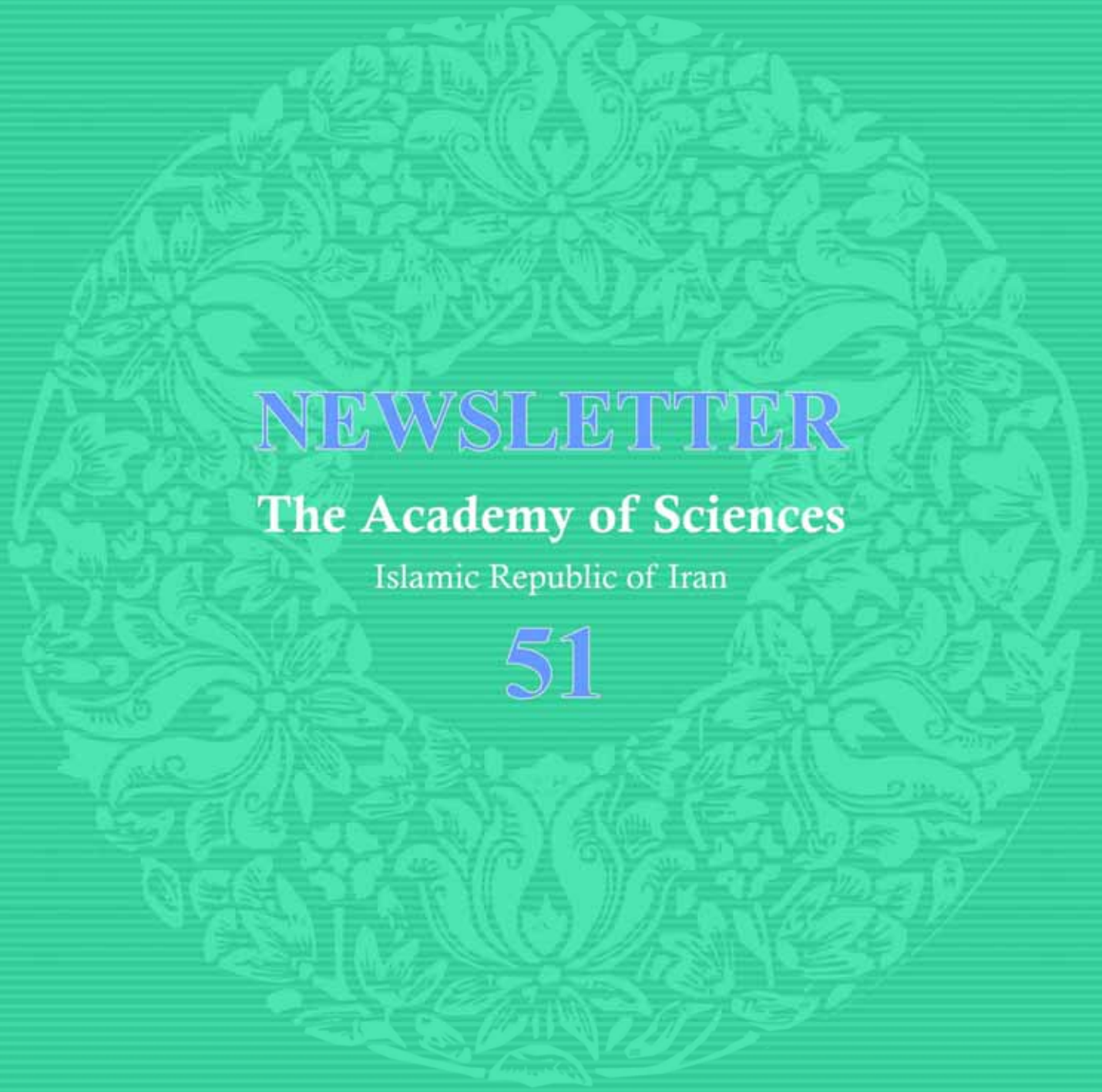
«نامه تاج‌بخش» ویژه‌نامه‌ای است برای تقدیر از مقام شامخ علمی آقای دکتر حسن تاج‌بخش عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد میکروبی‌شناسی، ایمنی‌شناسی و تاریخ علم دانشگاه تهران، که به کوشش آقای علیرضا هاشمی‌نژاد و به مناسبت نهمین دوره اعطای جایزه زنده‌یاد افضلی‌پور از سوی دانشگاه کرمان به استاد تاج‌بخش، تنظیم و منتشر شده است.

در این کتاب پس از مقدمه آقای دکتر محمدجواد فدایی رئیس دانشگاه شهید باهنر کرمان، مختصری از زندگی و فعالیت‌های علمی و پژوهشی آقای دکتر تاج‌بخش شرح داده شده که شامل تحصیلات رسمی و حرفه‌ای، برخی از مشاغل و سمت‌های علمی و اجرایی، جوایز و نشان‌ها و استادان و مربیان استاد تاج‌بخش می‌باشد.

بخش دوم کتاب شامل گفتگویی است که با دکتر تاج‌بخش صورت گرفته است. در بخش سوم کتاب، به آثار مکتوب ایشان به تفصیل اشاره شده است که شامل کتاب‌ها، مقالات منتشرشده در مجلات علمی داخلی، مقالات منتشرشده در مجلات علمی بین‌المللی، پایان‌نامه‌های دکتری تخصصی، پایان‌نامه‌های دکتری عمومی و طرح‌های پژوهشی انجام گرفته توسط آقای دکتر تاج‌بخش در دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران می‌باشد. این ویژه‌نامه در سال ۱۳۹۳ توسط دانشگاه شهیدباهنر کرمان به چاپ رسیده است.

۱- عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران





NEWSLETTER

The Academy of Sciences

Islamic Republic of Iran

51